

خواندن و درک مطلب فارسی

برای زبان آموزان غیر ایرانی

دوره‌ی پایه

پدیدآورندگان

فاطمه جعفری - اعظم السادات نوابی - حمید ابراهیمی

سرشناسه: جعفری، فاطمه، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان آموزان غیر ایرانی (دوره پایه)،
فاطمه جعفری، اعظم السادات نوابی، حمید ابراهیمی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه تهران، موسسه دهخدا؛ مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی،
۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: [۲۱۸ص.] مصور؛ ۲۲×۲۹ س م. + یک عدد لوح فشرده.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۹۷۰۹-۱
وضعیت فهرست نویسی: بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه: ص. ۲۱۰.
موضوع: فارسی- کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان- خواندن و درک مطلب
شناسه افزوده: الف. نوابی، اعظم السادات، ۱۳۵۱-، ابراهیمی، حمید، ۱۳۵۲-
شناسه افزوده: ج. دانشگاه تهران، موسسه دهخدا، مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ خج۷/ج۲۸۲۷ PIR
رده بندی دیویی: ۸/۲۴ فا ۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۳۵۳۴

عنوان: خواندن و درک مطلب فارسی (دوره‌ی پایه)

پدیدآورندگان: فاطمه جعفری - اعظم السادات نوابی - حمید ابراهیمی

ناشر: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی

نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: موسسه انتشارات دانشگاه تهران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۹۷۰۹-۱

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از خیابان پسیان، موسسه لغت‌نامه دهخدا

و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه تهران، پلاک ۳۰۱۱

تلفن: ۲۲۷۱۸۰۷۳-۲۲۷۱۷۱۲۰

وب سایت: icps.ut.ac.ir

پست الکترونیک: icps@ut.ac.ir

«کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری و جز اینها برای ناشر محفوظ است.»

بسمه تعالی

بیش از دو دهه از تاریخ آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان در مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی وابسته به مؤسسه لغت‌نامه دهخدا می‌گذرد و در اثنای این مدت نسبتاً طولانی، تدریس زبان فارسی بر اساس درس‌نامه‌های مدرسین دلسوز و فعال این مرکز که به مرور زمان و با کسب تجربه و دانش نظری و نیاز زبان‌آموزان تهیه و تدوین نموده‌اند ادامه داشته و دارد. اگرچه اساتید و علاقمندان زبان فارسی با هم‌متی و صف‌ناپذیر دست به تألیف کتب آموزشی مورد نیاز این حوزه زده‌اند و هم‌اکنون آثار قابل توجهی در دسترس زبان‌آموزان می‌باشد، ولی با عنایت به دستاوردهای تحقیقات زبان‌شناسی نظری و عملی کاستی‌هایی در آثار منتشرشده به‌چشم می‌خورد. در این بین مدرسان فعال و زبان‌آموزان مشتاق نیز در حین فراگیری زبان با آن نواقص دست و پنجه نرم می‌کنند. تجربه بیست‌ساله مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی و گفتگوهای زیاد با اهل فن ما را بر آن داشت که از تجارب گذشته و حال استفاده کنیم و یک دوره کتب آموزشی مناسب تدوین و تهیه نماییم. خوشبختانه از بین مدرسین مرکز دهخدا سرکارخانم فاطمه جعفری دو جلد کتاب «دستور کاربردی» تدوین کرد. این دو جلد کتاب توسط مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی چاپ گردید و در اختیار زبان‌آموزان قرار گرفت. متعاقباً بر اساس روال فوق‌الذکر کتاب حاضر از مجموعه سه جلدی کتاب‌های «خواندن و درک مطلب فارسی» توسط مشارالیه‌ها و خانم اعظم نوابی و آقای حمید ابراهیمی آماده شد و توسط این مرکز چاپ و منتشر می‌گردد. به امید آنکه علاقمندان غیر ایرانی زبان و ادبیات فارسی از آن بهره کافی ببرند.

علی افخمی

رئیس مؤسسه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی



تشکر و قدردانی

از مسئولین مؤسسه دهخدا تشکر و قدردانی می‌نماییم، کسانی که با درک نیاز به منابع آموزشی مفید، مشوق نگارندگان این مجموعه کتاب‌ها بودند، جناب آقای دکتر افخمی، رییس مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به‌خاطر حمایت از چاپ این مجموعه‌ها تشکر می‌نماییم. همین‌طور از معاونان مؤسسه آقایان آخوندی و پهلوانی به‌خاطر کمک‌هایشان تشکر و قدردانی می‌کنیم.

تشکر ویژه داریم از جناب آقای دکتر ایرج شهبازی که داوری این مجموعه کتاب‌ها را بر عهده داشتند و با راهنمایی‌های خود مؤلفین این مجموعه را مورد امتنان قرار دادند.

مؤلفین این مجموعه کتاب‌ها از استادان و مدرسان زبان فارسی مؤسسه دهخدا بخصوص خانم سیاوشی و خانم کیانی و خانم مثمر نیز تشکر و قدردانی می‌نمایند، کسانی در طی دوران گذراندن مراحل آزمون و خطای این مجموعه کتاب‌ها از ارائه نظرات و پیشنهادات خود دریغ نکردند.



پیش گفتار

درک مطلب و خواندن یکی از مهارت‌های ادراکی و دریافتی است که در آن زبان‌آموز باید علایم نوشتاری یعنی حرف‌ها و واژه‌ها و جمله‌ها را بازشناسد و معنا و پیامی را که از هم‌نشینی این عناصر به دست می‌آید، درک کند. مهارت خواندن علاوه بر تلفظ صحیح کلمه و آهنگ درست جمله مستلزم دریافت معنی و درک مطلب مفاهیم موجود در متن است.

کمبرود منابع مفید و غنی آموزش زبان فارسی، نگارندگان مجموعه کتاب‌های خواندن و درک مطلب فارسی را بر آن داشت تا با استفاده از تجربه سال‌های تدریس خود و با توجه به نیازهای موجود زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان، دست به تهیه و تدوین مجموعه حاضر بزنند.

مجموعه کتاب‌های خواندن و درک مطلب (سه مجلد) شامل سه دوره مقدماتی، میانی و پیشرفته است. هر کتاب شامل هجده متن با موضوعات متنوع برای تقویت مهارت خواندن و درک مطلب در سطح مقدماتی است. در انتخاب متن‌ها سعی شده از آسان به دشوار پیش رفته و موضوع‌ها با توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی زبان‌آموز در ارتباط با جامعه فارسی‌زبان امروزی انتخاب شوند. در این راستا واژگان انتخابی هر متن متناسب با نیازهای زبانی زبان‌آموز هستند. همچنین در انتخاب و آموزش مباحث دستوری، به نیاز زبان‌آموزان توجه شده و مباحث از ساده به پیچیده‌تر پیش رفته اند.

مخاطب این کتاب زبان‌آموزانی هستند که حداقل هشتاد ساعت از یک دوره کامل زبان‌آموزی را طی کرده و قادرند کلمات ساده و ابتدایی را بخوبی تلفظ و معنی و مفهوم آن را از متن استخراج کنند. همچنین اطلاعات دستوری آنها باید در حدی باشد که بتوانند جمله‌های ساده را بخوانند، همچنین در همین راستا جهت راحت‌تر خواندن کلمه‌ها و جمله‌ها قسمت اعظم واژگان در کتاب اعراب‌گذاری شده که به سهولت تلفظ در این سطح کمک می‌کند.

ساختار کلی کتاب‌های این مجموعه

پرسش‌های پیش از خواندن: پیش از شروع هر متن درس در رابطه با موضوع مورد نظر سؤالاتی مطرح شده که باعث آشنایی زبان‌آموز با متن درس و واژگان به کاررفته در آن خواهد شد.

واژه‌های جدید: بعد از پرسش‌های پیش از خواندن، در بخش واژه‌های جدید، زبان‌آموزان با واژه‌های جدید متن آشنا شده و برای خواندن متن آماده می‌شوند. گاه ممکن است به‌طور مستقل واژه‌ها چند معنی متفاوت داشته باشند، اما زمانی

که زبان آموز در بافت متن با آنها روبه‌رو می‌شود، با توجه به بافت و جایگاه کلمه در متن باید معنی اصلی را حدس زده و قادر به درک معنی و کاربرد آن شود.

متن درس: همان‌طور که اشاره شد، متن درس‌ها براساس نیازهای موقعیتی و عمومی زبان آموزان انتخاب شده و سعی شده از متن‌هایی با موضوع‌های عمومی استفاده شود تا زبان آموز با واژگان خاص آن موضوع‌ها به شکل کاربردی آشنا شوند.

تمرین‌های درک مطلب: این تمرین‌ها درباره درک مطلب و مفاهیم کلی متن پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و زبان آموز با مراجعه به متن قادر خواهد بود به آن پرسش‌ها پاسخ دهد.

تمرین واژگان: این بخش شامل تمرین‌هایی است که توسط آنها، زبان آموز به تمرین واژگان پرداخته و با کاربرد مناسب آنها در بافت‌های مختلف آشنا می‌شود. لازم به ذکر است که تکرار واژگان جدید به صورت‌های مختلف و در تمرین‌های گوناگون، اثر مثبتی در یادگیری زبان آموزان خواهد داشت.

خواندن بیشتر: بعد از تمرین‌ها یک بخش تکمیلی با عنوان خواندن بیشتر در نظر گرفته شده است. این بخش نسبت به متن اصلی بار فرهنگی بیشتری دارد و موضوعات آن شامل افسانه‌ها، زندگی روزمره، جشن‌ها و بعضی از آیین‌های جامعه فرهنگی - زبانی فارسی می‌باشد. در بیشتر موارد سعی شده است متن‌های این بخش در ارتباط با متن اصلی بوده و دایره واژگانی زبان آموزان را در ارتباط با موضوع درس گسترده‌تر کند.

گفتنی است در این کتاب با توجه به هدف آن، یعنی تقویت مهارت خواندن از پرداختن به مباحث دستوری اجتناب شده و فقط به تمرین‌هایی در مورد فعل مرکب و جایگزینی فعل‌ها با توجه به زمان جمله اکتفا شده است. مرور: بعد از هر شش درس تمرینات مرور به منظور مرور و تکرار درس‌های قبلی در نظر گرفته شده‌اند. این تمرین‌ها شامل سه بخش بوده و خلاصه‌ای از واژگان و مطالب آموخته شده در شش درس قبلی را ارائه می‌کند.

سایر ویژگی‌های مجموعه کتاب‌های خواندن

علاوه بر مطالب یادشده‌ی بالا کتاب حاضر ویژگی‌های دیگری نیز دارد که به آنها اشاره می‌شود:

۱. مجموعه کتاب‌های خواندن دارای لوح فشرده صوتی هستند. این مرجع شنیداری زبان آموزان را برای تمرین بیشتر و آشنایی با آهنگ و تلفظ زبان فارسی یاری می‌کند.

۲. این مجموعه کتاب‌ها مصور بوده و عکس‌هایی که برای هر درس انتخاب شده‌اند، به انتقال بار فرهنگی - معنایی درس‌ها کمک شایانی می‌کنند. استفاده از تصویر برای درس‌ها بسیار مهم و قابل توجه است، چرا که نه تنها باعث جذابیت بیشتر درس‌ها می‌شود، بلکه گاه نقشی بسیار تعیین‌کننده در انتقال بار معنایی مطلب مورد نظر دارد، به‌عنوان مثال در درس‌هایی که از آداب و رسوم و آیین‌های ایرانی صحبت می‌شود، گاه بدون ارجاع به عکسی از آن آیین‌ها زبان آموزان قادر به درک عمق پیام درس‌ها نخواهند شد.

۳. دربخش نهایی کتاب، فهرستی از فعل‌های موجود در کتاب ارائه شده که همراه با معنی انگلیسی‌شان آورده شده‌اند. امیدواریم این کتاب مورد پسند و کاربرد مخاطبین محترم قرار گیرد. درعین حال، مشتاقانه پذیرای نظرات سازنده استادان و همکاران محترم زبان فارسی هستیم.

فاطمه جعفری - اعظم السادات نوابی - حمید ابراهیمی



فهرست

۷		پیشگفتار
۱۳	زندگی دانشجویی	درس اول
۲۱	آخر هفته	درس دوم
۲۷	خانواده‌ی بزرگ من	درس سوم
۳۵	انتخابِ شغل	درس چهارم
۴۳	شام تولد	درس پنجم
۵۱	زندگی در کشور خارجی	درس ششم
۵۹		مرور یک
۶۵	نوجوانی من	درس هفتم
۷۳	سفرِ پردرِسر	درس هشتم
۸۱	بیماریِ خطرناک	درس نهم
۸۹	اوقات فراغت	درس دهم
۹۷	ورزش و سلامتی	درس یازدهم
۱۰۵	دعوتِ دوستانه	درس دوازدهم
۱۱۳		مرور دو
۱۱۹	باغ وحش	درس سیزدهم
۱۲۷	سفر به آرگنم	درس چهاردهم
۱۳۵	بازار تهران	درس پانزدهم
۱۴۳	عمومی‌ترین رسانه	درس شانزدهم
۱۵۱	تکنولوژی و زندگی امروزی	درس هفدهم
۱۵۹	هنر در دنیا	درس هجدهم
۱۶۷		مرور سه
۱۷۳		فهرست واژگان
۲۰۱		مصدرها
۲۰۶		منابع و مآخذ

نمادهای استفاده شده در متن



درک مطلب



تمرین واژگان

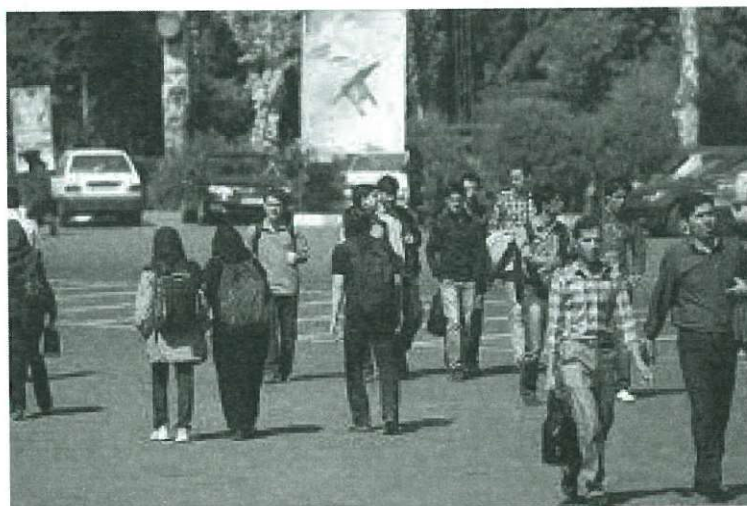


خواندن بیشتر



مرور

زندگی دانشجویی



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما کجایی هستید؟
۲. کجا زندگی می‌کنید؟
۳. با چه کسی زندگی می‌کنید؟
۴. چند سال دارید؟
۵. مجرد هستید یا متأهل؟

واژه‌های جدید

مُجَرَّد	زندگی کردن	خواهر	ازدواج کردن
مُعَرَّفی کردن	صُحْبَت کردن	خوردن	بَرگِشْتَن
مُطالعه کردن	طَبَقَه	دانشجو	تاریخ
هَم‌أَتاقی	غَذا	دانشگاه	تَماشا کردن
هَم‌کِلَاسی	کِتَابخانَه	دَرس خواندن	چند ماه پیش
	ماندن	دوست	خارجی
	مُتَأَهِّل	رِستوران	خوابگاه

زندگی دانشجویی

اسم من سارا است. من بیست و دو سال دارم و مجردم. خانه‌ی من در تهران است، ولی الآن در یزد زندگی می‌کنم. من یک خواهر دارم. اسم خواهرم میناست. مینا در شیراز دانشجوی تاریخ است. او چند ماه پیش با هم‌کلاسی‌اش بهروز ازدواج کرد. آنها الآن در طبقه‌ی دُومِ خانه‌ی پدرِ بهروز زندگی می‌کنند، اما من در یزد، در خوابگاه زندگی می‌کنم. مینا دیروز به یزد آمد. او چند روز، پیش من می‌ماند و هفته‌ی آینده باهم به تهران می‌رویم.

امروز صبح من و مینا به دانشگاه رفتیم. من مینا را به دوست‌هایم معرفی کردم. ظهر باهم در رستوران دانشگاه غذا خوردیم و بعد به کتابخانه رفتیم. دو ساعت در آنجا مطالعه کردیم و بعد به خوابگاه برگشتیم. من مینا را به هم‌اتاقی‌ام، کاترین معرفی کردم. کاترین آلمانی است و بیست و هفت سال دارد. او دانشجوی تاریخ است. کاترین خیلی خوب فارسی صحبت می‌کند. مینا و کاترین چند ساعت باهم درباره‌ی تاریخ حرف زدند؛ چون هر دوی آنها دانشجوی تاریخ هستند، اما من تاریخ دوست ندارم، بنابراین فقط تلویزیون تماشا کردم.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درست را با حرف «د» و پاسخ نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. مینا دانشجوی تاریخ است.
۲. سارا همسرِ بهروز است.
۳. کاترین هم‌کلاسیِ سارا است.
۴. سارا مجرد است.



۵. سارا و مینا هفته‌ی بعد به تهران می‌روند.

(ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. مینا در کدام شهر زندگی می‌کند؟

.....

۲. دوست سارا کجایی است و چند سال دارد؟

.....

۳. سارا و خواهرش چه کارهایی کردند؟

.....

۴. چرا مینا و کاترین باهم زیاد حرف زدند؟

.....

۵. هفته‌ی آینده سارا و مینا به کجا می‌روند؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

(الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|-----------------|-----------------------------------------------------------------------------|
| ۱. مُتَأَهِّل | <input type="checkbox"/> الف) کسی که ازدواج نکرده است. |
| ۲. هَم‌کِلَاسی | <input type="checkbox"/> ب) دو یا چند نفر که در یک اُتاق زندگی می‌کنند. |
| ۳. خوابگاه | <input type="checkbox"/> پ) حَرف زدن / گُفتِگو کردن |
| ۴. مُجَرَّد | <input type="checkbox"/> ت) نِگاه کردن به کسی یا چیزی |
| ۵. صُحْبَت کردن | <input type="checkbox"/> ث) دو یا چند شاگرد که در یک کِلَاس دَرس می‌خوانند. |
| ۶. هَم‌اُتاقی | <input type="checkbox"/> ج) کسی که ازدواج کرده است. |
| ۷. تَمَاشا کردن | <input type="checkbox"/> چ) جایی برای زندگی دانشجویان |

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - بودن - خواندن - زدن

..... زندگی: مُتَأَهِّل: اِزْدِوَاج:
..... مُجَرَّد: دَرَس: مُعَرَّفِي:
..... مُطَالَعَه: صُحْبَت: حَرَف:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.
- ۹.

ت) درباره‌ی زندگی دانشجویی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی خانواده چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

خوابگاه - تاریخ - هم‌کلاسی - هم‌اتاقی - دانشجویان

۱. اُستاد با جدیدِ کِلَاسِ صُحْبَتِ کرد.

۲. شما هر روز از به دَنِشگاه پیاده می‌رَوید؟

۳. قبلاً با یک دانشجوی خارجی بودم، اما حالا با یک ایرانی زندگی می‌کنم.
۴. امروز در کلاس، حسین جدیدمان را به من معرفی کرد.
۵. در کتاب‌های درباره‌ی زندگی و فرهنگ مردم می‌خوانیم.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

زندگی کردن - ازدواج کردن - ماندن - معرفی کردن - برگشتن - صحبت کردن - تماشا کردن - دوست داشتن

۱. مینا و بهروز همدیگر را دوست داشتند. آنها دو سال پیش باهم
۲. دیشب دوستم را به مادرم
۳. آخر هفته به پارک رفتید یا در خانه
۴. آنها اصلاً غذاهای رستوران دانشگاه را
۵. ما دانشجو هستیم و در خوابگاه
۶. مادرم در سفر بود. دیشب به خانه
۷. دوست خارجی مینا خیلی خوب فارسی
۸. من امروز یک فیلم قشنگ

ح) در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. ما دیروز روزنامه‌ی صبح را خواندیم.....
۲. ظهر ما از مدرسه به خانه‌مان رفتیم.....
۳. آنها در کلاس با دوستشان صحبت کردند.....
۴. من با کسی که با او در یک اتاق زندگی می‌کنم، به سفر رفتم.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

من کاوه هستم. امسال من و خانواده‌ام باهم در چین زندگی می‌کنیم. ماه مهر سال جدید برای من خیلی مهم است، چون امسال من در یک کشور خارجی به مدرسه می‌روم. پدرم در این کشور کار می‌کند. من و برادرم باهم به یک مدرسه‌ی خارجی می‌رویم. هم کلاس‌های ما جدید هستند. مدرسه و معلم‌ها هم جدید هستند. همه چیز سخت است؛ درس‌های جدید، معلم‌های جدید، هم‌کلاس‌های جدید و زبان جدید. من کمی زبان انگلیسی بلدم. چون قبلاً به کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم، اما در این کشور، مردم مثل معلم قبلی ما حرف نمی‌زنند. زبان آنها عجیب است. خیلی تند حرف می‌زنند. وقتی بچه‌ها باهم حرف می‌زنند یا معلم صحبت می‌کند، من فقط به آنها نگاه می‌کنم، آنها هم به من نگاه می‌کنند. بچه‌ها می‌خندند و معلم جدید من هم می‌خندد. خنده‌ی او مثل معلم قبلی من است. من فقط خنده‌های آنها را کاملاً می‌فهمم. من هم می‌خندم. همه چیز خوب است. من خنده‌ی آنها را می‌فهمم، پس زبان آنها را هم می‌فهمم.



بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟

چون او و خانواده اش در یک کشور خارجی زندگی می کنند.

۲. ؟

او فقط به آنها نگاه می کند.

۳. ؟

چون کاوه خنده‌ی آنها را می فهمد.





آخر هفته



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما کدام روز هفته را دوست دارید؟ چرا؟
۲. مردم کشور شما آخر هفته‌ها چه کارهایی می‌کنند؟
۳. کدام فصل را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟
۴. در کشور شما هوا در هر فصل چگونه است؟
۵. در هر فصل سال چه کارهایی انجام می‌دهید؟

واژه‌های جدید

آخر هفته	خواب	زمستان	کار
باعجله	دوباره	زود	لباس پوشیدن
بهار	دوچرخه	ساعت	هر روز
به موقع	دوست داشتن	صبحانه	هوا
بیدار شدن	دوش گرفتن	فردا	
پاییز	دیر	فصل	
تابستان	رسیدن	فکر کردن	

آخر هفته

پیمان کارش را دوست دارد، اما همیشه از روز شنبه به آخر هفته فکر می‌کند. او در روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه ساعت هفت و نیم از خواب بیدار می‌شود. باعجله صبحانه می‌خورد، دوش می‌گیرد، لباس می‌پوشد و پیاده به اداره می‌رود. او هر روز دیر سر کارش می‌رسد، اما دوباره روز بعد، ساعت هفت و نیم بیدار می‌شود.

او روزهای آخر هفته را بیشتر دوست دارد، به همین دلیل همیشه زود بیدار می‌شود. صبحانه می‌خورد، دوش می‌گیرد و لباس می‌پوشد. او همیشه پنجشنبه و جمعه ساعت شش و نیم بیدار می‌شود و به‌موقع پیش دوست‌هایش می‌رود. پیمان و دوست‌هایش پنجشنبه‌ها به خارج از شهر می‌روند. در فصل‌های بهار و تابستان، او با دوچرخه پیش دوست‌هایش می‌رود. در این فصل‌ها هوا خوب است؛ بنابراین او این فصل‌ها را بیشتر دوست دارد.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درست را با حرف "د" و پاسخ نادرست را با حرف "ن" مشخص کنید.

۱. پیمان هیچ وقت به موقع سر کار نمی‌رود.
۲. او پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها زودتر از روزهای دیگر بیدار می‌شود.
۳. پیمان کارش را دوست ندارد.
۴. پیمان در فصل‌های بهار و تابستان با دوچرخه پیش دوست‌هایش می‌رود.
۵. او روزهای تعطیل باعجله صبحانه می‌خورد.

(ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. در روزهای کاری وقتی پیمان بیدار می‌شود چکار می‌کند؟

.....

۲. پیمان چه روزهایی ساعت هفت و نیم بیدار می‌شود؟

.....

۳. پیمان کدام فصل را خیلی دوست دارد؟

.....

۴. او روزهای پنجشنبه چکار می‌کند؟

.....

۵. پیمان در روزهای تعطیل ساعت چند بیدار می‌شود؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|--------------|------------------------------------------------------|
| ۱. برای همین | <input type="checkbox"/> الف) در زیر دوش خود را شستن |
| ۲. باعجله | <input type="checkbox"/> ب) بیرون |
| ۳. خارج | <input type="checkbox"/> پ) خیلی تند |
| ۴. به موقع | <input type="checkbox"/> ت) بنابراین |
| ۵. دوش گرفتن | <input type="checkbox"/> ث) سروقت |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - داشتن - شدن - کردن

فکر:

بیدار:

پ) با هریک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

..... ۲.

..... ۳.

..... ۴.

ت) درباره‌ی زمان چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی فصل‌ها و روزها چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

صُبْحانه - پیش - دوست - فصل - دوچَرخه - آخر هفته - پیاده

۱. برادرِ شما بعضی وقت‌ها با سرِ کار می‌رود و بعضی وقت‌ها با می‌رود.

۲. چرا دیروز ما نیامدی؟

۳. من در این کلاس ایرانی ندارم.

۴. علی و دوست‌هایش همیشه یا به کوه می‌روند یا به سینما.

۵. ما اصلاً در سَرِدِ سال به مُسافِرَت نمی‌رویم.

۶. تو چی می‌خوری؟

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

فکر کردن - لباس پوشیدن - دوش گرفتن - رسیدن - بیدار شدن - دوست داشتن

۱. علی هر روز ساعتِ یازده شب می‌خوابد و ساعتِ شش

۲. دیروز من وقتی به خانه اَوَّل

۳. مادرِ تو اصلاً غذای ایرانی

۴. تو مهمان‌ها در این هوای بارانی به خانه‌ی ما می‌آیند؟

۵. دُخترَم در هوای سَرِدِ زیاد

ح) در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن

برمی‌گردند؟

..... ۱. پیمان و دوست‌هایش پنج شنبه‌ها به بیرون از شهر می‌روند.

..... ۲. او همیشه خیلی سَرِیْعِ صُبْحانه می‌خورد.

..... ۳. آخر هفته‌ها او سَرِ وَقْتِ پیشِ دوست‌هایش می‌رود.

۴. پیمان شغل خود را دوست دارد.....
- ۵- پیمان آخر هفته‌ها را دوست دارد؛ برای همین همیشه زود بیدار می‌شود.....

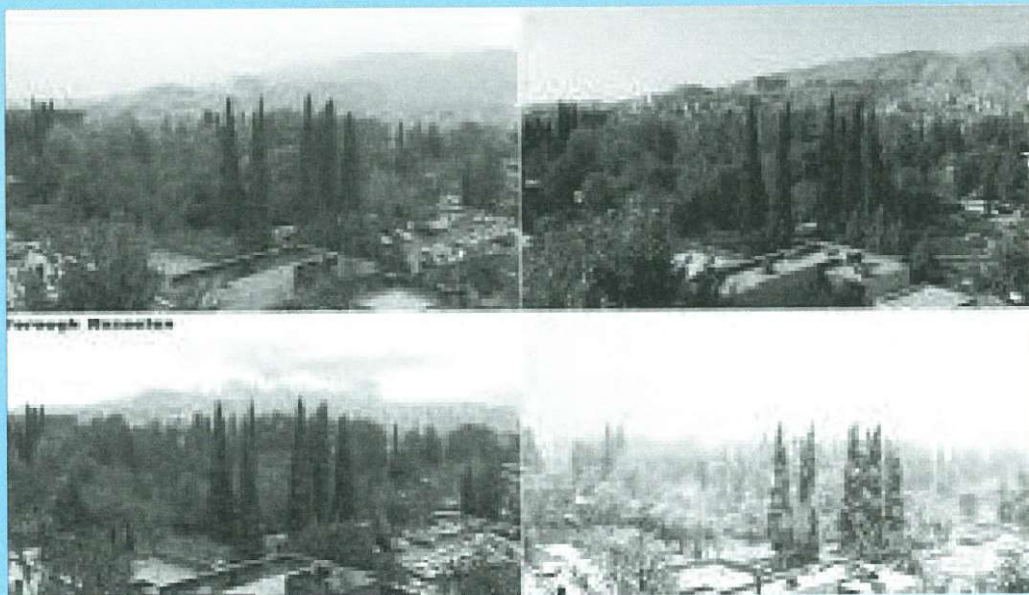


بخش سوم: خواندن بیشتر

ایران چهار فصل دارد. فصل‌های بهار، تابستان، پاییز و زمستان. در ماه‌های فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور روزهای ماه سی و یک روز هستند، اما در ماه‌های مهر، آبان، آذر، دی و بهمن روزهای ماه سی روز هستند. اسفند که آخرین ماه سال است، بیست و نه روز دارد و هر چهار سال یک بار، سی روز است.

روزهای آخر بهار و آخر تابستان برای دانش‌آموزان خیلی مهم است. در آخر بهار دانش‌آموزان تعطیل می‌شوند و آخر تابستان برای رفتن به مدرسه آماده می‌شوند. در بهار هوا معتدل است و در تابستان گرم است؛ به همین دلیل بچه‌ها این دو فصل را برای بازی و گردش خیلی دوست دارند.

در پاییز و زمستان هوا سرد است و معمولاً باران و برف می‌بارد. آخر زمستان، هوا کمی گرم‌تر است و نزدیک عید نوروز هوا واقعاً خوب و معتدل است.



بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (صد و پنجاه ثانیه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱. ؟

بچه‌ها آخر تابستان برای مدرسه آماده می‌شوند.

۲. ؟

شش ماه اول سال سی و یک روزه هستند.

۳. ؟

آخرین ماه سال، اسفند است.

۴. ؟

در پاییز و زمستان هوا سرد است و باران و برف می‌بارد.

خانواده‌ی بزرگ من



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما تنها زندگی می‌کنید یا با خانواده؟
۲. وقتی بچه بودید با چه کسی زندگی می‌کردید؟
۳. چند خواهر و برادر دارید؟
۴. با فامیل‌هایتان رفت و آمد دارید؟
۵. یک خاطره از بچگی خود تعریف کنید؟

واژه‌های جدید

ایوان	تعداد	خاله	شمردن
باران آمدن	جمع شدن	خرخر کردن	شیرین
برای همین	جمع کردن	داماد	عصبانی
بیدار کردن	چسبیدن	دراز	عروس
تلخ	چک چک	دایی	عمو
به همین دلیل	چوب	دخترخاله	عمه
پچ پچ کردن	حرف زدن	سفره	قصه گفتن
پسرخاله	خاطره	شستن	فامیل

کُرسی	مادَر بُزُرگ	نوه
کُمک کردن	نِشَسْتَن	وسط
کوچه	نایلون	همدیگر

خانواده‌ی بزرگ من

خانواده‌ی ما خیلی بزرگ بود. ده‌ها خاله و عمه و عمو و دایی داشتم. بیشتر خاله‌ها و دایی‌ها و مادربزرگم در یک کوچه زندگی می‌کردند؛ برای همین دخترخاله‌ها، پسرخاله‌ها، دختردایی‌ها و پسرَدایی‌ها بیشتر وقت‌ها در خانه‌ی مادربزرگ جمع می‌شدند.

بعضی از شب‌ها همه‌ی نوه‌ها در اتاق مادربزرگ جمع می‌شدیم و زیر کرسی می‌نشستیم. مادربزرگ برای ما قصه می‌گفت. گاهی اوقات مادربزرگ وسط قصه می‌خوابید و ما او را بیدار می‌کردیم.

روزهای جمعه همه‌ی عروس‌ها و دامادها در خانه‌ی مادربزرگ نهار می‌خوردند. بعد از نهار، همه‌ی دخترخاله‌ها و دختردایی‌ها سفره را جمع می‌کردند و به همدیگر کمک می‌کردند و ظرف‌ها را می‌شستند. بعد از نهار، بچه‌ها در ایوان و بزرگ‌ترها زیر درخت‌ها روی تخت‌های چوبی می‌خوابیدند. مادربزرگ کنار بچه‌ها می‌خوابید. تعدادمان زیاد بود؛ به همین دلیل مادربزرگ یکی‌یکی نوه‌ها را می‌شمرد. وقتی نمی‌خوابیدیم و پیچ‌پیچ می‌کردیم، مادربزرگ با یک چوب دراز به پیمان می‌زد. دایی کوچکم خرخر می‌کرد. خواهرم توی خواب با خودش حرف می‌زد. گاهی مادربزرگ از کارهای ما عصبانی می‌شد.



بعضی وقت‌ها باران می‌آمد و مادر بزرگ نایلونِ درازی را روی ما می‌انداخت. ما زیر آن به هم می‌چسبیدیم و به چک‌چکِ باران گوش می‌دادیم.
آلان مادر بزرگ و خیلی از بزرگ‌ترها بین ما نیستند، اما همه‌ی نوه‌ها سالی یک‌بار در همان خانه‌ی قدیمی جمع می‌شویم و درباره‌ی خاطره‌های تلخ و شیرین گذشته حرف می‌زنیم.

کتاب "خاطرات پراکنده"، گلی ترقی

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درُست را با حرفِ «د» و پاسخ نادرُست را با حرفِ «ن» مشخص کنید.

۱. نویسنده‌ی متن ده خاله، عمو، عمه و دایی داشت.

۲. بعضی وقت‌ها مادر بزرگ وسطِ قصه می‌خوابید.

۳. روزهای جمعه همه‌ی نوه‌ها در خانه‌ی مادر بزرگ ناهار می‌خوردند.

۴. وقتی باران می‌آمد، مادر بزرگ نایلونِ درازی روی بچه‌ها می‌انداخت.

۵. آلان همه‌ی نوه‌ها سالی یک‌بار در همان خانه‌ی قدیمی جمع می‌شوند.

ب) با توجه به متن، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دختر خاله‌ها، پسر خاله‌ها، دختر دایی‌ها و پسر دایی‌ها بیشتر وقت‌ها در خانه‌ی مادر بزرگ جمع می‌شدند؟

.....

۲. چرا بعد از ناهار، موقع خوابیدن، مادر بزرگ همه‌ی نوه‌ها را می‌شمرد؟

.....

۳. چرا مادر بزرگ با یک چوبِ دراز به پای بچه‌ها می‌زد؟

.....

۴. آلان نوه‌ها چه کار می‌کنند؟

.....



۵. به نظر شما نویسنده از کدام مادر بزرگ خود می‌نویسد؟ مادر بزرگ پدری یا مادر بزرگ مادری؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|----------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱. سفره | <input type="checkbox"/> الف) زنِ پسر |
| ۲. خرخر | <input type="checkbox"/> ب) صدای قطره‌قطره ریخته شدن آب |
| ۳. نوه | <input type="checkbox"/> پ) پارچه یا یک پلاستیک چهار گوش که روی آن ظرف‌های غذا را می‌چینند. |
| ۴. عروس | <input type="checkbox"/> ت) فرزند فرزند |
| ۵. بچ بچ | <input type="checkbox"/> ث) صدایی که موقع خواب از گلوی شخص خوابیده بیرون می‌آید. |
| ۶. داماد | <input type="checkbox"/> ج) شوهر دختر |
| ۷. چک چک | <input type="checkbox"/> چ) صدای دو نفر که آهسته باهم حرف می‌زنند. |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

دادن - کردن - شدن - آمدن - گفتن

- | | |
|--------------|-------------|
| باران: | قصه: |
| جمع: | خرخر: |
| گوش: | |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴

۵.....

ت) درباره خانواده چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

۱. کُرسی - پیچ پیچ - همدیگر - خُر خُر - بین - چک چک - تعداد - ایوان
صدای برادرَم خیلی بلند بود، هیچ کس نمی‌توانست بخوابد.
۲. آنها همیشه به کمک می‌کردند.
۳. خانه‌های قدیمی، حیاط، حوض و داشتند، ولی خانه‌های جدید ندارند.
۴. هر وقت توی کلاس می‌کردیم، مُعلّم عَصَبانی می‌شد.
۵. دانش آموزان کلاس زیاد بود؛ برای همین مُعلّم وقت نداشت از همه درس پُرسد.
۶. مُعلّم از دانش آموزان زرنگ، رضا را صدا زد.
۷. ما پشت پنجره می‌ایستادیم و به صدای باران گوش می‌دادیم.
۸. هر وقت هوا خیلی سرد می‌شد، زیر می‌رفتیم.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

- قصه گفتن - چسبیدن - جمع شدن - گوش دادن - شمردن - انداختن - آمدن - حرف زدن
۱. دیشب مادرَم روی ما پتو تا سر ما نخوریم.
 ۲. بچه‌ها گاهی در پارک و باهم بازی می‌کردند.
 ۳. بچه‌ها صندلی‌های کلاس را ، تعدادشان ۲۲ تا بود.
 ۴. دیشب لباسم به بخاری و سوخت.
 ۵. وقتی که مادر بزرگ برایم ، خیلی خوشحال می‌شدم.
 ۶. ما همیشه باهم درباره‌ی درس‌ها
 ۷. دیشب بچه‌ها خسته بودند، بنابراین بعضی از بچه‌ها به قصه
 ۸. وقتی باران ، همه‌ی مردم خوشحال می‌شدند.

چ) در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. خانم حامدی بچه‌ی بچه‌اش را خیلی دوست دارد
۲. بعد از ناهار، هم‌هی دخترخاله‌ها و دختردایی‌ها سفره را جمع می‌کردند و به یکدیگر کمک می‌کردند
۳. آلان هم به همان خانه‌ی قدیمی می‌رویم و درباره‌ی خاطره‌های خوب و بد باهم حرف می‌زنیم
۴. وقتی در حیاط، در گوش هم آرام آرام صحبت می‌کردیم، مادر بزرگ ناراحت می‌شد.

بخش سوم: خواندن بیشتر



در زمان قدیم خانه‌ها مثل آلان نبودند. هم‌هی خانه‌ها یک حیاط^۱ داشتند. در وسط حیاط یک حوض^۲ کوچک وجود داشت و مردم دور این حوض‌ها گلدان‌های زیبایی می‌گذاشتند. گاهی اوقات خانه‌ها خیلی بزرگ بود و اتاق‌های زیادی داشت و در هر اتاق یک خانواده زندگی می‌کرد. آشپزخانه‌ها یا در زیرزمین و یا در قسمتی از خانه و دور از اتاق‌ها بود. خانواده‌ها پرجمعیت‌تر بودند و بیشتر باهم رفت و آمد می‌کردند. عروس‌ها معمولاً با مادرشوهر و پدرشوهر زندگی می‌کردند. خانواده‌ها معمولاً فرزندان زیادی داشتند، اما اکنون خانواده‌ها فرزندان کمتری دارند. زن‌ها بیشتر خانه‌دار بودند و بچه‌داری و آشپزی می‌کردند. خانه‌داری در گذشته برای زن‌ها خیلی سخت‌تر از حالا بود؛ چون وسایلی مثل ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی و ... وجود نداشت؛ یا اگر بود فقط خانواده‌های ثروتمند این‌ها را داشتند. مردها در کارهای خانه کمتر به زن‌ها کمک می‌کردند و زن‌ها بیشتر کارهای خانه را انجام می‌دادند. در خانواده‌های قدیم امکاناتی مثل ماشین که آلان هم‌ها دارند، وجود نداشت و مردم کمتر به

۱- حیاط: زمین جلوی ساختمان که دور آن دیوار باشد.

۲- حوض: جایی در وسط خانه‌ها که معمولاً در آن مقداری آب وجود دارد.

مُسافِرَت می‌رفتند. در گُذَشتهِ وَسایِلِ سَرگرمیِ مِثْلِ تِلویزیون در خانه‌ها نبود؛ برای همین خانوادها بیشتر دَورِهم جَمع می‌شدند و باهم صَمیمی‌تر بودند.



بخش اول

۱. از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
۲. از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱. ؟
در خانه‌های قدیمی، آشپزخانه‌ها یا در زیرزمین یا در قسمتی از خانه و دور از اتاق‌ها بود.
۲. ؟
خانه‌های قدیمی، یک حیاط، یک حوض کوچک در وسط آن و اتاق‌های زیادی داشتند.
۳. ؟
چون وسایلی مثل ماشین لباسشویی، ماشین ظرفشویی و ... وجود نداشت.
۴. ؟
چون وسایلی سرگرمی، مثل تلویزیون در خانه‌ها نبود.



انتخابِ شُغل



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شُغلِ شما چیست؟
۲. چه شُغل‌هایی را می‌شناسید؟
۳. هر شُغلی چه مُشکلاتی دارد؟
۴. برای انتخابِ شُغل چه چیزهایی مهم است؟
۵. شما شُغلِ آزاد دوست دارید یا شُغلِ دولتی؟

واژه‌های جدید

مُشکِل	راننده	تصمیم‌گرفتن	آرایشگاه
مُعَلِّم	سخت	جوان	آشپز
مُهَنْدِس	عَوَض کردن	خسته	اُستاد
ناراحت	کارگر	خَلبان	امْتِحان
ناْمُرْتَب	کارمند	خوشحال	بالاخره
نَجّار	مُخْتَلِف	دبیرستان	بیرون رفتن
نُمره	مُدّت	دَرآمد	بیمارستان
وکیل	مُردن	دَرس دادن	پزشک

انتخابِ شغل

پدرِ فرهاد، اُستادِ دانشگاه و مادرش، پزشک است. وقتی فرهاد بچه بود، دوست داشت پزشک بشود. به نظر او پزشک‌ها شغلِ مهمی داشتند؛ چون آنها، هم به مردم کمک می‌کنند و هم درآمدِ خوبی دارند، اما بعضی وقت‌ها که کسی در بیمارستان می‌مرد، مادرش خیلی ناراحت به خانه می‌آمد و چند ساعت با کسی حرف نمی‌زد. او دوست نداشت مردن کسی را ببیند و خانواده‌اش برای شغل او ناراحت باشند، بنابراین تصمیم خودش را عوض کرد. او تصمیم گرفت اُستادِ دانشگاه بشود. او از این تصمیم خیلی خوشحال بود؛ چون فکر می‌کرد هرروز به دانشجویان جوان درس می‌دهد و به آنها کمک می‌کند، اما یک روز وقتی پیش پدرش بود، شنید که دانشجویان از امتحان‌های سخت پدرش ناراحت هستند. بعضی از آنها می‌گفتند که اُستاد همیشه نمره‌ی کم به دانشجویان می‌دهد و بعضی دیگر می‌گفتند ما نمره‌های خوبی می‌گیریم. فرهاد آن موقع نفهمید که پدر به آنها نمره‌ی کم می‌دهد یا آنها نمره‌ی کم می‌گیرند. بعد از مدتی فرهاد تصمیمش را عوض کرد. او فکر می‌کرد بیشتر دانشجویان جوان به فکر نمره هستند و کسی اُستادش را دوست ندارد. فرهاد مدت زیادی به شغل‌ها و آدم‌های مختلف فکر می‌کرد. مهندس‌ها، خلبان‌ها، معلّم‌ها، راننده‌ها، کارگرها، کارمندا، آشپزها، نجارها، وکیل‌ها و ...، اما به نظر او هرکاری مشکلات و سختی‌های خودش را داشت. فرهاد در دبیرستان هم به شغل‌های مختلف فکر می‌کرد. او بعد از دبیرستان به دانشگاه هم رفت، اما بعد از مدّت‌ها بالأخره تصمیم گرفت آرایشگر بشود. او آلمان یک آرایشگاه دارد و کارش را خیلی دوست دارد. به نظر او وقتی مردم خسته و نامرتّب به آرایشگاه می‌روند و بعد از نیم ساعت مرتّب و خوشحال از آرایشگاه بیرون می‌روند، او هم خوشحال می‌شود. آنجا کسی ناراحت نیست و همه چیز برای زیباتر شدن است.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. وقتی فرهاد بچه بود، اوّل شُغلِ پدرش را انتخاب کرد.

۲. مادرِ فرهاد از مُردنِ بیماران در بیمارستان خیلی ناراحت می شد.

۳. فرهاد فکر می کرد، دانشجویان جوان به فکر نمره هستند.

۴. فرهاد از بچگی به شُغلِ آرایشگری فکر می کرد.

۵. به نظرِ فرهاد همه‌ی کارها سخت بودند.

۶. به نظرِ فرهاد خوشحال و مرتب بودن مردُم خیلی مُهم است.

ب) با توجه به متن، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا فرهاد در ابتدا دوست داشت پزشک شود؟

.....

۲. چرا او تصمیم گرفت استاد دانشگاه بشود؟

.....

۳. دانشجویان درباره‌ی پدرِ فرهاد چه می گفتند؟

.....

۴. چرا فرهاد دوست نداشت استادِ دانشگاه بشود؟

.....

۵. الان نظرِ فرهاد درباره‌ی شُغلِ آرایشگری چیست؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. درآمد □ الف) کسی که در اداره یا شرکتی کار می کند.



۲. کارگر □ (ب) آراسته و تمیز
۳. بِالْآخِرِه □ (پ) پولی که از راه کار به دست می‌آید.
۴. کارمند □ (ت) کسی که در کارخانه یا کارگاه کار می‌کند.
۵. مُرْتَب □ (ث) در آخر کار / سرانجام

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - گرفتن - دادن

تصمیم:
عوض:

درس:
فکر:

(پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.

(ت) درباره‌ی شغل چه واژه‌هایی در متن وجود دارند؟ آنها را بنویسید.

.....

(ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

انتخاب - درآمد - ناراحت - سخت - تصمیم - موقع - خسته

۱. ماهانه‌ی او ۴۰۰ هزار تومان است.
۲. امتحان خیلی بود، ولی دانشجویان نمره‌ی خوبی گرفتند.
۳. آنها خیلی بودند، پس استراحت کردند.
۴. همه‌ی لباس‌های این فروشگاه قشنگ هستند. لباس برای من خیلی مشکل است.
۵. شما برای خرید این خانه خیلی به موقع بود.

۶. ما در آن خیلی بودیم و با کسی صُحبت نمی کردیم.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

گِرِفْتَن - دَاشْتَن - عَوَظْ كَرْدَن - دَاَدَن - تَصْمِيْمِ گِرِفْتَن - مُرْدَن - دَرَس دَاَدَن

۱. او شُغْلش را دوست نداشت؛ برای همین آن را

۲. مَن در این دَرَس نُمره‌ی خِیلی خوبی؛ برای همین دیروز پدر و مادرم به من

جایزه

۳. وَقتی کسی در بیمارستان، مادرم خیلی ناراحت می شود.

۴. او در دانشگاه دَرَس بخواند و اُستادِ دانشگاه شود.

۵. ما مُعَلِّم هستیم و به دانش آموزان، ریاضی

۶. کار تو، هم آسان است و هم دَرآمدِ زیادی

چ) در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیر شان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی گردند؟

۱. فرهاد فکر می کرد پزشک‌ها پول خوبی به دست می آورند.....

۲. فرهاد در آخر تصمیم گرفت آرایشگر شود.....

۳. فرهاد تصمیم دیگری گرفت.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

آشنا شدن با شغل‌های مُخْتَلِف در دورانِ مَدْرِسه به بَچّه‌ها کُْمکِ زیادِی می‌کند. آنها مَعْمولاً شُغْل‌های مُخْتَلِف را نِمی‌شِناسَنَد. دَرس می‌خَوانَنَد، به دَانِشگاه می‌روند و فَاَرِغُ التَّحْصِیل می‌شَوَنَد. کار پیدا می‌کنند و مَشغولِ کار می‌شَوَنَد. اَمّا تَعْدادِ کَمی در رِشْتَه‌هایی که دوست دارند، کار می‌کنند. گاهی هَم پیدا کردنِ کار سَخْت است؛ چون رَئِیس‌های اِداره‌ها و شِرْکَت‌ها دوست دارند با اَفْرادِ با تَجْرِبُه کار کنند. بَعْضی از دَانِشجویان وَقْتی دَانِشجو هستند، کار می‌کنند. آنها با این کار، هَم با تَجْرِبُه می‌شَوَنَد، هَم می‌تَوانَنَد کَمی پول دَرِیَاوَرَنَد.

آشنا شدن با شُغْل‌ها و اَنواعِ آن باید از زَمانِ مَدْرِسه شُرُوعِ بَشُود. خانِواده‌ها و مَدْرِسه‌ها باید به بَچّه‌ها کُْمک کنند تا شُغْلِ خُوبی پیدا کنند. بَهْتَر است در مَدْرِسه‌ها بَعْضی از روزها اَفْرادی با شُغْل‌های مُخْتَلِف بیایند و با بَچّه‌ها حَرْفِ بَزَنَد. از مُشْکِلات و خُوبی‌های کار بَرای بَچّه‌ها بگویند و بَچّه‌ها از آنها سُوال بکنند. هَمچنین گاهی بَهْتَر است مَعْلَم‌ها، بَچّه‌ها را به مَحَلِّ کارِ آنها بَبَرَنَد و بَچّه‌ها هَم از نَزْدِیک با شُغْل‌ها آشنا بَشَوَنَد.

بَعْضی از مَرْدُمِ شُغْلِ آزاد دوست دارند و بَعْضی‌ها شُغْلِ دَوْلَتی^۱، بنابراین بَچّه‌ها بَهْتَر می‌تَوانَنَد در زَمانِ مَدْرِسه با این چِیزها آشنا بَشَوَنَد.



۱- دولتی: مربوط و وابسته به دولت

بخش اول

۱. از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
۲. از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟
چون معمولاً آن‌ها شُغل‌های مُختَلِف را نمی‌شناسند.
۲.؟
چون رئیس‌های اداره‌ها و شرکت‌ها دوست دارند با افرادِ با تَجَرُبِه کار کنند.
۳.؟
فایده‌ی آن، این است که هم با تَجَرُبِه می‌شوند و هم کمی پول درمی‌آورند.
۴.؟
بِهتَرین زَمان برای آشنا شدن با شُغل‌ها و انواعِ آن، دورانِ مدرسه است.



شامِ تَوَلَّد



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما چه غذایی دوست دارید؟
۲. آیا آشپزی می‌کنید؟
۳. بهترین غذای کشورتان چیست؟
۴. غذاهای ایرانی با غذاهای کشورهای دیگر چه فرقی دارند؟
۵. شما در ایران بیشتر چه غذاهایی می‌خورید؟

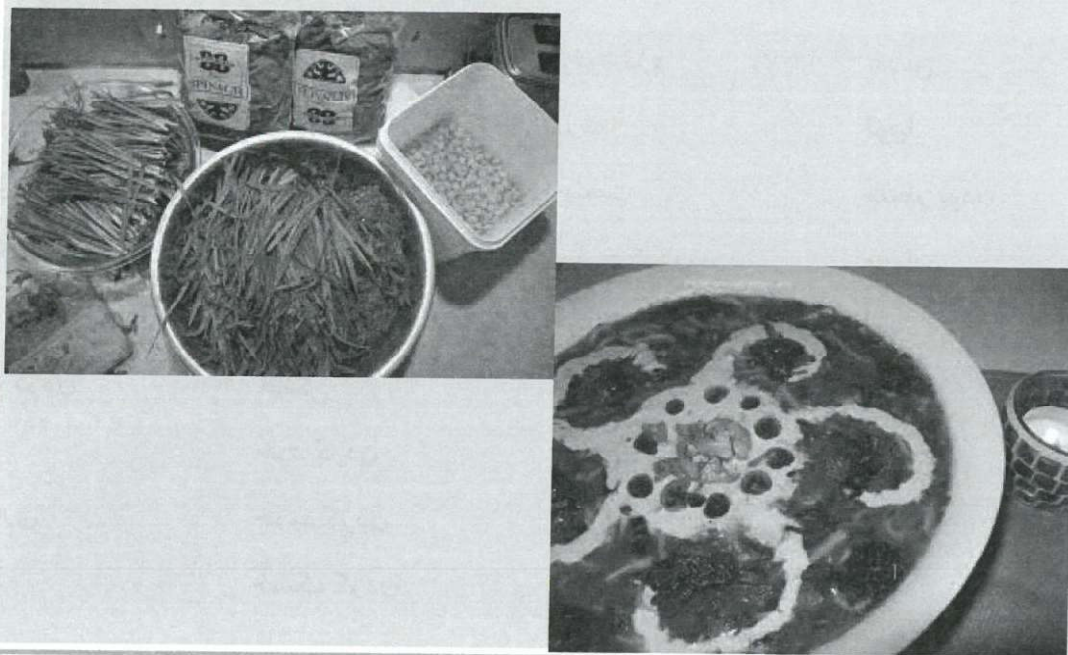
واژه‌های جدید

آش	جاافتادن	خوشمزه	عَدَس
آماده شدن	جالب	رشته	لوییا
اتِّفاق	جشن گرفتن	سخت	منتظر بودن
باز کردن	حُبوبات	سُرخ کردن	مِهمان
بُلند	حِسابی	سُنّتی	نُخود
پاک کردن	خانگی	سیر	نَعنا
پیاز	خُرد کردن	شَمع	
تکراری	خَرید کردن	سَبزی	
تَوَلَّد	خُشک کردن	طول کِشیدن	

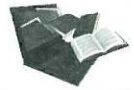
شام تولد

چند شب پیش تولد سیمین هم‌اتاقی‌مان بود. من و هم‌اتاقی‌هایم تصمیم گرفتیم برای سیمین جشن تولد بگیریم. سیمین در خوابگاه نبود. ما وقت زیادی داشتیم. می‌توانستیم یک جشن تولد حسابی بگیریم. فکر کردیم بهتر است خودمان غذا بپزیم. مدتی بود فقط غذاهای دانشگاه را می‌خوردیم و دوست نداشتیم غذای تکراری بخوریم. فکر کردیم آش رشته غذای خوبی است. همی ما آش رشته دوست داشتیم، بنابراین بیرون رفتیم و خرید کردیم؛ نخود، لوبیا، عدس، رشته، سبزی، کشک، سیر، پیاز و نعنا خشک. بعد از پاک کردن حبوبات، آنها را پختیم و سبزی‌ها را خرد کردیم و شستیم. پیاز و سیر را هم خرد کردیم و در روغن سرخ کردیم. چون مدتی بود آشپزی نمی‌کردیم، آشپزی برایمان سخت بود و کارمان کمی طول کشید. اما آش به خوبی پخت و جا افتاد. بعد از چند ساعت، آش آماده شد. کیک و شمع هم برای تولد داشتیم. منتظر سیمین بودیم. شب شد و سیمین آمد. او در را باز کرد و با صدای بلند گفت: بچه‌ها، امشب همی شما شام مهمان من هستید. از رستوران سنتی سر خیابان برای همه آش رشته گرفته‌ام!

همی ما به هم نگاه کردیم و بعد با صدای بلند خندیدیم. ما برای همه‌ی بچه‌های خوابگاه آش رشته داشتیم. اتفاق جالبی بود و ما جشن تولد خوبی داشتیم. آن شب همه‌ی بچه‌های خوابگاه یک غذای خانگی خوشمزه خوردند.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درُست را با حرفِ «د» و پاسخ نادرُست را با حرفِ «ن» مشخص کنید.

۱. هم‌اتاقی‌های سیمین می‌خواستند برای سیمین جشنِ تولد بگیرند.

۲. دوست‌های سیمین در رستوران برای او جشنِ تولد گرفتند.

۳. سیمین برای پختنِ غذا به دوست‌هایش کمک کرد.

۴. دوست‌های سیمین به راحتی آشپزی کردند.

۵. همه‌ی بچه‌های خوابگاه آش رشته خوردند.

۶. وقتی سیمین هم آش خرید، دوست‌هایش ناراحت شدند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا بچه‌های خوابگاه می‌خواستند آش رشته بپزند؟

.....

۲. دوست‌های سیمین چه چیزهایی خریدند؟

.....

۳. سیمین از کجا برای دوست‌هایش آش خریده بود؟

.....

۴. وقتی سیمین به خوابگاه آمد، به دوست‌هایش چه گفت؟

.....

۵. چرا پختنِ غذا برای بچه‌های خوابگاه سخت بود؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

□ الف) پختنِ چیزی در روغن

۱. حسابی



- | | |
|--------------------------------------------|---------------|
| □ (ب) غذایی که در خانه پخته و آماده می‌شود | ۲. پاک کردن |
| □ (پ) خریدن | ۳. آماده بودن |
| □ (ت) تمیز کردن | ۴. خرید کردن |
| □ (ث) خوب پخته شدن و آماده شدن غذا | ۵. سُرخ کردن |
| □ (ج) خوب و کامل | ۶. جا افتادن |
| □ (چ) حاضر بودن | ۷. غذای خانگی |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

افتادن - کردن - گرفتن - کشیدن

- | | | |
|-------------|--------------|-------------|
|: خرید |: جا |: جشن |
|: طول |: خرد |: پاک |
| |: آشپزی |: سُرخ |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.

ت) درباره‌ی آشپزی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

-
-

ث) درباره‌ی جشن تولد چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....
.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌های زیر پر کنید.

جشن تولد - حسابی - غذا - سبزی - شمع - مهمان - اتفاق

۱. من و دوست‌هایم هر سال در این باغ می‌گیریم.
۲. میوه‌ها و های تازه برای سلامتی خیلی مفید هستند.
۳. وقتی برق رفت، شما روشن کردید؟
۴. دیشب برای ها یک شام خوشمزه پختیم.
۵. دوستم در مسافرت، استادش را دید، جالبی بود.
۶. او عید نوروز امسال، بعد از چند سال به یک مسافرت رفت.
۷. من های این رستوران را دوست ندارم.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

خرید کردن - خرد کردن - پاک کردن - طول کشیدن - جا افتادن - آماده بودن

۱. این بازار به خانه‌ی ما خیلی نزدیک است، ما همیشه از اینجا
۲. دیروز خیلی تا به خانه رسیدم، چون پیاده به خانه رفتم.
۳. قبلاً همیشه پدرم گوشت‌ها را
۴. خواهر من خوب غذا درست نمی‌کند، هیچ وقت غذاهای او
۵. دیشب آنها به رستوران رفتند، اما غذای رستوران
۶. مریم دوست ندارد سبزی ، برای همین همیشه سبزی‌های آماده می‌خرد.

ح) در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. برای پختن غذا سبزی‌ها را تمیز کردیم.....
۲. او همیشه در آش نخود و لوبیا و عدس زیاد می‌ریزد.....
۳. ما با آقای احمدی به یک رستوران رفتیم، وقتی می‌خواستیم پول غذا را بدهیم، آقای احمدی گفت: «پول غذا را من می‌دهم».....

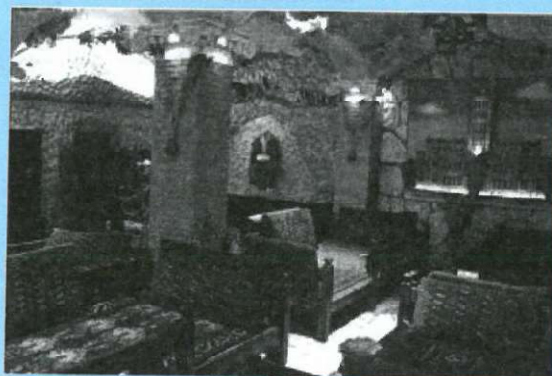
۴. وقتی مهمان داشتیم، از دوساعت قبل غذای ما حاضر بود.....
۵. آنها فقط غذاهایی را که در خانه آماده می‌شوند، می‌خورند.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

در ایران غذاهای مُخْتَلِفِی وجود دارد، اما معمولاً در رستوران‌ها فقط غذاهای آماده و کباب وجود دارد. در سفره‌خانه‌های^۱ سنتی گاهی غذاهای سنتی هم وجود دارد، ولی مردم غذاهای خانگی و سنتی را بیشتر در خانه می‌پزند. هر منطقه از ایران غذای مخصوصی دارد. برای خانواده‌های ایرانی غذا خوردن در کنار هم اهمیت زیادی دارد. آنها غذای خود را با سالاد، ماست و نوشیدنی‌های مختلف مانند آب، دوغ^۲ و نوشابه می‌خورند. مزه‌ی غذا برای ایرانی‌ها خیلی مهم است. چاشنی‌ها و ادویه‌های مختلف غذاها را خوشمزه‌تر می‌کنند. بعضی از مردم دسرهای سنتی مانند شله‌زرد^۳، مَرَبَا و ... و بعضی دیگر دسرهای جدید مانند ژله‌ها را دوست دارند.

آب و هوای هر منطقه‌ای با غذاهای آن منطقه ارتباط دارد. مثلاً در منطقه‌های گرم و خشک مردم غذاهای تندی با ادویه‌ی زیاد و شیرینی‌های خیلی شیرین می‌خورند. در منطقه‌های ساحلی مردم از ماهی و حیوانات دریایی بیشتر استفاده می‌کنند و در منطقه‌های سرد مردم دوست دارند بیشتر غذاهای چرب و پُر انرژی بخورند.



۱ - سفره خانه: جایی که در آنجا غذای سنتی می‌فروشند و معمولاً به جای میز و صندلی تخت‌هایی وجود دارد که روی آنها را فرش انداخته‌اند.

۲ - دوغ: یک نوع نوشیدنی ایرانی که مخلوطی از آب، ماست و نمک است.

۳ - شله‌زرد: یک نوع دسر ایرانی که با برنج، آب، شکر و زعفران می‌پزند.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱. ؟

نه، در رستوران‌ها فقط غذاهای آماده و گِباب وجود دارد.

۲. ؟

چون مزه‌ی غذا برای ایرانی‌ها مهم است.

۳. ؟

آنها غذای خود را همراه با ماست، سالاد و نوشیدنی‌های مختلف می‌خورند.

۴. ؟

مردم این منطقه غذاهای تند با ادویه‌ی زیاد می‌خورند.





زندگی در یک کشور خارجی



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. وقتی به یک کشور خارجی می‌روید، چه چیزهایی باید بدانید؟
۲. وقتی برای اولین بار به ایران آمدید، چه چیزهایی برای شما عجیب بود؟
۳. چه چیزهایی در ایران برای شما جالب بود؟
۴. وقتی به یک جای جدید مسافرت می‌کنید، خاطرات خود را می‌نویسید؟
۵. یک خاطره از یکی از سفرهای خود تعریف کنید.

واژه‌های جدید

آلوده	تعجب کردن	عادت کردن	گفتگو
ابتدایی	تفاوت	عجله داشتن	مهمان‌نواز
املت	خندیدن	عجیب	یادداشت روزانه
پیاده شدن	درست کردن	غذای حاضری	یاد گرفتن
تشکر کردن	دیدن	قابل ندارد	
تعارف کردن	سر... شلوغ بودن	کرایه	

زندگی در یک کشور خارجی

دیوید پرتغالی است. امسال برای یاد گرفتن زبان فارسی به ایران آمد. متن زیر بخشی از یادداشت‌های روزانه‌ی سفر او به ایران است:

هفتم مهر

این سفر، اولین سفر من به ایران است، بعضی از چیزها برای من جدید و بعضی از چیزها عجیب است، ولی خوشحالم که الان در ایران هستم و می‌خواهم زودتر زبان فارسی را یاد بگیرم.

بیست و پنجم آبان

مدتی است که با یک خانواده‌ی ایرانی زندگی می‌کنم، خانواده‌ی آقای فرهاد سمنانی، همسرش سارا و دختر کوچکشان مریم. مریم ۹ سال دارد و کلاس سوم ابتدایی است. آنها خیلی مهربان و مهمان‌نواز هستند.

روزهای اول خیلی سخت بود، ولی بعد از مدتی به زندگی در این کشور عادت کردم. در یک کشور خارجی هر روز چیز جدیدی یاد می‌گیریم. مثلاً یک روز سارا خانم گفت: «امروز من و فرهاد کمی دیر به خانه برمی‌گردیم، چون خیلی سرمان شلوغ است. من وقت ندارم غذا درست کنم، بهتر است امروز غذای حاضری بخوری». برای همین من به رستوران رفتم و برای همه غذا خریدم. وقتی آنها برگشتند، من گفتم: «بفرمایید، غذای حاضری! آنها خیلی تعجب کردند و گفتند: «غذای حاضری، یعنی غذایی که درست کردن آن خیلی ساده و راحت است، مثل نان و پنیر یا املت». آن شب باهم غذا خوردیم و خیلی خندیدیم.

بیست و سوم آذر

امروز یکی از بهترین دوستانم از پرتغال زنگ زد. خیلی خوشحال شدم. ما چند دقیقه باهم درباره‌ی تفاوت‌های ایران و پرتغال حرف زدیم.

امروز مدرسه‌ها و اداره‌ها تعطیل بود؛ چون هوا خیلی آلوده بود، به همین دلیل سر کلاس نرفتم.

بیست و پنجم دی

امروز صبح خیلی زود بیدار شدم، کمی ورزش کردم، به حمام رفتم، صبحانه خوردم،

لباسم را پوشیدم و آماده شدم، خیلی عَجَله داشتم. بنابراین زود آماده شدم و با تاکسی رفتم. وقتی از تاکسی پیاده شدم، از راننده‌ی تاکسی پرسیدم: «چقدر می‌شود؟» راننده گفت: «قابلی ندارد»، من هم تشکر کردم و پیاده شدم. راننده تعجب کرد و گفت: «آقا، لطفاً کرایه‌تان را بدهید». اول خیلی تعجب کردم و بعد فهمیدم این یک تعارف ایرانی است و ایرانی‌ها در گفتگوهایشان خیلی تعارف می‌کنند. این برای خارجی‌ها خیلی عجیب است، ولی برای ایرانی‌ها اصلاً عجیب نیست.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. دیوید در ایران در خوابگاه زندگی می‌کند.
۲. این سفر، اولین سفر دیوید به ایران بود.
۳. تعارف‌های ایرانی برای خارجی‌ها عجیب هستند.
۴. دیوید نمی‌تواند به زندگی در ایران عادت کند.
۵. دیوید با دوست پُرتغالی‌اش درباره تعارف‌های ایرانی صحبت کرد.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دیوید در ایران است؟

۲. وقتی دیوید از راننده درباره‌ی کرایه پرسید، راننده چه جوابی داد؟

.....
 ۳. آیا دیوید از زندگی کردن با یک خانواده‌ی ایرانی خوشحال است؟

.....
 ۴. چرا دیوید روز بیست و سوم آذر سر کلاس نرفت؟

.....
 ۵. وقتی دیوید از رستوران غذا خرید، چرا خانوادگی آقای سمنانی تعجب کردند؟



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | | |
|-------|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------|
| | ۱. زنگ زدن | <input type="checkbox"/> الف) کار زیاد داشتن |
| | ۲. عجیب | <input type="checkbox"/> ب) کثیف |
| | ۳. غذای حاضری | <input type="checkbox"/> پ) غیر عادی |
| | ۴. عادت کردن | <input type="checkbox"/> ت) فرق / اختلاف |
| | ۵. سر کسی شلوغ بودن | <input type="checkbox"/> ث) کسی که مهمان دوست دارد. |
| | ۶. تفاوت | <input type="checkbox"/> ج) تلفن کردن |
| | ۷. آلوده | <input type="checkbox"/> چ) غذایی که درست کردن آن آسان است. |
| | ۸. مهمان‌نواز | <input type="checkbox"/> ح) انجام دادن کاری یا قبول کردن چیزی با تکرار زیاد |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - زدن - شدن - داشتن - گرفتن

- | | | | | | |
|-------|--------|-------|--------|-------|-------|
| | عجله: | | زنگ: | | عادت: |
| | پیاده: | | تعارف: | | یاد: |
| | وقت: | | تشکر: | | |

پ) با هریک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.

ت) درباره‌ی کارهای روزانه چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

عَجِيب - مِهْمَانِ نَوَاز - تَفَاوُت - يَاد دَاشْت - آلوده - گُفْتَنگو - رَاحَت

۱. مادَرَمِ هَر شَبِ کارهای روزِ بَعْدِ را در یک دَفْتَرِ می‌نویسد.
۲. بعضی از روزها هَوای تِهْران، هم در روز و هم در شَبِ است.
۳. زَبانِ فارسی و چینی خیلی زیاد است.
۴. دَرَسِ اِمروزِ سَخْتِ نَبود، خیلی بود.
۵. دَوستِ مَن جُمعه‌ها، ما را به خانهاش دَعَوَتِ می‌کند. او خیلی است.
۶. دِیروز در دَانشگاهِ یک دَاستانِ شنیدم.
۷. برای یاد گرفتنِ زَبانِ فارسی، با دَانشجوهايِ ایرانی کنید.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

یاد گرفتن - عادت کردن - برگشتن - عجله داشتن - پختن - (سر) ... شلوغ بودن

۱. تا سه ماه پیش هر روز یک پاکت سیگار می‌کشیدم، اما حالا دیگر نمی‌کشم، خیلی سخت بود، ولی

- بِالْآخِرِه
 ۲. برای یک زَبانِ خَارِجی باید هر روز تَمَرین کنید.
 ۳. قَبْلًا در کِشَوَرَت، خُودَت عَذا یا مَادَرَت؟
 ۴. عَلی! لُطْفًا زود به خانه چون مَادَرَت نِگَران می‌شود.
 ۵. اِمروز خِیلی آقای رَئِیس وقت ندارد شما را ببیند.
 ۶. امروز باید با تاکسی سِرِ کار بروم. چون خِیلی

چ (در جمله‌های زیر کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام عبارت یا واژه در متن برمی‌گردند؟

۱. خانوادهِ دوستِ من خِیلی مِهمان‌دوست هستند.....
 ۲. مَادَرَت دو ساعت پِیش تِلْفُن کرد
 ۳. اُسْتاد، روزِ گُذَشته خِیلی کار داشت
 ۴. تَعَارُف‌های ایرانی برای خَارِجی‌ها عادی نیست
 ۵. اِمروز خِیلی آقای رَئِیس وقت ندارد شما را ببیند.

بخش سوم: خواندن بیشتر



شَبِ یَلدا بود. آن موقع من ۵ ساله بودم. با پَدَرَم به بازار رفتیم. در راه، از او درباره‌ی شَبِ یَلدا سؤال کردم و او گفت: «شَبِ یَلدا بَلَنَدترین شَبِ سال است. این شَبِ اَوَّلین شَبِ زمستان است. همه در این شَبِ در خانه‌ی بُزُرگ‌ترین فَرَدِ فامیل جَمع می‌شوند و جَشن می‌گیرند». پَدَرِ وقتی با من صُحَبَت می‌کرد، خَرید هم می‌کرد. بازار خِیلی شُلُوغ بود. همه‌ی مَرَدَم آجیلِ شَبِ یَلدا و هِندوانه و اَنار می‌خریدند.

شَبِ مِهمان داشتیم. مِهمان‌ها یکی یکی آمدند و دورِ هم جَمع شدند. بَعد از شام همه مُنْتَظِر بودند که پَدَرِ بُزُرگ بَرایشان فال^۱ حافظ^۲ بگیرد. مَادَرِ اِحساسِ خوبی نداشت. پَدَرِ بُزُرگ

۱- فال: پیش‌بینی و پیش‌گویی بخت و آینده

۲- حافظ: نام یکی از شاعران معروف ایرانی که در قرن هشتم هجری قمری (قرن چهاردهم میلادی) زندگی می‌کرد.

دیوان^۱ حافظ را برداشت و بعد از کمی سکوت آن را باز کرد. من نگرانِ مادرِ بودم. هنوز ناراحت بود. می‌دانستم به‌زودی یک نفرِ دیگر به خانواده‌مان اضافه می‌شود. آن موقع من نمی‌فهمیدم ماما چه می‌گوید، اما همیشه نگرانِ مادرم بودم. چون او روزبه‌روز چاق‌تر می‌شد و به‌سختی راه می‌رفت. من دوست نداشتم بچه‌ی جدیدِ خانواده، مادر را مریض و ناراحت کند.

آن شبِ مادرِ حتی دوست نداشت به فالِ حافظ گوش بدهد. یادم می‌آید که مادر به اتفاق رفت و مادرِ بزرگ هم دُنبالِ او رفت. همه چیز در یک لحظه به هم ریخت. مادرِ بزرگ و پدرم، مادر را به بیمارستان بُردند و من پیشِ پدرِ بزرگ ماندم. بعد از رفتنِ آنها، پدرِ بزرگ دیوانِ حافظ را دوباره برداشت و آن را باز کرد و فالِ آن شب را برای مهمان‌ها خواند. من معنیِ آن شعرها را نمی‌فهمیدم و هنوز ناراحت بودم. پدرِ بزرگ مرا بوسید و معنیِ آن شعر را به زبانی ساده برایم گفت. او به من گفت: «علی جان، حافظِ بزرگ می‌گوید: وقتی فردا صبح از خواب بیدار می‌شوی، ماما با یک بچه‌ی کوچک به خانه می‌آید و این بچه‌ی کوچک، دوستِ جدیدِ تو است». پدرِ بزرگ همیشه می‌گفت: «شعرهای حافظ همیشه راست می‌گویند»، بنابراین من آرام شدم.

روزِ بعدِ پدر و مادر به خانه آمدند. یک بچه هم در بغلِ پدرم بود. به او گفتم: «این کیست؟» پدر گفت: «این خواهرت یلداست».



۳- دیوان: مجموعه‌ای از شعرهای یک شاعر که به‌صورت کتاب چاپ شده‌است.

بخش اول

- الف) از متن درس روخوانی کنید. (چهار دقیقه برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید. (چهار دقیقه برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟

در این شب مهمان‌ها در خانه‌ی بزرگ‌ترها جمع می‌شوند و جشن می‌گیرند.

۲.؟

بعد از شام، پدر بزرگ برای مهمان‌ها فال حافظ گرفت.

۳.؟

چون او معنی شعرها را نمی‌فهمید.

۴.؟

چون پدر بزرگ گفت که وقتی روز بعد بیدار می‌شود، مادرش با یک بچه به خانه می‌آید و حافظ همیشه راست می‌گوید.

۵.؟

بچه‌ای که بغل پدر بود، خواهرش یلدا بود.



بخش اول

در جمله‌های زیر واژه‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، چه معنایی دارند؟ گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

۱. من و دوستانم گاهی اوقات در این کتابخانه درس می‌خوانیم.
 الف) بعضی وقت‌ها (ب) همیشه (ج) هر هفته
۲. در آمد من خوب است، به همین دلیل می‌توانم زیاد به مسافرت بروم.
 الف) پولی که هر هفته از پدر و مادر می‌گیرم
 ب) پولی که در بانک می‌گذارم
 ج) پولی که برای کارم می‌گیرم
۳. کار مادرم مشکلات زیادی دارد، اما او آن را خیلی دوست دارد.
 الف) سرگرمی‌ها (ب) سختی‌ها (ج) تفریحات
۴. استاد ما مرد باتجربه‌ای بود.
 الف) کسی که کارش را خیلی دوست دارد
 ب) کسی که کارش را خیلی خوب بلد است
 ج) کسی که به موقع سرکارش می‌رود
۵. ایرانی‌ها مهمان نواز هستند.
 الف) خیلی مهمان دارند (ب) مهمان دوست دارند (ج) زیاد به مهمانی می‌روند
۶. من مزه‌ی غذاهای این رستوران را دوست ندارم.
 الف) طعم (ب) قیمت (ج) مقدار
۷. مردم جنوب ایران، در غذاهایشان از ادویه‌ی زیاد استفاده می‌کنند.
 الف) دارو (ب) چاشنی (ج) دسر
۸. مردم مناطق ساحلی ماهی زیاد دوست دارند.
 الف) منطقه‌ی بالای کوهستان
 ب) منطقه‌ی نزدیک صحرا
 ج) منطقه‌ی کنار دریا

۹. مدیر این مدرسه همیشه می گوید: «سَرِمان شلوغ است»، یعنی:
- (الف) وقت زیاد داریم (ب) کار زیاد داریم (ج) زیاد مُشکِل داریم
۱۰. مادر بزرگ همیشه برایمان قصه می گفت.
- (الف) داستان تعریف می کرد (ب) حرف می زد (ج) روزنامه می خواند
۱۱. پدر همیشه در خواب خرخر می کرد.
- (الف) حرف می زد (ب) پیچ می کرد (ج) خر و پف می کرد
۱۲. بچه ها همیشه به مادر کمک می کردند و سفره را جمع می کردند.
- (الف) وسایل سفره را به آشپزخانه می بردند
(ب) سفره را تا می کردند
(ج) سفره را پاک می کردند
۱۳. وقتی هوا سرد می شد، بچه گربه ها به مادرشان می چسبیدند.
- (الف) روبه روی مادرشان می نشستند
(ب) نزدیک مادرشان می نشستند
(ج) پشت سر مادرشان می نشستند
۱۴. در زمان قدیم مردم بیشتر باهم رفت و آمد می کردند.
- (الف) به هم کمک می کردند
(ب) باهم حرف می زدند
(ج) به خانه ی همدیگر می رفتند
۱۵. مادر دوستم خانه دار نبود، برای همین بیشتر وقت ها دوستم در خانه تنها بود.
- (الف) کسی که خانه دارد
(ب) کسی که در خانه کار می کند
(ج) کسی که خانه می سازد
۱۶. پرستارمان بچه داری را خیلی دوست داشت.
- (الف) درس دادن به بچه
(ب) بازی کردن با بچه
(ج) تربیت و نگهداری از بچه
۱۷. موهای دوستم خیلی نا مرتب بود، به همین دلیل پیش یک آرایشگر رفت.

(الف) به هم ریخته	(ب) کثیف	(ج) بلند
۱۸. در فصل تابستان بچه‌ها به کلاس‌های مختلف می‌روند.		
(الف) زیاد	(ب) گوناگون	(ج) آموزشی
۱۹. دیروز به خاطر عصبانی شدن پدر، همه چیز به هم ریخت.		
(الف) خراب شد	(ب) دیر شد	(ج) به زمین ریخت

بخش دوم

یکی از واژه‌ها در گروه خودش نیست. دور آن خط بکشید.

نمونه: بچه‌ها از دانشگاه / مدرسه / دانشکده / بازار بر گشتند.

۱. او چاق است. پزشک به او گفته است که غذاهای چرب / تلخ / ترش / تند نخورد.
۲. برای مردم ایران نوشیدنی / مزه / دسر / سالاد غذا مهم است.
۳. مردم منطقه‌های ساحلی بیشتر غذاهای خشک / سرد / گرم / دریایی می‌خورند.
۴. ما تعطیلات / آخر هفته / بهار / جمعه‌ها به خارج از شهر می‌رویم.
۵. دوستم همیشه به موقع / زود / دیر / پیاده به کلاس می‌آید.
۶. آنها همیشه فقط در تابستان / بهار / زمستان / کوهستان به سفر می‌روند.
۷. پدر بزرگ همه‌ی نوه‌ها / عروس‌ها / همسایه‌ها / دامادها را دوست داشت.
۸. کار در این شرکت پردرآمد / باتجربه / متفاوت / زیبا است.

بخش سوم

جاهای خالی را با کلمه‌های هم خانواده‌ی زیر پر کنید.

(الف) فارغ التحصیل شدن - فارغ التحصیل

۱. من سال گذشته از این دانشگاه
۲. دانشجویان این دانشگاه هفته‌ی آینده یک جشن می‌گیرند.

(ب) جمعیت - جامعه - جمع شدن

۱. دیروز بچه‌های کلاس در حیاط مدرسه
۲. این کشور زیادی دارد.
۳. امروزه جوانان دوست دارند خیلی زود به وارد شوند.

(پ) حاضر - حاضری - حاضر بودن

۱. در امتحانِ دیروز همه‌ی بچه‌ها
 ۲. هم اُتاقی من اصلاً غذاهای دوست ندارد.
 ۳. در این اداره همیشه ساعتِ دوازده ناهار است.
- (ت) سرگرمی - سرگرم بودن - سرگرم کردن
۱. در کلاس‌های تابستانی همیشه بچه‌ها
 ۲. من برای بچه‌ی دوستم یک خوب خریدم.
 ۳. وقتی بچه بودم، این کتاب همیشه من را
 (ث) آرایشگاه - آرایشگر - آرایش کردن
۱. دیروز من پیش رفتم.
 ۲. قبل از رفتن به مهمانی به حمام رفت و بعد
 ۳. نزدیکِ خانه‌ی من یک است.
- (ج) آشپز - آشپزی - آشپزی کردن
۱. رستورانِ دانشگاهِ غذاهای خوشمزه می‌پزد.
 ۲. من و دوستم همیشه با هم
 ۳. تو را خیلی دوست داری، برای همین خودت همیشه غذا درست می‌کنی.
- (چ) آشنا - آشنایی - آشنا شدن
۱. آنها دیروز در دانشگاه با یک دانشجوی گره‌ای
 ۲. ما از با شما خیلی خوشحال هستیم.
 ۳. صورتِ شما برای من خیلی است.
- (ح) تفاوت - متفاوت - تفاوت داشتن
۱. مناطقِ شمال و جنوبِ ایران باهم، اولی سرد و دومی گرم است.
 ۲. این دو لباس مثل هم هستند، من اصلاً آنها را نمی‌فهمم.
 ۳. زبانِ فارسی و زبانِ ترکی دو زبان هستند.
- (د) تعجب - عجیب - تعجب کردن
۱. احمد از دیدنِ دوستش در مهمانی دیشب
 ۲. در این شهر سرد، مردم هرروز در پارک ورزش می‌کنند و این برای من خیلی،
 ولی جالب بود.

۳. چرا با به من نگاه می‌کنی؟

(ذ) تحصیل کردن - تحصیلات - تحصیل

۱. قبلاً پدرم در این دانشگاه

۲. دوستم خودش را در ایران تمام کرد. هفته‌ی آینده به کشورش برمی‌گردد.

۳. در یک دانشگاه خوب، برای من از همه چیز مهم‌تر است.



نوجوانی من



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. معمولاً چه رنگ لباس‌هایی می‌پوشید؟
۲. در کشور شما مردم چه نوع لباس‌هایی می‌پوشند؟
۳. وقتی بچه بودید، دوست داشتید خودتان لباس انتخاب کنید یا فرد دیگری این کار را می‌کرد؟
۴. اوقتی بچه بودید در انتخاب لباس چه چیزی برایتان مهم بود.
۵. از نظر شما یک لباس خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

واژه‌های جدید

آبی	تنگ	شلوار	گشاد
انتخاب کردن	تی شرت	شلوارک	گوش کردن
بلوز	چکمه	علاقه داشتن	متفاوت
بنفش	خسته	فرق داشتن	مخالفت کردن
پالتو	زرد	قبول کردن	مد
پارچه	سرمه‌ای	قهوه‌ای	مسخره کردن
پیراهن	سیاه	کاپشن	مناسب
پیشنهاد دادن	شال	کتانی	نوجوانی

نوجوانی من

وقتی بچه‌ها دوست دارند خودشان لباسشان را انتخاب کنند، ممکن است پدر و مادرها با آنها مخالفت کنند. این مخالفت پدر و مادرها با بچه‌ها درباره‌ی لباس پوشیدن، موضوع جدیدی نیست. نوجوانان بیشتر دوست دارند لباس‌هایشان را خودشان انتخاب کنند. آنها لباس‌ها و مدهای جدید را دوست دارند و فکر می‌کنند با لباس جدید خیلی متفاوت می‌شوند.

در نوجوانی فکر می‌کردم همیشه خودم باید برای همه‌چیز تصمیم بگیرم. وقتی می‌خواستم لباس بخرم، اصلاً به حرف پدر و مادرم گوش نمی‌کردم. مثلاً وقتی مادرم به من می‌گفت: «محمد، این لباس گشاد برای تو خوب است»، من قبول نمی‌کردم و لباس تنگ می‌خریدم، یا وقتی پدرم می‌گفت: «این لباس بلند به تو نمی‌آید»، من حتماً آن لباس بلند را می‌پوشیدم. درباره‌ی انتخاب رنگ و نوع لباس هم همینطور بود. آنها فکر می‌کردند رنگ‌های روشن مثل آبی، زرد، سبز و سفید برای بچه‌ای در سن من خیلی مناسب است، اما من دوست داشتم رنگ‌های تیره مثل قهوه‌ای، بنفش، سیاه و سرمه‌ای انتخاب کنم. در زمستان آنها دوست داشتند من کاپشن، شال و شلوار جین و چکمه‌های مناسب بپوشم، اما من همیشه پالتو، شلوار پارچه‌ای و کفش کتانی می‌پوشیدم. در تابستان به جای تی‌شرت، بلوزهای بلند و گشاد می‌پوشیدم. مدتی همین کار را کردم. در مدرسه لباس‌های من با دوستانم خیلی فرق داشت. گاهی آنها من را مسخره می‌کردند، اما برای من مهم نبود. من دوست داشتم متفاوت باشم.



آلان من هم یک بچه دارم. او هم مثل من دوست دارد لباس‌های متفاوت بپوشد، اما من با او مخالف نیستم. هنگام انتخاب لباس فقط به او پیشنهاد می‌دهم. می‌دانم که او هم مثل من روزی خسته می‌شود و می‌تواند لباس‌های مناسب انتخاب کند.



بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. پَدَر و مادَرها همیشه دوست دارند بَچَه‌ها خودشان لباسِ اِنْتِخاب کنند.

۲. نوجوانان همیشه دوست دارند خودشان لباسِ اِنْتِخاب کنند.

۳. مُحَمَّد در اِنْتِخابِ لباسِ همیشه نَظَرِ پَدَر و مادَرش را می‌پُرسید.

۴. پَدَرِ مُحَمَّد به او می‌گُفت پالتو و کفشِ کتانی در زِمِستان برای او مناسب هستند.

۵. مُحَمَّد دوست ندارد بَچَه اش لباسش را انتخاب کند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا بَچَه‌ها دوست دارند مُدهای جَدید را اِنْتِخاب کنند؟

.....

۲. مادَرِ مُحَمَّد دوست داشت پَسَرش چه لباس‌هایی بپوشد؟

.....

۳. چرا مُحَمَّد دوست نداشت به حَرف‌های پَدَر و مادَرش گوش کند؟

.....

۴. اَلان نَظَرِ مُحَمَّد دَر باره‌ی لباس‌های بَچَه‌اش چیست؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. گوش کردن به ... الف) فَرَق داشتن / تَفَاوُت داشتن

۲. مُخَالَفَت کردن ب) دوره‌ی سَنی بین ۱۳ تا ۱۷ سال

۳. نوجوانی پ) شَنِیدن و عمل کردن به گفته‌ی کسی

۴. مُتَفَاوُت بودن ت) گُفْتَن چیزی به عنوان راهِ حلِ یک موضوع

۵. مَسْخَرَه کردن (ث) قَبول نکردن چیزی
 ۶. پيشنهاد دادن (ج) به کار یا حرفِ کسی خندیدن

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - دادن - کردن - گرفتن

- فَرْق:..... قَبول:..... اِنْتِخاب:.....
 مَسْخَرَه:..... مُخَالَفَت:..... گوش:.....
 پيشنهاد:..... تَصْمِيم:.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.

ت) درباره‌ی لباس و صفت‌های مربوط به آن چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

-

ث) درباره‌ی رنگ‌ها چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

-

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

نوجوانی - گُشاد - خَسْتِه - تَنگ - مُد - مُناسِب

۱. در دورانِ بچه‌ها دوست دارند با دیگران فَرْق داشته باشند.

۲. برای هر کسی اِنْتِخابِ لِباسِ خیلی مهم است.

۳. معمولاً نوجوان‌هاهای جدید را دوست دارند.
۴. من لباس‌های خیلی را دوست ندارم، دوست دارم لباس کمی تنگ و اندازه‌ام باشد.
۵. دیروز در بازار برای پیدا کردن یک پالتوی مناسب خیلی گشتیم. برای همین وقتی به خانه برگشتیم خیلی بودیم.
۶. از یک ماه پیش تا حالا کمی چاق شده‌ام، لباس‌هایم برایم شده‌اند.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

مُخَالَفَتِ كَرْدَن - اِنْتِخَابِ كَرْدَن - فَرْقِ دَاشْتَن - مَسْخَرَه كَرْدَن - پِيشْنَهَادِ دَاَدَن

۱. هفته‌ی پیش پدر با رفتن ما به اردوی مدرسه
۲. دیروز استاد به ما که باهم به یک مسافرت برویم.
۳. ما نباید دیگران را به دلیل اشتباه حرف زدن
۴. در زمان قدیم لباس پوشیدن در هر کشوری با کشور دیگر
۵. مريم، برای مسافرت، حتماً یک شهر ساحلی را

ح) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. دوستم می‌گفت لباس‌های کوتاه برای من مناسب نیست.....
۲. من به دوستم کمک زیادی نمی‌توانم بکنم، فقط همیشه نظرم رابه او می‌گویم.....
۳. درس‌های این کتاب با آن کتاب خیلی متفاوت بود.....
۴. فروشنده به آنها گفت یکی از این کتاب‌ها را از میان بقیه بردارند.....
۵. شاید پدر و مادرم قبول نکنند، من برای درس خواندن به کشور دیگری بروم.....



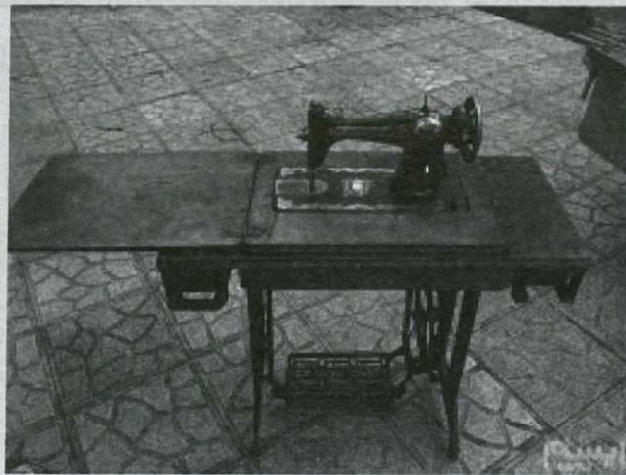
بخش سوم: خواندن بیشتر

اولین چرخ خیاطی را حدود دویست سال پیش در انگلستان ساختند. این چرخ خیاطی فقط پارچه‌های چرمی را می‌دوخت. آن زمان از این وسیله استفاده‌ی زیادی نمی‌کردند. چند سال بعد در فرانسه فرد دیگری وسیله‌ی دیگری ساخت، اما کارگرهای خیاط، در آن زمان از ساختن این وسیله خوشحال نبودند و هر شب به خانه‌ی سازنده‌ی چرخ خیاطی می‌رفتند و او را آذیت می‌کردند، تا اینکه سازنده‌ی این چرخ به خاطر فقر و ناراحتی از دنیا رفت. چند سال بعد در کشور آمریکا وسیله‌ای مثل چرخ خیاطی‌های امروزی را ساختند و مردم از آن استفاده کردند. این چرخ خیاطی همه‌ی پارچه‌ها مانند: پارچه‌های نخی، پشمی، ابریشمی و چرمی را می‌دوخت.

ساختن این وسیله در دنیای خیاطی خیلی مهم بود. چون مردم می‌توانستند لباس‌های مختلف را در زمان کمی بدوزند و بپوشند. امروزه به خاطر سرعت کار این ماشین‌ها، دوختن لباس خیلی آسان شده‌است. بنابراین هر روز مدها و لباس‌های جدید با رنگ‌های مختلف وارد بازار می‌شوند.

در بعضی از کشورها خیاط‌های خانگی، دیگر کار نمی‌کنند و مردم فقط لباس‌های حاضری و آماده می‌خرند. چون بازار لباس، خیلی بزرگ و متنوع است، خریدن و انتخاب لباس، کار آسانی است، بنابراین آنها فقط به جنس و مد لباس توجه می‌کنند و آن چیزی را که دوست دارند، راحت می‌خرند.

بعد از اختراع چرخ خیاطی، وسایلی مثل اتو، چرخ‌های جدید خیاطی و دستگاه‌هایی مانند ماشین‌های خشکشویی اختراع شدند.



بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟

دوِیست سال پیش در انگلستان.

۲.؟

آنها هر شب به خانه‌ی سازنده‌ی چرخ خیاطی می‌رفتند و او را اذیت می‌کردند.

۳.؟

او در فقر و ناراحتی مُرد.

۴.؟

چون مردم در زمانِ گم می‌توانستند لباس‌های زیادی بدوزند.

۵.؟

وسایلی مثل اتو و ماشین‌های خشکشویی.





سفرِ پُر دَرِ دِ سَر



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. سفر کردن را دوست دارید؟
۲. وقتی به سفر می‌روید، چه چیزهایی با خود می‌برید؟
۳. دوست دارید تنها به مسافرت بروید یا گروهی؟
۴. دوست دارید با چه وسیله‌ای به سفر بروید؟ چرا؟
۵. سفر در زمان قدیم چه فرقی با الان داشت؟

واژه‌های جدید

آتش گرفتن	تأخیر داشتن	خَلبان	فُرودگاه
آژانس مسافرتی	تاکسی گرفتن	خوشامد گفتن	کِرایه
آذیت کردن	تَرسیدن	دَر بَست	گَنسِل کردن
بلیت	تَعطیلات	دَر دِ سَر	مِهماندار
بو	جالب	دود	مُسافر
پُر دَر دِ سَر	چک کردن	دُعَا کردن	وارد شدن
پرواز	چَمدان	راننده	یک تَخته
پیاده شدن	خَراب شدن	رَزرو کردن	

سفر پُر در دِ سَر

تصمیم گرفتم تعطیلات تابستان به مسافرت بروم. ولی بلیت پیدا نمی‌کردم. بالأخره در یک آژانس مسافرتی یکی از مسافرها بلیت خود را کنسِل کرد و من توانستم یک بلیت هواپیما برای شیراز بخرم.

یک اتاق یک تخته در یک هتل رزرو کردم. روز سفر، یک ساعت قبل از پرواز، تاکسی گرفتم که به موقع برسم. متأسفانه وسط راه تاکسی خراب شد، فوراً یک تاکسی در بست گرفتم. فقط نیم ساعت وقت داشتم، بالأخره به فرودگاه رسیدم. باعجله پیاده شدم و به داخل سالن فرودگاه رفتم. خوشبختانه پرواز تأخیر نداشت، ولی مشکلات عجیب من شروع شدند. اسم من در لیست پرواز نبود! ولی بعد از چند دقیقه کارمنداها متوجه اشتباهشان شدند و کارت پروازم را دادند. خوشبختانه بعد از چند دقیقه سوار هواپیما شدم. مهماندارها به مسافرها خوشامد می‌گفتند و مسافرها هم سر جایشان می‌نشستند. من هم شماره‌ی صندلی‌ام را چک کردم و نشستم. اولین بار بود که سوار هواپیما می‌شدم. کمی می‌ترسیدم، ولی همه‌چیز خوب بود. همه‌چیز برای من جدید و جالب بود. هواپیما از زمین بلند شد، از پنجره بیرون را نگاه می‌کردم. همه‌چیز کوچک بود. به خودم گفتم از این به بعد فقط با هواپیما مسافرت می‌کنم. در این فکر بودم که دیدم بویی می‌آید؛ بوی دود بود! در همین موقع خلبان با ما صحبت کرد و گفت: «به‌خاطر آتش گرفتن یکی از موتورها باید به تهران برگردیم». بعد او از مسافرها خواست که آرام باشند و سر جای خودشان بنشینند. همه‌ی مسافرها ساکت بودند و دعا می‌کردند. زمان خیلی سخت و طولانی می‌گذشت، خوشبختانه بعد از یک ربع هواپیما نشست. همه‌ی ما سالم بودیم، ولی هنوز بوی دود همه را اذیت می‌کرد.

آن روز تصمیم گرفتم دیگر سوار هواپیما نشوم. با ناراحتی یک تاکسی دیگر گرفتم و به خانه برگشتم. کرایه‌ی تاکسی را دادم. وقتی راننده چمدانم را از عقب ماشین آورد، دیدم چمدان من نیست؛ چمدان یک مسافر دیگر است. وای...! دیگر حاضر نبودم به فرودگاه برگردم.





بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. نویسنده‌ی متن با تاکسی به هتل رفت.
۲. او تا رسیدن به فرودگاه سوار دو تاکسی شد.
۳. مهماندار به او کمک کرد که سر جایش بنشیند.
۴. موتورهای هواپیما آتش گرفته بودند.
۵. هواپیما به تهران برگشت.
۶. او به اشتباه چمدان یک مسافر دیگر را برداشته بود.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. نویسنده‌ی متن چه‌طور توانست بلیت پیدا کند؟

.....

۲. چرا اسم او در لیست پرواز نبود؟

.....

۳. چه مشکلی در هواپیما پیدا شد؟

.....

۴. چرا به خودش گفت که از این به بعد فقط با هواپیما مسافرت می‌کند؟

.....

۵. او وقتی که به خانه برگشت، متوجه چه اشتباهی شد؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|--------------|--------------------------------------------------------------|
| ۱. دَرِیَسْت | <input type="checkbox"/> الف) به‌طور کامل و با همه‌ی امکانات |
| ۲. مهماندار | <input type="checkbox"/> ب) در آخر کار / سرانجام |



۳. کرایه پ) دیر کردن
۴. بالأخره ت) راننده‌ی هواپیما یا هلی‌کوپتر
۵. تأخیر داشتن ث) مشکل
۶. فرودگاه ج) از خدا چیزی خواستن
۷. خلبان چ) کسی که در قطار، هواپیما و مانند آن از مسافران پذیرایی می‌کند.
۸. درد سر ح) پولی که برای استفاده از چیزی یا جایی به صاحب آن می‌دهند.
۹. دعا کردن خ) فوراً
۱۰. باعجله د) جای نشستن و بلند شدن هواپیما و سوار و پیاده شدن مسافرها

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - شدن - کردن - داشتن - گفتن

- تاکسی: مُتَوَجِّه:
- پیاده: آتش:
- مُسافِرَت:
- تأخیر:
- خوشامد:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.....
- ۲.....
- ۳.....
- ۴.....
- ۵.....
- ۶.....
- ۷.....

ت) درباره‌ی مسافرت با هواپیما چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی تاکسی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

دیگر - به موقع - وَسَط - بالأخره - باعجله - پرواز

۱. هواپیما خراب شده‌است و همه‌ی مسافران باید با بعدی به شیراز بروند.
۲. وقتی سَرِ کار می‌رفتم، راه با یک تاکسی تصادف کردم.
۳. چون صُبح زود بیدار شدم، به اداره رسیدی.
۴. یک بار آن عَذا را خورد، ولی آن را دوست نداشت، برای همین، آن را نخورد.
۵. خیلی دُبالِ بلیت اصفهان گشتم و در یکی از شرکت‌های هواپیمایی، بلیت پیدا کردم.
۶. دیروز برای رفتن به مَدْرسه دوچرخه نداشتم، لباس پوشیدم و تا مَدْرسه دَویدم.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

سوار ... شدن - تأخیر داشتن - حاضر بودن - گذشتن - آذیت کردن - چک کردن

۱. قَبْل از بیرون آمدن از خانه، لُطفاً و سَایلِ مَدْرسه‌ات را
۲. وقتی از فُرودگاه خارج شدم، ماشینم و به خانه بَر گشتم.
۳. رئیس خیلی عَصَبانی بود، چون رِضا مِثْل همیشه نیم سَاعَت
۴. برای رسیدن به خیابانِ انقِلاب، شما باید از روی این پُل
۵. در مِهْمانی دیشب سَر و صِدای زیاد بَچّه‌ها بزرگ‌ترها را خیلی
۶. به نَظَرِ او این کار خیلی سَخْت است، ولی او برای این کار به دوستاتَش کُمک کند.

ح) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن بر می‌گردند؟

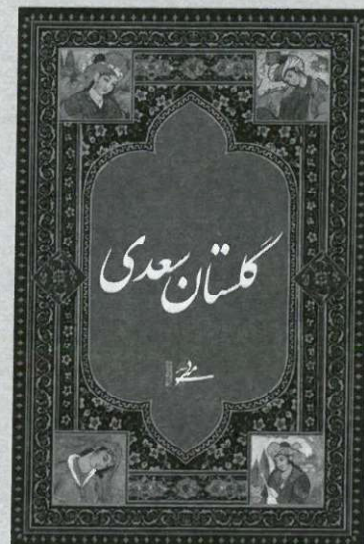
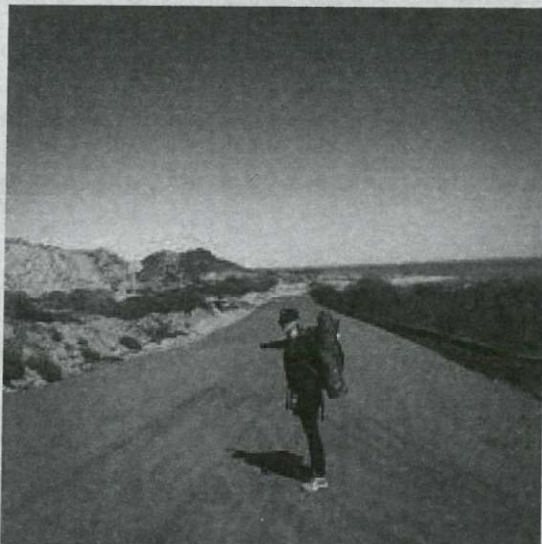
۱. آن روز سروقت به اداره رسیدم.....
۲. بین راه از تاکسی پیاده شدید.....
۳. در سالنِ فُرودگاه دردسرهای زیادی داشتم.....
۴. پرواز به موقع انجام شد.....
۵. آنها روی صندلی خودشان می‌نشستند.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

راه‌های زیادی برای پُر کردنِ وقت وجود دارد؛ یکی از آنها مُسافِرَت است. سَفَر یکی از بخش‌های مُهمّ زندگی انسان است. تقریباً همه‌ی مردم مُسافِرَت را دوست دارند. بعضی از مردم برای دیدنِ خانواده و آشنایان و دوستانشان سَفَر می‌کنند. بعضی‌ها برای پیدا کردنِ کارِ بهتر و درآمدِ بیشتر مُسافِرَت می‌کنند. عِدّه‌ای هم برای تحصیل و بعضی برای گردِش و اِسْتِراحت، سَفَر می‌کنند. برای کسانی که از کارهای تکراری هر روز خسته می‌شوند، مُسافِرَت مِثْلِ عِذای روح است.

سَفَر کردنِ انسان را با تَجْرِبَه می‌کند. انسان‌ها با مُسافِرَت با مردمِ جَدید و با فرهنگ‌های مُختَلِف آشنا می‌شوند. مثلاً با مُسافِرَت به شهرها و کِشورهای دیگر، با غذاها و لباس‌ها، زبان‌ها و لهجه‌های شهرها و کِشورهای مُختَلِف آشنا می‌شویم، می‌فهمیم مردم، در جاهای مُختَلِف چگونه زندگی و کار می‌کنند و آب و هوای شهرها و کِشورهای دیگر چگونه است. فایده‌های سَفَر خیلی زیاد است. نویسنده‌ها و شاعران، برای به دست آوردنِ تَجْرِبَه‌های جَدید، سَفَر می‌کنند. مثلاً داستان‌های زیبای گِلِستانِ سَعْدی، نتیجه‌ی تَجْرِبَه‌های سَفَرهای این شاعرِ بزرگ به جاهای مُختَلِف است.



۱- گِلِستان: نام یکی از کتاب‌های سعدی، شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری (قرن سیزدهم میلادی)

بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.....؟

مردم به دلایل مختلف؛ مانند دیدن خانواده، آشنایان، دوستان و پیدا کردن کار بهتر و درآمد بیشتر، تحصیل، گردش و استراحت سفر می‌کنند.

۲.....؟

انسان با سفر کردن با تجربه می‌شود و با مردم و فرهنگ‌های مختلف آشنا می‌شود.





بیماری خطرناک



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. معمولاً در چه فصلی بیماری بیشتر است؟
۲. آخرین بار کی مریض شدید و چکار کردید؟
۳. وقتی مریض می‌شوید به دُکتر می‌روید یا ترجیح می‌دهید با داروهای مُختَلِف خودتان را دَرمان کنید؟
۴. آیا برای درمان بیماری‌تان از داروهای گیاهی استفاده می‌کنید؟
۵. آیا در کشور شما امکانات پزشکی مناسب وجود دارد؟

واژه‌های جدید

آزمایش دادن	تَب داشتن	سِرْم	مَطَب
آزمایشگاه	جَرّاحی کردن	شَرِبَت	مُعاینه کردن
آمپول	داروی گیاهی	ضَرَبان	مُنشی
أَتاقِ اِنْتِظار	دَرمان کردن	ظاهراً	ناشتا
اِشتها داشتن	سَرکسی گیج رفتن	عَش کردن	نَبض
اشتباهی	سَر دَر دَر	فِشارِ خون داشتن	وَصَل بودن
اِطمینان داشتن	سَرطانی	قُرص	وَقْت گرفتن
پَرونده	سُر فِه کردن	مَریض	

بیماریِ خَطَرناک

بعضی از مردم دوست ندارند پیشِ دُکتر بروند. بعضی‌ها هم می‌ترسند به مَطَبِ دُکتر بروند، یا از خوردنِ قُرص و شَرَبَتِ خوششان نمی‌آید، برای همین با داروهای گیاهی خود را درمان می‌کنند. بعضی‌ها هم به کارِ عِدّه‌ای از پزِشک‌ها اطمینان ندارند؛ یا دیر پیشِ دُکتر می‌روند، یا اصلاً نمی‌روند. من هم از آن گروه آدم‌هایی هستم که هیچ‌وقت برای رفتن به دُکتر عَجَله نمی‌کنم.

مُدّت‌ها بود که اِشْتِه‌ها نداشتم و شَب‌ها نمی‌توانستم بخوابم. سَرْدرد داشتم و سُرْفه می‌کردم. به مَطَبِ دُکترِ خانوادگی‌مان زنگ زدم و برای همان روز عَصْر وقت گرفتم. وقتی به مَطَب رفتم، مَنشیِ دُکترِ پِرونده‌ی پزِشکی من را پیدا کرد و به دُکتر داد. مُدّتی در اُتاقِ اِنْتِظارِ نِشِستم تا نوبتِ من شد. یک مَرِیضِ دیگر در اُتاق بود. وقتی بیرون آمد، من به اُتاقِ دُکتر رفتم. در اُتاقِ دُکتر روی صندلی نِشِستم. دُکتر بعد از دیدنِ پَرَونده‌ام از من چند سُوْال کرد و من جَواب دادم. خیلی دَقِیق مَرا مُعاینه کرد و بَعد نَبض و فِشارِ خَونَم را گرفت و به ضَرَبانِ قَلَبَم گوش داد. تَب هم نداشتم. وقتی مُعاینه تمام شد، دُکتر گُفت: "مُشکِلی وُجود ندارد، ولی برای اطمینان، باید یک آزمایشِ خون بدهی." من همیشه از آمپول می‌ترسیدم، ولی روزِ بَعد ناشتا به آزمایشگاه رفتم و آزمایش دادم.

چَند روز بَعد برای گرفتنِ جَوابِ آزمایش به آزمایشگاه رفتم. وقتی جَوابِ آزمایش را به من گُفتند، سَرَم گِیج رفت و دیگر هیچ‌چیز نفهمیدم. وقتی چِشم را باز کردم دیدم در بیمارستان هستم و یک سِرُم به دستم وصل است. ظاهراً در آزمایشگاه جَوابِ آزمایشِ یک بیمارِ سَرطانی را اشتباهی به من داده بودند و من از ترس عَش کرده بودم.



بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرفِ «د» و پاسخ نادرُست را با حرفِ «ن» مشخص کنید.

۱. نویسنده‌ی متن دیر به دُکتر می‌رود.
۲. او عصرِ همان روز که مریض بود، به دُکتر رفت.
۳. او از آمپول نمی‌ترسید.
۴. نبض و فشارِ خون او عادی نبود.
۵. او بعد از خوردنِ صُبحانه به آزمایشگاه رفت و آزمایش داد.
۶. او در آزمایشگاه بیهوش شد.
۷. او سرطان داشت.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کسانی که به دُکتر نمی‌روند، چگونه خودشان را درمان می‌کنند؟

.....

۲. چرا نویسنده‌ی متن به دُکتر رفت؟

.....

۳. دُکتر برای مُعاینه‌ی او چه کارهایی کرد؟

.....

۴. نویسنده چرا آزمایشِ خون داد؟

.....

۵. او چرا در بیمارستان بستری شد؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. اِشْتِه‌ا الف) کارهایی که دکتر انجام می‌دهد تا نوعِ بیماری را بفهمد.



- | | |
|-----------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲. مَطَب | <input type="checkbox"/> (ب) صُبْحانه نَخورده |
| ۳. مُنشی | <input type="checkbox"/> (پ) مِثْلِ این که |
| ۴. نوبت | <input type="checkbox"/> (ت) آبی که نمک و قند دارد و برای درمان یا به‌عنوانِ غذا به بیمار می‌دهند. |
| ۵. پَرَوَنده | <input type="checkbox"/> (ث) مَحَلّی که در آن پَزِشکِ بیماران را مُعاینه می‌کند. |
| ۶. مُعاینه کردن | <input type="checkbox"/> (ج) کسی که کارهای اِداریِ یک مَطَب، شِرکَت و... را اَنجام می‌دهد. |
| ۷. تَب | <input type="checkbox"/> (چ) مِیل به خوردنِ غذا و مانندِ آن |
| ۸. ناشتا | <input type="checkbox"/> (ح) فُرصَتِ اَنجامِ کار برای هر نفر در یک گُروه، به ترتیبِ زمانی |
| ۹. ظاهراً | <input type="checkbox"/> (خ) مَجموعه‌ی اِطلاعات و مَدارک از کسی یا چیزی |
| ۱۰. سِرْم | <input type="checkbox"/> (د) زیاد شدنِ غیرِ طَبیعیِ گرمای بدن |

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - دادن - کردن - گرفتن - زدن

- | | | |
|-----------------|---------------|-----------------|
| دَرمان: | عَجَله: | اِشْتها: |
| سر دَرْد: | زَنگ: | اِطمینان: |
| نوبت: | تَب: | |
| آزمایش: | | |

(پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.....
- ۲.....
- ۳.....
- ۴.....
- ۵.....
- ۶.....
- ۷.....

.....۸

.....۹

ت) درباره‌ی داروها، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی نشانه‌های بیماری، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) درباره‌ی کارهای مربوط به معاینه کردن، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

چ) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

قُرص - عِدّه ای - خَطَرناک - اِنْتَظار - پَرونده - نَبض - ضَرَبان - آمپول

۱. در پزشکی من، هیچ بیماریِ خَطَرناکی وجود نداشت.
۲. دُکتر فقط برای من دو دارو نوشت : و
۳. او دُکتر خیلی خوبی بود، اُتاقِ او همیشه پُر از مریض بود.
۴. خوشبختانه بیماری شما نیست و خیلی زود حالتان خوب می‌شود.
۵. دُکتر او را گرفت و به قلبش گوش داد.
۶. او و از دُکترهای ایرانی در این بیمارستان کار می‌کنند.

ح) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

اطمینان داشتن - معاینه کردن - سُرْفه کردن - دَرمان کردن - گرفتن - اِشْتِها داشتن

۱. قبلاً دُکترهای این بیمارستان، بیماران را با داروهای گیاهی
۲. دو روز است که غذا نخورده‌ام، ولی هَنوز هم
۳. شما باید که دُکترهای این جا خیلی خوب هستند.
۴. دُکتر فشارِ خَوْنَت را ؟
۵. بعد از این که دُکتر مادَرَم را، گفت که هیچ مُشکِلی نیست.
۶. من هم تب داشتم و هم

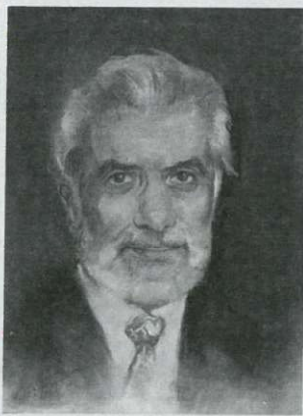


خ) در جمله‌های زیر واژه‌ها و عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. اصلاً میل به خوردن عَذا نداشتم.....
۲. بدون صُبحانه به مَدْرَسه رفتم.....
۳. به مَطَبِ دُکْتَر زنگ زدم و نوبت گرفتم.....
۵. از تَرَس بیهوش شده بودم.



بخش سوم: خواندن بیشتر



اِسْمش علی و فرزندِ اوّل خانواده بود. در هنگامِ تولّد ۲ کیلوگرم وزن داشت. او در بخش^۱ کودکانِ بیمارستانِ بستری^۲ بود. پدر و مادرش خیلی نگران بودند و از پشتِ شیشه به فرزندشان نگاه می‌کردند. مادر آرام آرام گریه می‌کرد و دُعا می‌کرد. علی را ۲۲ ساعت بعد از تولّد به بیمارستان آورده بودند. پزشک‌های بیمارستان هم به زنده ماندن او امید نداشتند. ماه‌های زیادی گذشت. مادر علی همیشه کنار تختش بود. روزها و شب‌ها برای مادر خیلی سخت می‌گذشت. علی کم کم بهتر می‌شد، اما هنوز برای مرخص شدن^۳ زود بود. من پزشکِ علی بودم. هر روز با مادر او صحبت می‌کردم و او را آرام می‌کردم. بعد از هشت‌ماه بالاخره حالِ علی بهتر شد و به خانواده‌اش اجازه دادیم او را به‌خانه ببرند. سال‌ها بعد، پس از تمام شدنِ مراسمِ که به یادِ دُکْتَر قریب، اوّلین پزشکِ کودکان در ایران شرکت کرده بودم، جوانی به‌طرفِ من آمد و گفت: «من علی هستم، یادتان هست؟ تا هشت‌ماهگی در بیمارستان، بخشِ کودکان؟! آلان بیست و شش سالم است و سالِ آخرِ پزشکی هستم. می‌خواهم متخصّصِ کودکان بشوم». خیلی خوشحال شدم و نمی‌توانستم باور کنم که علی، آن نوزادِ بیمار، الان روبه‌روی من است و حالا می‌خواهد پزشکِ کودکان بشود!

۱ - بخش: قسمت‌های مختلف بیمارستان

۲ - بستری بودن: به‌دلیل بیماری در بیمارستان یا در خانه خوابیدن

۳ - مرخص شدن: اجازه گرفتن بیمار برای خارج شدن از بیمارستان

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (یک دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

..... -

ب) برای جواب‌های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.....؟

چون هنگامِ تَوَلُّدِ وَزَنَشِ فَفَط ۲ کیلو گرم بود.

۲.....؟

هشت ماه در بیمارستان بَسْتَری بود.

۳.....؟

اولین پزشکِ کودکان در ایران، دُکْتَر قَرِیب بود.





اوقات فراغت



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. اوقات فراغت یعنی چه؟
۲. شما اوقات فراغت‌تان را چگونه پُر می‌کنید؟
۳. مردمِ کشورِ شما اوقات فراغت‌شان را چگونه پُر می‌کنند؟
۴. به نظر شما اوقات فراغتِ کودکان را چگونه باید پُر کرد؟
۵. اوقات فراغتِ شما در دوران دانشجویی چه تفاوتی با قبل دارد؟

واژه‌های جدید

آزاد	بال‌درآوردن	ساز	گروه
إصرار کردن	پُر کردن	سه‌تار	نصف
إضافی	تَعطیل شدن	شِرکت کردن	هَنَر
إعتِماد داشتن	تُنَبِّک	قالی بافی	
إمروزی	دانشکده	کارگاه	
اوقات فراغت	رَهبر اُرکستر	کارهای دَستی	

اوقات فراغت

اوقات فراغت در سال‌های گذشته شکل دیگری داشت؛ چون تقریباً همه در خانواده‌ها کار می‌کردند و کسی وقت اضافی و آزاد به معنی امروزی نداشت. وقتی مدرسه‌ها تعطیل می‌شدند، پسرها در کارگاه، مغازه یا جایی که خانواده‌ها به آنها اعتماد داشتند، کار می‌کردند و دخترها هم کارهای دستی و آشپزی یاد می‌گرفتند.

بیژن و مُحَمَّد هم کلاسی بودند، آنها بعد از مدرسه در یک کارگاه قالی‌بافی کار می‌کردند. آنها خیلی دوست داشتند موسیقی یاد بگیرند. مُحَمَّد تُنَبک و بیژن سه‌تار دوست داشت، اما نه پول کافی برای خریدن تُنَبک و سه‌تار داشتند، نه جایی برای تمرین.

اُستادِ قالی آنها موسیقی بلد بود. بچه‌ها از او خواسته بودند، حقوقشان را نصف کند، ولی به جای آن، از او موسیقی یاد بگیرند. آنها بعد از سه ماه کار کردن در کارگاه توانستند سازهایشان را بخرند. بچه‌ها از خوشحالی داشتند بال درمی آوردند، بنابراین کارشان را خیلی زود شروع کردند. اُستاد هر روز بعد از کار به آنها موسیقی یاد می‌داد و آنها در کارگاه تمرین می‌کردند.

سال‌ها می‌گذشت. مدرسه، کار و موسیقی کاملاً وقت بچه‌ها را پر کرده بود. یک روز اُستاد از آنها خواست برای زدن موسیقی در یک گروه بزرگ به شهر دیگری بروند، اما خانواده‌ی بیژن این موضوع را قبول نکردند. هرچقدر اُستاد و مُحَمَّد اصرار کردند، آنها قبول نکردند. بیژن هم از رفتن به چنین سفری ترسیده بود. فکر می‌کرد باید به حرف پدر و مادرش گوش کند.

مُحَمَّد به آن سفر رفت و تا چند سال دیگر هم موسیقی را ادامه داد. آلان او در دانشکده‌ی هنر اُستادِ موسیقی و رهبر ارکستر بزرگ شهر است. بیژن همیشه به کنسرت‌های او می‌رود و وقت‌هایی هم که تنهاست برای خودش سه‌تار می‌زند. بیژن نتوانست به آرزوهای خودش برسد، اما برای مُحَمَّد خیلی خوشحال است.





بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ دُرست را با حرف «د» و پاسخ نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. در گذشته مردم کمتر وقت آزاد داشتند.
۲. در گذشته پسرها بعد از تعطیل شدن مدرسه کار می کردند.
۳. بیژن و محمد در کارگاه قالی بافی موسیقی تمرین می کردند.
۴. بچه ها خودشان سازهایشان را ساختند.
۵. گروه موسیقی در شهر دیگری بود.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا اوقات فراغت در گذشته و امروز با هم فرق دارد؟

.....

۲. پسرها و دخترها در گذشته چه چیزهایی یاد می گرفتند؟

.....

۳. بچه ها چگونه سازهایشان را خریدند؟

.....

۴. چرا بیژن نتوانست به مسافرت برود؟

.....

۵. آلان شغل محمد چیست؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. اوقات فراغت □ الف) یک برنامه یا اجرای ارکستر یا یک گروه موسیقی

- | | |
|---------------------------|-------------------------------------------------------------------------|
| ۲. کارگاه | <input type="checkbox"/> ب) جایی که در آن عده‌ای کار فنی انجام می‌دهند. |
| ۳. کارهای دستی | <input type="checkbox"/> پ) وقت آزاد |
| ۴. از خوشحالی بال درآوردن | <input type="checkbox"/> ت) خوشحال شدن زیاد از چیزی |
| ۵. اصرار کردن | <input type="checkbox"/> ث) وسایل موسیقی مثل پیانو، ویولون و ... |
| ۶. ساز | <input type="checkbox"/> ج) وسایلی که با دست ساخته می‌شوند. |
| ۷. گنسیرت | <input type="checkbox"/> چ) پافشاری کردن / چند بار چیزی را خواستن |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - دادن - داشتن - در آوردن

- | | | |
|---------|-------|---------|
| پُر: | یاد: | نِصَف: |
| | | |
| اِصرار: | شروع: | تمرین: |
| | | |
| قبول: | گوش: | اعتماد: |
| | | |
| بال: | | |
| | | |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.

ت) درباره‌ی اوقات فراغت چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی موسیقی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پُر کنید.

موسیقی - اوقات فراغت - امروزی - کارگاه - کنسرت - کارهای دستی

۱. برای تمرین به یک جای خلوت می‌رفتم، چون نمی‌خواستم صدای ساز من کسی را اذیت کند.
۲. بیشتر خانه‌های کوچک هستند.
۳. امشب با دوست‌هایمان به یک بزرگ می‌رویم.
۴. هر شهری زیبایی دارد.
۵. آنها در خودشان ورزش می‌کنند.
۶. های بزرگ معمولاً از شهر دور هستند.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پُر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

پُر کردن - اصرار کردن - تعطیل شدن - اعتماد داشتن - قبول کردن - نصف کردن

۱. هر سال در آخر بهار، مدرسه‌ها
۲. دوستم با من به مسافرت نمی‌آمد، خیلی به او ولی قبول نکرد.
۳. تو باید به حرف‌های پدر و مادرت
۴. دوستم ما را برای شام دعوت کرد و ما دعوت او را
۵. این غذا برای تو خیلی زیاد است، آن را و بعد بخور.
۶. امروزه پدر و مادرها وقت بچه‌ها را در تابستان با کلاس‌های آموزشی

ح) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. در قدیم این رستوران طور دیگری بود.....
۲. من همیشه وقت آزاد را با مطالعه کردن پُر می‌کنم.....



۳. او می‌خواست کیک را دو قسمت کند.....
۴. بچه‌ها خیلی خیلی خوشحال بودند.....
۵. بچه‌ها خیلی پافشاری کردند تا بالآخره مُعَلِّمِشان روز امتحان را عَوَض کرد.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

یک روز در کلاسِ اِنشا مُعَلِّمِ مَدْرَسِه از ما خواست دَر باره‌ی اوقاتِ فراغتِ مَطَلَبی^۱ بِنویسیم. واقعاً اوقاتِ فراغتِ یعنی چه؟ اوقاتِ فراغتِ یعنی وقتی که ما نمی‌خواهیم در کنارِ خانوادِه‌مان باشیم، وقتی که دوست نداریم هیچ کارِ دیگری بکنیم یا وقتی که کارهایمان تمام شده‌است و می‌خواهیم تفریح کنیم؟ من دَر باره‌ی برنامه‌های روزانه‌ی خودم فکر کردم، به غیر از خوردن و خوابیدن و کارهای شخصی و کارهای مَدْرَسِه من چقدر وقتِ اضافی و آزاد دارم؟ در وقت‌های آزادم گاهی تلوویزیون تماشا می‌کنم، گاهی بازی کامپیوتری می‌کنم، گاهی با دوست‌هایم بیرون می‌روم، گاهی هم دوست ندارم هیچ کاری کنم و فقط روی تختم دراز می‌کشم، اما اینها کارهای روزانه‌ی من در دورانِ مَدْرَسِه بودند. در تابستان چطور؟ در تابستان وقت بیشتری داشتم. در تابستان به کلاس‌های ورزشی و زبان می‌رفتم، اما باز هم وقتم زیاد بود.

فکر کردم شاید برای آدم‌های دیگر هم اوقاتِ فراغت و برنامه‌های روزانه در زمان‌های مُختَلِف با هم فرق داشته باشند. شاید در کشورهای و منطقه‌های مُختَلِف دُنیا هم برنامه‌های روزانه‌ی افراد، مُتفاوت باشد. برنامه‌های کسی که در روستا زندگی می‌کند با کسی که در یک شهر بزرگ زندگی می‌کند، حتماً خیلی فرق دارند. تازه اهمیتِ موضوعِ انشای کلاس را فهمیده بودم. پس دَر باره‌ی آن نوشتم. به نظر من



آدم‌ها در زمان‌ها و منطقه‌های مُختَلِف اوقاتِ فراغتِ مُتفاوتی دارند. پس باید ببینیم که در هر منطقه‌ای، مردم به چه چیزهایی فکر می‌کنند و چه چیزهایی برایشان مهم‌تر است.

۱. مطلب = موضوع

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ت) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟

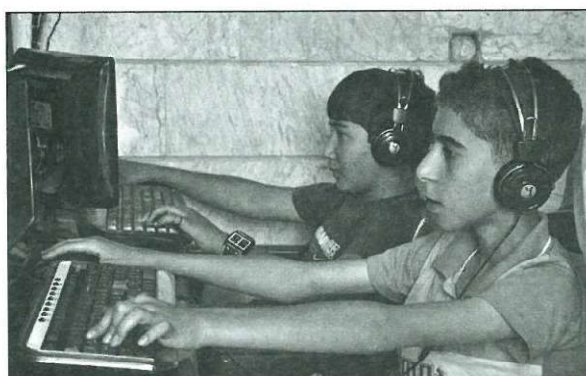
او در تابستان به کلاس زبان و کلاس‌های ورزشی می‌رفت.

۲. ؟

نه، اوقات فراغت برای همه‌ی مردم مثل هم نیست.

۳. ؟

معلم انشا از آنها خواست درباره‌ی اوقات فراغت بنویسند.



ورزش و سلامتی



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. آیا هرروز ورزش می‌کنید؟
۲. به چه ورزشی علاقه دارید؟
۳. دوست دارید تنها ورزش کنید یا گروهی؟
۴. مردم در کشور شما به چه ورزش‌هایی علاقه دارند؟
۵. قدیمی‌ترین ورزش کشور شما چیست؟

واژه‌های جدید

آرام	توجه کردن	سازمان	لذت بردن
آرامش	حل کردن	سلامتی	مخصوص
انفرادی	خرج کردن	ضرر	مفید
بدن‌سازی	راه رفتن	کوهنوردی	موفق
پیاده‌روی	ساختن	گروهی	وسایل ورزشی

ورزش و سلامتی

چقدر به سلامتی‌تان توجه می‌کنید؟ بعضی از مردم برای سلامتی و بعضی هم برای کنترل وزن خود ورزش می‌کنند. مهم نیست که چه ورزشی می‌کنید، مهم این است که هدف شما از ورزش کردن چیست و از انجام چه ورزشی لذت می‌برید؟ کسانی که ورزش خوبی را انتخاب نمی‌کنند، خیلی زود از ورزش خسته می‌شوند.

ورزش‌ها انواع مختلفی دارند؛ بعضی از ورزش‌ها مثل پیاده‌روی و بدن‌سازی و ژیمناستیک، انفرادی و بعضی از آنها مثل والیبال و بسکتبال و فوتبال، گروهی هستند. ورزش‌های گروهی به کودکان کمک می‌کنند در جامعه موفق‌تر باشند، بنابراین خوب است پدر و مادرها به ورزش بچه‌ها توجه کنند.

انجام بعضی از ورزش‌ها برای بدن مفید نیست. ورزش‌های سنگین، مثل بدن‌سازی یا کوهنوردی برای کسانی که بیماری‌هایی، مثل کمردرد و پادرد دارند، ضرر دارد. آنها باید ورزش‌های مخصوصی که پزشک به آنها گفته است، انجام بدهند، مثلاً راه رفتن در آب، برای آنان مفید است. بعضی از مردم همیشه بعد از کار زیاد خیلی خسته می‌شوند. آنها می‌توانند با کمی ورزش این مشکل را حل کنند. یوگا و ورزش‌های سبک، همراه با یک موسیقی ملایم به آرامش و همچنین راحت خوابیدن فرد، کمک می‌کنند. اگر نمی‌توانید به باشگاه ورزشی بروید، می‌توانید وسایل ورزشی ارزان و ساده بخرید و در خانه از آنها استفاده کنید، یا چند ساعت در حیاط منزلتان حرکات ورزشی ساده انجام دهید.



اهمیت ورزش آنقدر زیاد است که در همه کشورهای سازمان‌های ورزشی مختلفی وجود دارند که پول زیادی برای ساختن استادیوم و مکان‌های ورزشی خرج می‌کنند.

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. همه‌ی مَرْدُم برای کُنْتَرَلِ وِزَن وِرْزِش می‌کنند.
۲. پیاده‌رَوی یک وِرْزِشِ گُروهِی است.
۳. کوهنَورْدی برای کسانِی که کَمَرْدَرْد و پا دَرْد دارند، ضرر دارد.
۴. اگر نمی‌توانید به باشگاه بروید، نباید وِرْزِش کنید.
۵. یوگا برای آرامِش و خوابِ راحت مفید است.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چه کسانی از وِرْزِش کردن زود خَسْتِه می‌شوند؟

.....

۲. اگر وِساِیلِ وِرْزِشِی ندارید، چگونه باید وِرْزِش کنید؟

.....

۳. چه نوع وِرْزِش‌هایی وُجود دارد؟

.....

۴. وِرْزِش‌های گروهِی چه فایده‌ای برای کودکان دارند؟

.....

۵. چرا سازمان‌های مُخْتَلِفِ پولِ زیادی را برای وِرْزِش خَرَج می‌کنند؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|---------------|------------------------------------------------------------|
| ۱. مُفید | <input type="checkbox"/> الف) یک نَفَرِی |
| ۲. ضَرر داشتن | <input type="checkbox"/> ب) جایی که در آن وِرْزِش می‌کنند. |



- | | |
|-----------------|------------------------------------------------------------------------|
| ۳. مُوَفَّق | <input type="checkbox"/> پ) چیزهایی که برای ورزش کردن لازم است. |
| ۴. باشگاه ورزشی | <input type="checkbox"/> ت) پیدا کردن پاسخِ دُرُست و مُناسِب برای چیزی |
| ۵. انفرادی | <input type="checkbox"/> ث) چیزی که فایده دارد و خوب است. |
| ۶. وسایل ورزشی | <input type="checkbox"/> ج) فایده نداشتن و خوب نبودن |
| ۷. حل کردن | <input type="checkbox"/> چ) پیروز |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - شدن - دادن - بردن

- | | | |
|-----------|--------|----------|
| تَوَجُّه: | خَرَج: | اَنجَام: |
| خَسْتَه: | كَمَك: | لِذَّت: |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.

ت) درباره‌ی ورزش و صفت‌های مربوط به آن چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

-
-

ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

هَدَف - اَنواع - باشگاهِ ورزشی - مَخصوص - مُوَفَّق - سَبُک

۱. خوب است شب‌ها یک شام بخوریم.
۲. برای ورزش‌های گروهی باید به بروید.
۳. شما از یادگرفتن فارسی چیست؟

۴. اگر خوب درس بخوانی، می شوی.
۵. غذاهای ایرانی مُختَلَفی دارند.
۶. هر کِشَوَری یک پَرچَم دارد.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

- خَرَج کردن - لِدَّت بُردن - حَل کردن - کُمک کردن - تَوَجُّه کردن - ضَرَر داشتن
۱. من و دوستم در مدرسه پیشِ مُدیر رفتیم و مُشکِلِ مان را
 ۲. بعضی از مَرَدُم دوست دارند پولشان را برای خَریدنِ لِباس
 ۳. ما قَبلاً هرسال به اصفهان می رفتیم و از دیدنِ جاهای زیبای آن
 ۴. من نمی توانم عینکم را پیدا کنم، لُطفاً به من
 ۵. سیگار کِشیدن برای سَلامتی
 ۶. چرا وقتی رانندگی می کنی، به اطرافت ؟

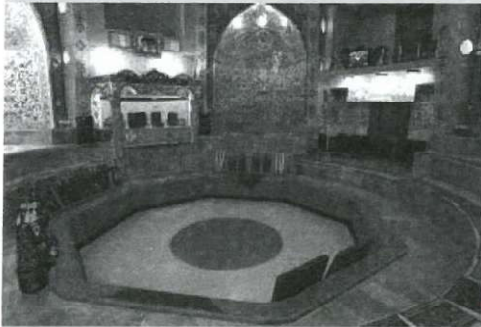
چ) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. من دوست دارم همیشه یک نَفَری وِرزش کنم.
۲. بالا رفتن از پله برای کسانی که کَمَر درد دارند، خوب نیست.....
۳. راننده ها باید به عَلائمِ رانندگی دِقَّت کنند.....
۴. مِهمانی دِشَب در فِضای بازِ خانه مان بود.....
۵. خواهر و برادر من همه ی پول خود را برای خَریدنِ کیف و کفش مَصَرَف می کنند.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

وَرزِشِ باستانی^۱ یک وَرزِشِ مُقَدَّسِ^۲ ایرانی است و جایی که در آن وَرزِشِ می‌کنند، زورخانه نام دارد. این وَرزِشِ، یکی از وَرزِش‌های سُنَّتِی و قَدیمی ایرانی است. بسیاری از پهلوانان مثل "پوریای ولی" و "غلامرضا تختی" که یاد آنها همیشه در قلبِ مَرْدُم است، پهلوانی^۳ و جَوانمردی^۴ را در همین زورخانه‌ها یاد گرفتند.



زورخانه جایی است که فقط مردان در آن وَرزِشِ می‌کنند. سقفِ آن به شکلِ گنبد^۵ است و در آن کوتاه است، برای این که وقتی تماشاچیان و ورزشکاران به داخل زورخانه می‌آیند، برای احترام به پهلوانان خم شوند. ورزشکاران در زورخانه

به شکل دایره می‌ایستند و وَرزِشِ می‌کنند. در وسطِ این دایره باتجربه‌ترین ورزشکار، وَرزِشِ می‌کند. در زورخانه یک نفر شعر می‌خواند و ورزشکاران با صدای موسیقی و خواندن او



ورزش می‌کنند. کسی که در زورخانه شعر می‌خواند، باید خواننده‌ی بسیار خوبی باشد و شعرهای مذهبی بخواند.

در زورخانه وسایلِ مُختَلَفی برای وَرزِشِ کردن وجود دارد، این وسایل، شبیه به وسایلِ جَنگی در زمانِ قَدیم هستند. وقتی

ورزشکاران در گود^۶ زورخانه با این وسایلِ وَرزِشِ می‌کنند، دُعا^۷ هم می‌کنند، برای همین این

۱- وَرزِشِ باستانی: ورزش سنتی و قدیمی ایرانی

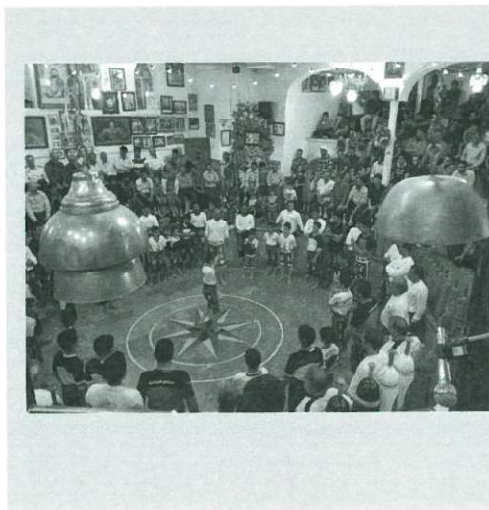
۱- مُقَدَّس: پاک و قابل احترام دانسته شده از نظر مذهبی

۲- پهلوانی: داشتن اخلاق‌هایی مانند شجاعت و قدرتمندی

۳- جوانمردی: داشتن اخلاق‌های خوبی مانند کمک به دیگران و گذشت.

۴- گنبد: سقف بزرگ به شکل نیم‌گِره که معمولاً سقف مسجدها را به این شکل می‌سازند.

۵- گود (gowd): در زورخانه، محل اصلی ورزش به شکل پنج، شش یا هشت ضلعی که معمولاً پایین‌تر از سطح زمین است و بالای آن سقف بلند و گنبدی شکلی قرار دارد و ورزشکاران در آن تمرین و ورزش می‌کنند.



ورزش برای ایرانیان مُقَدَّس است.

ورزشکاران گاهی اوقات در زورخانه جشن هم می‌گیرند. این جشن برای پهلوانان باتجربه است، ولی گاهی اوقات هم با این جشن برای پهلوانانی که درآمد کافی ندارند و نمی‌توانند زندگی خود را اداره کنند، پول جمع می‌کنند و با این کار به آنها کمک می‌کنند.

بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟

برای این که وقتی تماشاچیان به داخل زورخانه می‌آیند، برای احترام به پهلوانان خم شوند.

۲. ؟

نه، فقط مردان در زورخانه ورزش می‌کنند.

۳. ؟

بیشتر شعرهای مذهبی می‌خواند.

۴. ؟

این جشن برای پهلوانان باتجربه است، ولی گاهی اوقات هم با این جشن برای پهلوانانی که درآمد کافی ندارند و نمی‌توانند زندگی خود را اداره کنند، پول جمع می‌کنند.



دعوتِ دوستانه



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما برای کارهای معمولی خود در طول یک روز به چه جاهایی می‌روید؟
۲. آیا در شهر شما مراکزهای خرید کافی وجود دارد؟
۳. شهر شما چقدر جمعیت دارد؟
۴. شهر شما در کدام قسمت از کشورتان است؟
۵. برای رفت و آمد در شهر از چه وسیله‌ای استفاده می‌کنید؟

واژه‌های جدید

آپارتمان	جمعیت	شمال	مترو
آشنا کردن	جنوب	شناختن	محلّه
آلوده	چهارراه	شهر	مرکز
بازار	خشکشویی	فرنگی	موزه
بازار روز	خیابان	فروشنده	
بقالی	داروخانه	کاخ	
تجارت	رفاه	کوچه	

دعوتِ دوستانه

دیوید یکی از دوستان علی ماه آینده به تهران می‌آید و می‌خواهد در دانشگاه تهران درس بخواند. او برای اولین بار به ایران می‌آید و اصلاً این شهر را نمی‌شناسد. پس علی با نوشتن یک نامه او را با این شهر بزرگ آشنا می‌کند.

دیوید عزیز،

سلام. حالت چطور است؟ خیلی خوشحال هستم که به ایران می‌آیی. تهران پُرجمعیت‌ترین شهر ایران و پایتخت آن است. در این شهر، هوا کمی آلوده است، ولی مردم رفاه بیشتری دارند. بیشتر سازمان‌ها و اداره‌ها در تهران هستند. مهم‌ترین مرکز تجارت ایران، بازار تهران است. بازار تهران در مرکز شهر است. دانشگاه‌های مشهور و بزرگ ایران هم در این شهر هستند. بعضی از موزه‌ها و کاخ‌ها در شمال و بعضی از آن‌ها در مرکز هستند.

در همه‌ی محله‌ها امکاناتی مثل نانوايي، سوپر، بقالی، داروخانه، خشکشویی و روزنامه‌فروشی وجود دارد. حتی صبح‌ها سر بعضی از چهارراه‌ها وقتی پشت چراغ قرمز هستی، می‌توانی روزنامه بخری و وقت خودت را با روزنامه خواندن پُر کنی. در هر محله یک بازار روز میوه هم هست که قیمت میوه‌ها در بازار روز، ارزان‌تر از میوه‌فروشی‌های دیگر است.



راندگی در تهران خیلی سخت است، بنابراین برای رفت و آمد می‌توانی از مترو و اتوبوس و تاکسی استفاده کنی.

مردم تهران بیشتر در آپارتمان زندگی می‌کنند. خانه‌ها در شمال شهر بزرگ‌تر و گران‌تر از مرکز و

جنوب است و در شمال شهر، مردم کمتر با همسایه‌ها رفت و آمد می‌کنند.

خیابان‌ها به‌غیر از روزهای تعطیل همیشه شلوغ هستند. رستوران‌ها در تهران زیاد و بعضی از آنها خیلی لوکس هستند و قیمت غذاها در آنها گران‌تر است. در بعضی از رستوران‌ها غذاهای سنتی و در بعضی غذاهای فرنگی مثل غذاهای هندی، چینی، ایتالیایی و ... می‌فروشند. من مطمئنم از این رستوران‌ها خوشت می‌آید.



نوشتن و حرف زدنِ تهرانی‌ها باهم
فَرَق دارد؛ یعنی چیزی که می‌نویسند با
چیزی که می‌گویند فَرَق دارد. مثلاً
می‌نویسند: «خانه»، ولی وقتی حرف
می‌زنند، می‌گویند: «خونه» ...
منتظر دیدن تو در تهران هستم.

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درست را با حرف «د» و پاسخ نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. دانشگاه‌های مِهَمِ ایران در تهران نیستند.
۲. بیشترِ سازمان‌ها و اداره‌ها در تهران هستند.
۳. قیمتِ میوه‌ها در بازارِ روزِ ارزان‌تر است.
۴. خیابان‌های تهران همیشه شلوغ هستند.
۵. همه‌ی رستوران‌های تهران غذاهای خارجی می‌فروشند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دیوید ماه آینده به ایران می‌آید؟

.....

۲. علی چگونه دیوید را با تهران آشنا می‌کند؟

.....

۳. در محله‌های تهران چه امکاناتی وجود دارد؟

.....

۴. مردم تهران برای رفت و آمد از چه وسیله‌هایی استفاده می‌کنند؟

.....

۵. در رستوران‌های تهران چه غذاهایی فروخته می‌شود؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------|--------------|
| □ الف) جایی که در آن میوه فروشی‌های زیادی هست و میوه‌ها ارزان‌تر هستند. | ۱. چهارراه |
| □ ب) مجموعه‌ی وسایل و شرایط مناسب برای انجام کاری | ۲. بازار روز |
| □ ت) دوست داشتن | ۳. رفت و آمد |
| □ ث) جایی که دو خیابان همدیگر را قطع می‌کنند. | ۴. خوش آمدن |
| □ ج) رفتن و برگشتن | ۵. رفاه |
| □ چ) جایی که فروشگاه‌های زیادی با کالاهای مختلف وجود دارد. | ۶. امکانات |
| □ ح) راحتی یا آرامش | ۷. مرکز خرید |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - آمدن - زدن

- | | | |
|-------------|------------|------------------|
| پیدا: | خوش: | آشنا: |
| | حرف: | رفت و آمد: |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.

ت) درباره‌ی امکانات شهری چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی بخش‌های مختلف شهر چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی جمله‌های زیر را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

داروخانه - موزه - رفاه - آپارتمان - مُنْتَظِر - پایتخت - پُرْجَمَعِیْت

۱. بَعْدَاد عِرَاق وترین شَهْرِ این کِشُور است.
۲. روستاهای ایران کمتر از شَهْرها دارند.
۳. چرا دیر آمدی؟ من از ساعتِ ۳ تا ۵ روزه روی دانشگاه تو بودم.
۴. مادَرَم دیشب سَرْدَرْد داشت، برای همین به رفتم و دارو خریدم.
۵. من در خودم وِرْزِش می‌کنم.
۶. وقتی خَارْجِی‌ها به ایران می‌آیند، مَعْمُولاً اوّل برای دیدن چیزهای قَدیمی و تاریخی به می‌روند.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

پُر کردن - آشنا کردن - خوش آمدن - رفت و آمد کردن - نوشتن

۱. قبلاً دوستم من را با این کتاب
۲. شما قبلاً همیشه با مترو، چرا حالا از اُتوبوس استفاده می‌کنید؟
۳. لطفاً اسْمَت را بالای ورقه‌ات
۴. او پیش از این اصلاً از غذاهای خَارْجِی، ولی حالا بعضی وقت‌ها عَزای خَارْجِی هم می‌خورد.
۵. چرا برای وَقْتت در اُتوبوس روزنامه نمی‌خوانی؟

ح) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

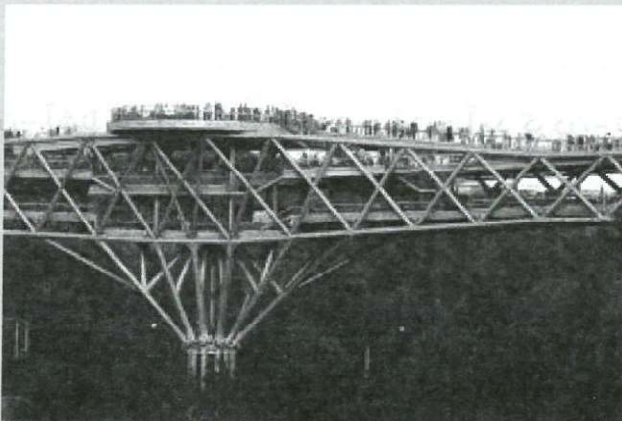
۱. تهران شلوغ‌ترین شهر ایران است.....
۲. مردم تهران راحتی بیشتری دارند.....
۳. دیوید یک ماه دیگر به ایران می‌آید.....
۴. بعضی از موزه‌ها در بالای شهر و بعضی در وسط شهر هستند.....
۵. خیابان‌ها به جُز روزهایی که همه جا بسته است، شلوغ هستند.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

دراخبار اینترنت خواندم که می‌خواهند بهترین شهردار جهان را انتخاب کنند. شهر ما یک شهردار فعال و باتجربه داشت. ما دوست داشتیم او انتخاب شود، بنابراین نامه‌ای در اینترنت نوشتیم و شهردار شهرمان را معرفی کردیم.

شهردار شهر ما چهار سال پیش انتخاب شد. وقتی او شهردار شد، دوست داشت شهر کوچک و قدیمی ما یک شهر جهانگردی شود، بنابراین تصمیم گرفت خانه‌ها و پل‌های قدیمی شهر را بازسازی کند.^۱ او در پارک‌ها و فضاهای سبز شهر، ساختمان‌هایی مانند ساختمان‌های قدیمی ساخت و در آن ساختمان‌ها مجسمه‌هایی درست کرد که وقتی آنها را می‌دیدیم، می‌فهمیدیم مردم در زمان‌های قدیم چگونه زندگی می‌کردند. کنار رودخانه‌ی وسط شهر، رستوران‌هایی به شکل قایق ساخت که در آنها کارمندان و کارگران رستوران با لباس‌های سنتی کار می‌کردند. همین‌طور از ساختمان‌های قدیمی شهر برای ساختن هتل



استفاده کرد. در همه‌ی مغازه‌ها و مراکزهای خرید، گل‌های رنگارنگی کاشت و دو طرف پل‌های عابر و پله‌های آنها را هم با گل تزئین کرد.

او دوست نداشت شهر، ترافیک داشته باشد، بنابراین در بیرون شهر چند فرهنگسرا^۲ و پارک ساخت که

مردم برای تفریح و مطالعه و... به خارج از شهر هم بروند و ترافیک شهری کمتر بشود. بعضی از این فرهنگسراها کاملاً پیشرفته بودند، مثلاً در بخشی از یک فرهنگسرای کاملاً جدید، با استفاده از مجسمه‌های کارگر به مردم نشان می‌دادند که با زباله‌های^۳ شهری چه کار می‌کنند، چگونه و در کجا از آنها دوباره استفاده می‌کنند.

۱ - بازسازی کردن: دوباره ساختن چیزی که از بین رفته یا خراب شده است.

۲ - فرهنگسرا: مؤسسه‌ای با امکانات آموزشی که برای آموزش هنر یا ادبیات، یا اجرای برنامه‌های فرهنگی ساخته می‌شود.

۱ - زباله = آشغال

شهردارِ جدید، هم شکلِ قدیمیِ شهر را نگه داشته بود، هم شهر را پیشرفته کرده بود. یک هفته بعد از نامه‌ی ما، جوابِ نامه‌مان را دادند. مُتأسفانه ما نمی‌توانستیم او را برای بهترین شهردارِ دُنیا انتخاب کنیم، چون شهردارهای شهرهای کوچک نمی‌توانستند در این مُسابقه شرکت کنند و این مُسابقه مخصوص شهرهای بزرگ بود.

بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (چهار دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده‌است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده‌است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟
از ساختمان‌های قدیمی برای ساختن هتل استفاده کرد.
۲. ؟
چون دوست نداشت شهر، ترافیک داشته باشد.
۳. ؟
چون شهردار شهرهای کوچک نمی‌توانستند در این مُسابقه شرکت کنند.





بخش اول

در جمله‌های زیر واژه‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، چه معنایی دارند؟ گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

۱. غذاهای این کشور با کشور من مُتفاوت هستند.
الف) کمی مثل هم هستند (ب) فرق دارند (ج) یک جور هستند
۲. من به دوستم پیشنهاد دادم، با هم به سفر برویم.
الف) نظرم را گفتم (ب) چند بار گفتم (ج) تعارف کردم
۳. دوستم به من گفت: «این لباس سُرْمه ای به تو نمی آید».
الف) تورا زیبا نمی کند (ب) برای تو گشاد است (ج) سِنِّ تو را بالا می برد
۴. کارگرهای خِیاط از اخْتِراعِ چَرخِ خِیاطی خوشحال نبودند.
الف) استفاده کردن (ب) اولین بار ساخته شدن (ج) ساختن و استفاده کردن
۵. بَچّه‌های کِلّاس ما در اوقات فراغت به استخر می روند.
الف) وقت آزاد (ب) روزهای تعطیل (ج) تفریح و گردش
۶. پدربزرگ اصرار می کرد، من ورزش کنم.
الف) خواهش می کرد (ب) می خواست (ج) پافشاری می کرد
۷. وقتی مدرسه‌ها تعطیل می شدند، من بال در می آوردم.
الف) کارم زیاد می شد (ب) خوشحال می شدم (ج) تلاش می کردم
۸. دوستم همیشه با صدای بلند درس می خواند. این کار او همیشه من را اذیت می کرد.
الف) من را ناراحت می کرد (ب) به من کمک می کرد (ج) برای من مفید بود
۹. من و دوستم همیشه کارهایمان را باهم نِصف می کردیم.
الف) تقسیم می کردیم (ب) تمرین می کردیم (ج) انجام می دادیم
۱۰. کار قبلی من خیلی پُر دَر دِسر بود، بنابراین آن را عَوَض کردم.
الف) حقوق کمی داشت (ب) سخت بود (ج) مشکلات زیادی داشت
۱۱. قطارهای این ایستگاه همیشه تأخیر دارند.
الف) دیر می آیند (ب) خراب هستند (ج) قدیمی هستند

۱۲. ما قَبْلَ از مُسافِرَت همیشه هُتِل رَزرو می‌کنیم.
 الف) از قَبْل در هُتِل اُتاق می‌گیریم
 ب) آدِرِسِ یک هُتِل را می‌گیریم
 ج) به یک هُتِل زَنگ می‌زنیم
۱۳. در مَوْقِعِ خَطَرِ مِهماندارهای هَوایِما باید به مُسافِرِها کُمک کنند.
 الف) کسانِی که در آژانِس‌های مُسافِرَتِی کار می‌کنند
 ب) کسانِی که در یک شِرکَتِ هَوایِما کار می‌کنند.
 ج) کسانِی که در داخِلِ هَوایِما از مُسافِرِها پَذیرایی می‌کنند.
۱۴. مادربزرگ همیشه برای ما دُعا می‌کرد.
 الف) از خُدا کُمک می‌خواست
 ب) از خانوادِه کَمک می‌خواست
 ج) کارهای زیادی می‌کرد
۱۵. وقتِی مَریض می‌شوم، اِشْتِهای خوبی ندارم.
 الف) تَب دارم ب) ناراحت هستم
 ج) نمی‌توانم غذا بخورم
۱۶. من اصلاً دوست ندارم در اُتاقِ اِنْتِظار بنشینم.
 الف) جایی که بیماران، برای مُعاینه‌ی پَزِشکی می‌روند
 ب) جایی که بیماران، برای رفتن به اُتاقِ دُکُتَر مُنْتَظِر می‌مانند
 ج) جایی که برای آزمایشِ پَزِشکی می‌روند
۱۷. او دیشب با دیدنِ یک موش در اُتاقش غَش کرد.
 الف) فَریاد زد ب) از هوش رفت ج) فَرار کرد
۱۸. بچّه‌ی دوستم دیشب تَبِ بالایی داشت، بنابراین او را باهم به مَطَبِ دُکُتَر بُردیم.
 الف) سُرْفه می‌کرد ب) مَریض بود ج) دَمای بَدَنش بالا بود
۱۹. زُباله‌های شهری همیشه مُشکِلِ بزرگی برای شَهرداری‌ها هستند.
 الف) رَفَت و آمَد ب) سازمان ج) آشغال
۲۰. شَهردار تَصمِیم گرفت همه‌ی جاهای قَدیمی را بازسازی کند.
 الف) دوباره بسازد ب) رَنگ کند ج) تَعْمیر کند

۲۱. ورزش‌های سنگین برای افراد بیمار ضرر دارد.

(الف) جالب نیست (ب) مفید است (ج) بسیار بد است

بخش دوم

یکی از واژه‌ها در گروه خودش نیست، روی آن خط بکشید.

نمونه: در زمستان لباس‌هایی مانند پالتو / چکمه / شال / تی شرت مناسب هستند.

۱. همه‌ی آدم‌ها در دوره‌های مختلف زندگی‌شان، مانند کودکی / نوجوانی / دانشجویی / پیری مثل دوره‌ی قبلی فکر نمی‌کنند.
۲. در این بازار، پارچه‌های مختلفی مانند پارچه‌های نخی / پشمی / ابریشمی / خاکستری وجود دارند.
۳. در این آموزشگاه هنری کلاس‌های خیاطی / قالی‌بافی / ورزش / نقاشی برگزار می‌شود.
۴. این شرکت هواپیمایی چند مهماندار / خلبان / کارمند آژانس هواپیمایی / راننده‌ی تاکسی استخدام کرد.
۵. در فرهنگسرا / ورزشگاه / آموزشگاه / مجموعه‌ی فرهنگی کلاس‌های آموزش هنری و علمی برگزار می‌شود.
۶. راننده‌ی تاکسی همیشه با عجله / به موقع / دیر / خوشحال می‌آید.
۷. آنها برای مسافرتشان بلیت / چمدان / هتل / وسایل سفر تهیه کردند.
۸. نویسنده‌ها / شاعرها / ورزشکاران / دانشجویان ادبیات در کلاس‌های شعر شرکت می‌کردند.
۹. وقتی پیش دکتر می‌روم، باید دارو / آمپول / قرص / شربت‌هایم را به موقع بخورم.
۱۰. شهردار پل‌ها / رستوران‌ها / ساختمان‌ها / کتاب‌های قدیمی را بازسازی کرد.
۱۱. ورزش، اندام / سلامتی / بدن / پوست انسان را زیبا می‌کند.
۱۲. شهردار برای زیبا شدن شهر مجسمه‌ها / گل‌ها / ساختمان‌ها / اداره‌های جدیدی در شهر ساخت.

بخش سوم

جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

الف) اِخْتِلاف - اِخْتِلاف داشتن - مختلف

۱. او به خاطر با پدرش، از خانه رفت.
۲. دانشجوهای زیادی از کشورهای دنیا به این دانشگاه می‌آیند.
۳. من و دوستم همیشه باهم

ب) اِخْتِراع - اِخْتِراع کردن - مخترع

۱. وسیله‌های جدید به پیشرفتِ دُنیا کُمک می‌کند.
۲. دانشمندان هر روز وسایلِ جدیدی
۳. ادیسون برق است.

پ) خِیَاط - خِیَاطی - خِیَاطی کردن

۱. مادرِ من است. او همیشه لباس‌های من را می‌دوزد.
۲. کارگرها در این کارگاه روزی ۸ ساعت
۳. دیروز برای دوختنِ لباس‌هایم به رفتم.

ت) پِیْشَنهاد - پِیْشَنهاد دادن

۱. من اُستادَم را برای سَفَرِ قَبول کردم.
۲. دیروز آنها به ما که برای تعطیلات به شهرشان برویم.

ث) اِصْرار - اِصْرار کردن

۱. بچه‌ها برای رفتن به تعطیلات، به پدرشان که به شمالِ کِشور بروند.
۲. دوستم به خاطر من این غذا را خورد.

ج) اَذِیت - اَذِیت کردن

۱. دوستم به خاطر های همسایه‌اش از این خانه رفت.
۲. در تابستان هوای کثیفِ شهر، همه را

چ) شِرکَت - شِرکَت کردن

۱. مادر می‌گوید: «همه باید در کارهای خانه
۲. ما در یک خارجی کار می‌کنیم.

ح) اِنْتِخَاب - اِنْتِخَاب کردن

۱. او برای من یک هدیه‌ی زیبا آورد. من از او خیلی خوشحال شدم.

۲. ما برای مُسافِرَت، شهرِ کرمان را

خ) تَأْخِير - تَأْخِير داشتن

۱. مُدیرِ مَدْرَسه او را به خَاطِرِ هایش اِخْرَاج کرد.

۲. دیروز به خاطر وضعِ بدِ هوا بیشتر پروازها

د) تَجْرِبَة - بَاتَجْرِبَة - تَجْرِبَة داشتن

۱. پَدْرَبزرگ دوست دارد ازهای جوانی‌اش برایمان خَرَف بزند.

۲. اُسْتادَم در کارش خیلی

۳. من دوست دارم با آدم‌های کار کنم.

ذ) اَزْمَایِشْگَاه - اَزْمَایِش - اَزْمَایِش دادن

۱. او نتیجه‌یهای خودش را به دُکْتَرِ نِشان داد.

۲. دُکْتَر به او گفت به نزدیکِ بیمارستان برود.

۳. خواهر کوچکم هر وقت بیمار می‌شود و می‌خواهد نگران می‌شود.

ر) نِگْران - نِگْرائی - نِگْران بودن

۱. دیشب همه هَواپِیما به موقع پرواز نکند.

۲. من از آنها برای مُسافِرَت فَردا خیلی تَعَجُّب کردم.

۳. برای اِمْتِحان‌ها نباید باشید.

ز) مُرَخَّص شدن - مُرَخَّص کردن - مُرَخَّصی

۱. کارمندان برای با رئیسِ اِداره صُحْبَت کردند.

۲. پزِشک دوست دارد خیلی زود بیمارانی را که خوب شده‌اند

۳. بیمار حالش خوب شده بود. پزِشک گفت می‌تواند

ژ) اِطْمِینان - اِطْمِینان داشتن

۱. من از او به خودم خیلی خوشحال شدم.

۲. ما به کار این کارگِرمِان



باغ وحش



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. آیا حیوان خانگی دارید؟
۲. کدام حیوان را بیشتر دوست دارید؟
۳. از چه حیواناتی می‌ترسید؟
۴. در کشور شما، مردم بیشتر از چه حیواناتی نگهداری می‌کنند؟
۵. در کشور شما بیشتر چه حیواناتی وجود دارد؟

واژه‌های جدید

آهلی	به همراه	راه رفتن	قفس
باغ وحش	پرنده	زرّافه	مُسابقه
ببر	پس گرفتن	شیر	میمون
برداشتن	پلنگ	ظاهر کردن	میله
بُردن	خنده‌دار	عکس گرفتن	ناگهان
به طرف	دوربین	فیل	وحشی

باغ وحش

مُعَلِّم‌ها می‌خواستند دَانِش‌آموزان را به باغِ وَحْش ببرند. چهل دَانِش‌آموز به‌همراهِ دو مُعَلِّم به باغِ وَحْش رفتند. بچه‌ها از اُتوبوس پیاده شدند. یکی از مُعَلِّم‌ها مُوَظِبِ بچه‌ها بود و یکی دیگر برای بچه‌ها بلیت خرید. دَانِش‌آموزان واردِ باغِ وَحْش شدند. در آنجا حیواناتِ اهلی و وَحْشی در قَفَس‌ها بودند. بچه‌ها با خوشحالی دورِ قَفَسِ آنها جمع می‌شدند و عکس می‌گرفتند. صِدای حیواناتِ مُخْتَلَفی می‌آمد. صِدای شیر، ببر، پلنگ، فیل، زرافه و پَرندگانی مُخْتَلَف، مثلِ بُلْبُل، طاووس و ... بچه‌ها به‌طَرَفِ قَفَسِ میمون‌ها رفتند. میمون کوچولو داشت توی قَفَس کارهای بامزه‌ای می‌کرد و همه به کارهای او می‌خندیدند. پیام، یکی از دَانِش‌آموزان هم داشت از آنها عکس می‌گرفت. ناگهان دوربین پیام اُفتاد کنارِ قَفَسِ میمون‌ها و میمون کوچولو در یک لحظه دوربین را برداشت و توی قَفَس بُرد.



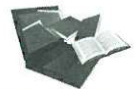
پیام هرکاری کرد نتوانست آن را بگیرد، برای همین به دَفْتَرِ باغِ وَحْش رفت و گفت: «دوربینم را یکی از میمون‌ها گرفته است و من نمی‌توانم آن را پس بگیرم». یکی از کارگرهای باغِ وَحْش واردِ قَفَسِ شد و دوربین را از میمون گرفت و به پیام داد.

پیام دوربین را به عکاسی بُرد و عکس‌ها را ظاهر کرد. چه عکس‌های خنده‌داری! توی عکس، بچه‌ها زبانشان را برای میمون‌ها دَرآورده بودند و می‌خندیدند. دُخْتَرِ کوچولویی داشت به‌طَرَفِ میمون‌ها موز پرتاب می‌کرد. جلوی همه‌ی عکس‌ها میله‌های قَفَس بود، مثل این بود که آدم‌ها توی قَفَس بودند، برای همین عکس‌ها خیلی خنده‌دار بودند. در یکی از عکس‌ها هم پیام داشت گریه می‌کرد، چون می‌خواست دوربینش را بگیرد. در بیشترِ عکس‌ها، یکی از گوش‌های میمونِ مادر پیدا بود؛ چون میمون روی شانه‌ی مادرش نشسته بود.

در مدرسه مسابقه‌ی عکاسی بود و عکس‌های زیادی روی دیوار بود، ولی از بین همه‌ی آنها عکس‌های پیام اول شدند و مدیر مدرسه به پیام یک دوربین عکاسی مدل جدید جایزه داد.

خلاصه‌ای از داستان "باغ وحش" نوشته "هوشنگ مرادی کرمانی"

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درست را با حرف «د» و پاسخ نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. دانش‌آموزان وقتی از اتوبوس پیاده شدند، بلیت خریدند.

۲. وقتی پیام عکس می‌گرفت، همه به او می‌خندیدند.

۳. بچه‌ها دور قفس حیوانات جمع می‌شدند و عکس می‌گرفتند.

۴. وقتی دوربین پیام افتاد، یکی از میمون‌ها دوربین او را برداشت.

۵. عکس‌های پیام، بهترین عکس‌های مسابقه بودند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. در باغ وحش چه حیواناتی بودند؟

.....

۲. چرا عکس‌هایی که پیام گرفته بود، خنده‌دار بودند؟

.....

۳. وقتی پیام نتوانست دوربین را از میمون بگیرد، چه کار کرد؟

.....

۴. چرا در بیشتر عکس‌ها گوش میمون مادر پیدا بود؟

.....

۵. مدیر مدرسه به پیام چه جایزه ای داد؟

.....





بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|---------------|------------------------------------------------------|
| ۱. ناگهان | <input type="checkbox"/> الف) یک‌دفعه |
| ۲. بامزه | <input type="checkbox"/> ب) انداختن |
| ۳. وارد شدن | <input type="checkbox"/> پ) هدیه برای کار خوب و عالی |
| ۴. پرتاب کردن | <input type="checkbox"/> ت) بیرون آوردن |
| ۵. در آوردن | <input type="checkbox"/> ث) به جایی داخل شدن |
| ۶. جایزه | <input type="checkbox"/> ج) جالب / دوست‌داشتنی |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - رفتن - شدن - کردن

- | | | |
|--------------|--------------|---------------|
|: ظاهر: |: راه: |: عکس: |
|: پس: |: وارد: |: گریه: |
| |: اول: |: پرتاب: |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.

ت) درباره‌ی حیوانات چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....
.....

ث) درباره‌ی صفت‌های مربوط به حیوانات چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد، آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

به طرف - مُسابقه - خنده‌دار - بامزه - عکاسی - اهلی

۱. بچه‌ها وقتی کوچک هستند، خیلی حرف می‌زنند.
۲. فیلمی که دیشب دیدیم، خیلی بود. همه از اوّل تا آخر فیلم می‌خندیدند.
۳. وقتی ایستگاه اتوبوس می‌رفتم، دوستم را دیدم.
۴. در ی والیبال، بچه‌های مدرسه‌ی ما برنده شدند.
۵. در باغ وحش، هم حیوانات وحشی وجود دارد و هم حیوانات
۶. خواهرم در دانشگاه، فیزیک می‌خواند، ولی به رشته‌ی علاقه دارد.

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

گریه کردن - عکس گرفتن - ظاهر کردن - پرتاب کردن - پس گرفتن - راه رفتن

۱. کتابم را به دوستم داده‌ام، امروز می‌خواهم آن را
۲. وقتی به مسافرت می‌رویم، خواهرم از منظره‌های زیبا و در خانه عکس‌ها را
۳. وقتی بچه بودم، دوست نداشتم تکلیف‌هایم را بنویسم، همیشه هنگام نوشتن تکلیف‌هایم
۴. میمون‌ها در باغ وحش پوست موزها را به طرف مردم
.....
۵. آنها برای رسیدن به قله‌ی کوه، سه ساعت

ح) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. بچه‌ها به سمت میمون‌ها موز می‌انداختند.....
۲. دانش‌آموزان آشغال‌ها را در سطل آشغال می‌انداختند.....
۳. دو نفر از دانش‌آموزان در مسابقه‌ی نقاشی برنده شدند.....
۴. وقتی بچه بودم، صبح‌ها با مادرم به مدرسه می‌رفتم.....



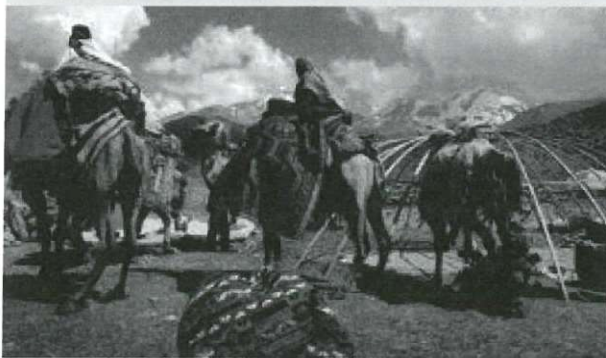
بخش سوم: خواندن بیشتر

زندگی در ایل^۱ سختی‌های زیادی دارد. عشایر، یعنی همان مردم ایل در تابستان‌ها به جاهای خنک و زمستان‌ها به جاهای گرم می‌روند و در چادر زندگی می‌کنند. آنها حیوانات مختلفی را نگه می‌دارند و از آنها در زندگی‌شان استفاده می‌کنند. مثلاً چادرهایشان را از پشم بز



می‌بافند و از شیر گاو و گوسفندهای خود ماست، پنیر، دوغ، کشک، کره و ... درست می‌کنند. همه‌ی افراد خانواده‌ی عشایری کار می‌کنند. آنها برای تهیه‌ی غذا از گوشت مرغ و خروس و گوسفندهایشان استفاده می‌کنند. گاهی اوقات حیواناتی مثل خرگوش یا بعضی

از پرنده‌ها را شکار می‌کنند. آسب و آلاغ هم وسیله‌ی رفت و آمد آنهاست.



اولین صدایی که هرروز خانواده‌ی عشایری می‌شنوند، صدای حرکت گله^۲ی گوسفندان و صدای سگ‌های گله است که به طرف کوه می‌روند. خانواده‌ی عشایری صبح خیلی زود بیدار می‌شوند، مردها صبح زود، گله را می‌شمرند، زن‌ها هم

صبح زود نان درست می‌کنند. اگر گاو داشته باشند صبح زود شیر گاوها را می‌دوشند تا

- ۱ - ایل: گروهی از مردم هم نژاد، که فرهنگ و اقتصاد مشترک دارند و معمولاً به صورت چادرنشینی زندگی می‌کنند.
- ۲ - گله: گروهی از جانداران، معمولاً چهارپایان که در یک جا جمع می‌شوند یا به چرای می‌روند.



ماست و کره و ... دُرُست کنند. وقتی صُبْحانه می‌خورند دَرباره‌ی کارهای آن روز هم، باهم صُحبت می‌کنند. بَعْد از صُبْحانه مَردها با آسب و اَلاغ به صَحرا می‌روند، یا به زَمین‌های کِشاورزی می‌روند. بعضی وقت‌ها هم برای خَرید به شَهر می‌روند. زَن‌ها هم خانه‌داری و خِیاطی و قالی‌بافی می‌کنند.

نزدیکِ غُرُوبِ آفتاب، گَلَه از کوه برمی‌گردد. شب‌ها سَگ‌های گَلَه، مُواظِبِ گَلَه هستند تا گُرگ آنها را نخورد یا کسی آنها را نَدُزدَد، چون مَرْدُمِ ایلِ بَدونِ حِیواناتِشان نمی‌توانند زندگی کنند.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ت) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟

آنها برای تهیه‌ی غذا، از گوشتِ مُرغ و خُروس و گوسفندهایشان استفاده می‌کنند.

۲. ؟

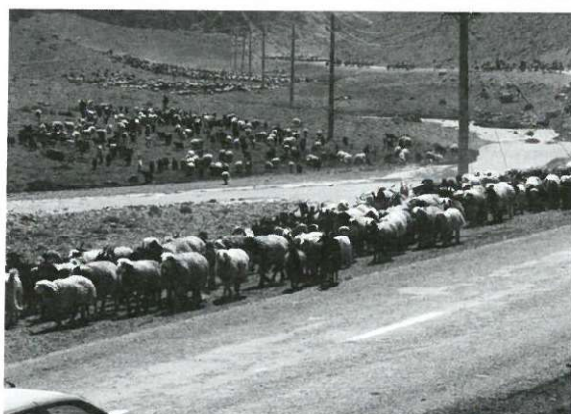
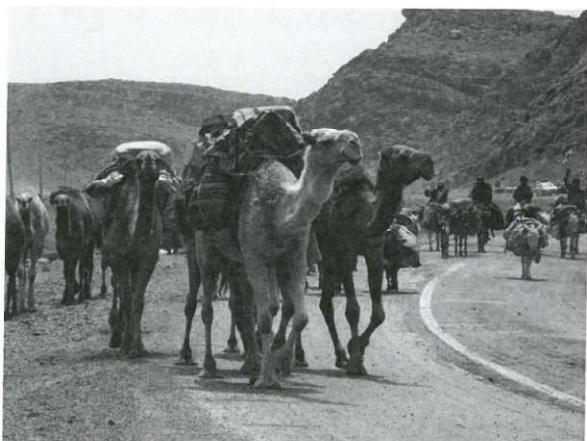
اولین صیدایی که هرروز خانواده‌ی عشاگیری می‌شِنَوند، صیدای حَرِکتِ گَلَه‌ی گوسفندان و صیدای سَگ‌های گَلَه است که به‌طَرَفِ کوه می‌روند.

۳. ؟

نزدیکِ غروبِ آفتابِ گله از کوه برمی‌گردد.

۴.؟

چون مردمِ ایل بدون حیواناتشان نمی‌توانند زندگی کنند.



سَفَر به آرگِ بَم



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما چند ساعت در هفته برای گردش به طبیعت می‌روید؟
۲. زیباترین چیزی که تا به حال در طبیعت دیده‌اید، چیست؟
۳. چه اتفاق‌های طبیعی‌ای را می‌شناسید؟
۴. کدام یک از اتفاق‌های طبیعی را از نزدیک دیده‌اید؟
۵. در مقابلِ هریک از اتفاق‌های طبیعی چه کار باید بکنیم؟

واژه‌های جدید

اتِّفاق	تاریخی	رَگبار	کوبیر
آرگ	توفان	زَلزله	گِردباد
آفسانه	خَرابی	سِیل	وَسایِل
باریدن	خُشک	فَصلی	
بَرنامه	خَطَرناک	قَدیمی	
به‌وُجود آمدن	خیال	قَلعه	

سَفَر به آرگِ بَم

همیشه در برنامه‌های تلویزیونی، آرگِ بَم را می‌دیدم. آرگِ بَم یک قلعه‌ی تاریخی بزرگ و قدیمی بود. خیلی دوست داشتم آنجا را ببینم و در کوچه‌های قدیمی آن راه بروم. می‌خواستم بدانم مردم در زمان قدیم چگونه زندگی می‌کردند، چه می‌خوردند و چه می‌پوشیدند؟

شهرِ بَم خشک‌ترین شهرِ گویرِ لوت است و آرگِ بَم در نزدیکی آن است. این گویر بسیار خشک است. بعضی از مردم گویر می‌گویند این گویر خشک‌ترین جای دنیاست و درباره‌ی آن افسانه‌های زیادی گفته‌اند. در گویرِ لوت، بسیار کم باران می‌بارد و وقتی باران می‌بارد، سیل می‌آید. بیشتر باران‌ها به شکلِ رگبار است. این باران‌ها دریاچه‌های فصلی دُرُست می‌کنند. توفان‌های گویری هم بسیار خطرناک هستند. گاهی هم وقتی گردبادهای بزرگ گویری به شهرها یا روستاها می‌رسند، همه‌چیز را خراب می‌کنند. شهرهای گویر و زیبایی‌هایشان برای من خیلی جالب هستند. سختی‌های زندگی در گویر، مردم را از این شهرها دور نکرده است. مردم مشکلاتِ گویر را قبول کرده و به زندگی در آن عادت کرده‌اند و آن را دوست دارند.

یک روز وسایل سفر را آماده کردم. بلیت خریدم و یک اتاق در یک هتل رزرو کردم، اما دو روز مانده به مسافرتم خبر تلخی از تلویزیون شنیدم که همه‌ی برنامه‌های من را خراب کرد. در تاریخ پنجم دی ماه هزار و سیصد و هشتاد و دو، زلزله‌ی شدیدی شهرِ بَم را خراب کرد. این اتفاق بزرگ برای همه‌ی مردم ایران تلخ و سخت بود. دیگر دوست نداشتم به آنجا بروم. دوست نداشتم خرابی‌های آنجا را ببینم، اما بعد از دو روز تصمیم گرفتم به این شهر بروم و به مردم آنجا کمک کنم.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. نویسنده ارگِ بم را در بچگی دیده بود.
۲. نویسنده دوست داشت شهرِ بم را ببیند.
۳. در گویرِ لوت باران‌های فصلی می‌بارد.
۴. نویسنده قبل از زلزله به بم رفت.
۵. بعد از زلزله نویسنده برای کمک به سیل‌زدگان بم به آنجا رفت.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا نویسنده می‌خواست ارگِ بم را ببیند؟

.....

۲. مردمِ دربارهِ گویرِ لوت چه می‌گویند؟

.....

۳. دریاچه‌های فصلی چطور دُرُست می‌شوند؟

.....

۴. چرا شهرهای گویری برای نویسنده جالب هستند؟

.....

۵. چه چیزی برنامه‌ی سفرِ نویسنده را خراب کرد؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. وسایلِ سفر □ الف) زمینِ بی‌آب با خاکِ شور که برای کشاورزی خوب نیست.
۲. خَبَرِ تلخ □ ب) داستان‌هایی که واقعی نیستند.

۳. سیل پ) دریای کوچک / حَجَم زیادی از آب که به دریا راه ندارد.
۴. رَگبار ت) بالا آمدن و رسیدنِ ناگهانی آب به خُشکی
۵. دریاچه ث) خَبَری که ما را ناراحت می‌کند.
۶. گَویر ج) بارانِ ناگهانی و تَند هَمراه با توفان
۷. افسانه چ) چیزهایی که برای سَفَر لازم است.

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

آمدن - کردن - باریدن

سیل:
 قبول:
 باران:

دُرُست:
 خراب:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.

ت) درباره‌ی طبیعت چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

تاریخی - فصلی - خرابی - خَطَرناک - زلزله - بَرنامه - افسانه

۱. صُحبت کردن زیاد با موبایل مثل سیگار کشیدن است.
۲. یکی از اِتِّفاق‌های طَبِیعی است.

۳. به خاطر تلفن نتوانستم با پدر و مادرم حرف بزنم.
۴. شروع بهار برای بعضی از مردم، زمان شروع حساسیت (آلرژی) های است.
۵. آیا برای سال جدید ی خاصی دارید؟
۶. مردم شنیدن های قدیمی را خیلی دوست دارند.
۷. تخت جمشید یکی از مکان های ایران است.

ج) جاهای خالی را با فعل مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

باران باریدن - سیل آمدن - خراب کردن - درست کردن - دور کردن - دیدن

۱. در بهار، وقتی باران می بارد برف ها آب می شوند و ممکن است
۲. سال گذشته هروقت به شمال می رفتیم،، برای همین همیشه با خودمان چتر می بردیم.
۳. در را باز کن و چه کسی پشت در است؟
۴. دیروز به بازار رفتم، سبزی خریدم و شام، سبزی پلو با ماهی
۵. برای میکروب ها از بدن، قبل از غذا خوردن، دست های تان را بشوید.
۶. خوردن شیرینی زیاد، دندان ها را

چ) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی گردند؟

۱. دیشب همه ی چیزهایی که برای مسافرت لازم است را آماده کردم.....
۲. زلزله ی شهر بم همه جا را ویران کرد.....
۳. شنیدن خبر سیل پاکستان برای همه ناراحت کننده بود.....
۴. شهری که من در آن زندگی می کنم، قشنگی های زیادی دارد.....

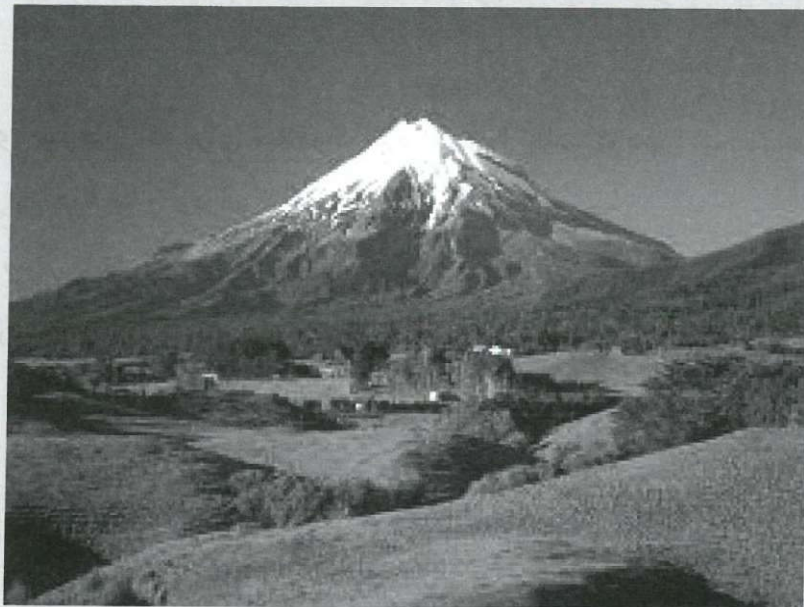


بخش سوم: خواندن بیشتر

در افسانه‌های قدیمی ایران می‌خوانیم که خُدا قَبَل از هر چیز کوه‌ها را دُرُست کرد. اَوَّلین کوه‌ها در این افسانه‌ها کوه‌های اَلْبُرز هستند. هَشْتَمَد سال طول کشید تا اَلْبُرز از زمین بیرون آمد. ریشه‌های اَلْبُرز در همه‌جای زمین وجود دارند.

مُهَم‌ترین کوه اَلْبُرز، دَماوند است. اَوَّلین انسان روی رَمین؛ یعنی کیومرث در دَماوند زندگی می‌کرد. شَهر دَماوند نزدیک‌ترین شَهر به کوه دَماوند است. کوه دَماوند در زَمان‌های قدیم آتَش‌فِشانی بوده‌است. طَبِیعتِ مَنطَقه‌ی دَماوند بسیار زیباست و دَشت‌ها و رودهای اطراف آن هم بسیار زیبا هستند.

هر سال کوهنوردان داخلی و خارجی برای کوهنوردی و دیدن زیبایی‌های طَبِیعتِ دَماوند به آنجا می‌روند. دَماوند به‌خاطر شِکلِ مَخْصوصی که دارد، بسیار زیباست. کوهنوردی در دَماوند خَطرات زیادی دارد، خَطراتی مثل تَگَرگ، باران، بَهمَن و بَرَفِ سَنگین. اَلبَته کسانی که به کوهنوردی در دَماوند و کوه‌های بزرگ عادت دارند، می‌دانند در مَوقِعِ خَطَر چه کارهایی باید بکنند. مَسافِرَت از کِنارِ کوه دَماوند به‌طَرَفِ شَمالِ ایران بسیار جالب است؛ چون بعد از گُذشتن از مَنطَقه‌ی کوهستانی و زیبای دَماوند به مَنطَقه‌ی مَرطوب و سَبزِ شَمالِ ایران می‌رسیم.



بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

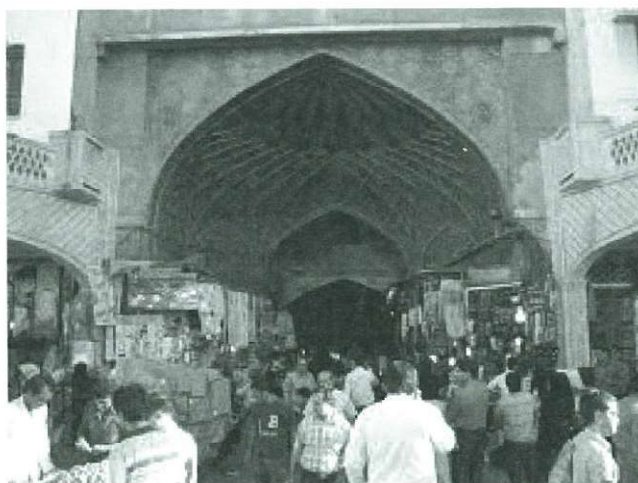
الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟
شهر دماوند نزدیک‌ترین شهر به کوه دماوند است.
۲. ؟
خطراتی مثل تگرگ و باران و برف سنگین .
۳. ؟
چون بعد از گذشتن از منطقه‌ی کوهستانی و زیبای دماوند به منطقه‌ی مرطوب و سبز شمال ایران می‌رسیم.



بازارِ تهران



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. آیا شما خرید کردن را دوست دارید؟
۲. معمولاً در طول سال چه چیزهایی می‌خرید؟
۳. شما دوست دارید از مراکزهای خرید جدید خرید کنید، یا از بازارهای قدیمی؟
۴. در شهر شما بازار قدیمی وجود دارد؟
۵. بازارهای قدیمی چه فرقی با مراکزهای خرید جدید دارند؟

واژه‌های جدید

ارتباط	تو در تو	فرهنگ	مجموعه
بازرگانی	تهیه کردن	قاجار	مخصوص
بخش	جهانگرد	قرار داشتن	مسجد
تاجر	راهرو	کاروانسرا	منطقه
تجارت	سلیقه	کالا	
تجاری	سیاست	مصرف کردن	

بازار تهران

بازار اصلی و بزرگ تهران در زمان قاجار دُرُست شده‌است. این بازار اکنون در مرکز شهر و در نزدیکی خیابان‌های مولوی و ناصرخُسرو قرار دارد. امروزه بازار تهران مجموعه‌ی بزرگی است. بازار تهران راهروهای تو در تو و بزرگی دارد که پُر از مغازه‌های مُختلِف است. این راهروها در همه‌جای بازار هستند. بازار تهران بخش‌های مُختلِفی دارد که در هر بخش، کالاهای مخصوصی می‌فروشند، مثلاً اگر کسی بخواهد کالای مخصوصی تهیه کند، می‌تواند به بخش مخصوص آن کالا برود و آن را تهیه کند. در سال‌های گذشته در تهران مرکزهای خرید زیادی ساخته‌اند، اما بازار تهران هنوز جای خود را دارد و یکی از بزرگ‌ترین مرکزهای تجاری ایران است.

تقریباً در همه‌ی شهرهای قدیمی و بزرگ ایران، بازارهایی مانند بازار بزرگ تهران وجود دارد. این بازارها از زمان‌های قدیم و حتی حالا، مرکزهای تجارت شهر و منطقه‌ی خود بوده و هستند. در کنار بیشتر بازارهای قدیمی شهر، یک مسجد و یک حَمّام قدیمی وجود دارد. در زمان‌های قدیم در کنار بازار کاروانسراهایی هم بود که اکنون تقریباً همه‌ی آنها در داخل مجموعه‌ی بازارها هستند. در زمان‌های گذشته، مسافران و تاجران در این کاروانسراها استراحت می‌کردند.

بازارهای قدیمی هر شهر، نه‌تنها مرکز تجارت و بازرگانی مردم، بلکه مرکز سیاست و فرهنگ و ارتباط‌های مردم هم بوده‌اند.

بازار هر شهر می‌تواند فرهنگ و سلیقه‌ی مردم آن شهر را نشان بدهد، به همین دلیل جهانگردان دوست دارند به بازار بروند؛ چون آنها از نزدیک می‌توانند مردم مُختلِف یک شهر را با سلیقه‌هایشان و نوع کالاهایی که مصرف می‌کنند، ببینند.



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. بازار بزرگِ تهران در شمالِ شهر است.

۲. مرکزهای خریدِ جدید، بزرگترین مراکز تجاری ایران هستند.

۳. تقریباً بیشترِ شهرهای بزرگ و قدیمیِ ایران، بازاری مانندِ بازارِ بزرگِ تهران دارند.

۴. بازارهای قدیمی نسبت به گذشته، کوچک تر شده‌اند.

۵. جهانگردان در کاروانسراها می‌توانند با فرهنگ و سلیقه‌ی مردمِ آن شهر آشنا بشوند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. بازارِ تهران کی درست شده‌است؟

.....

۲. بازارِ تهران کجاست؟

.....

۳. در کنارِ بازارهای قدیمی چه چیزهایی وجود دارد؟

.....

۴. آیا بازارهای قدیمی فقط محلی برای خرید و فروش کالا هستند؟

.....

۵. بازارِ تهران چه بخش‌هایی دارد؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. مجموعه الف) خرید و فروش

۲. کالا ب) کسی که به کشورهای مختلف جهان سفر می‌کند.



۳. تجارت پ) کارهای مربوط به اداره‌ی کشور و ارتباط آن با خارج
۴. منطقه ت) مجموعه‌ای از آداب، رسوم، هنر و روش‌های زندگی
۵. مسجد ث) دسته‌ای از افراد یا چیزها
۶. کاروانسرا ج) چیزی که می‌توانیم آن را بخیریم یا بفروشیم.
۷. فرهنگ چ) جایی که مسلمانان در آن نماز می‌خوانند یا مراسم دینی انجام می‌دهند.
۸. جهانگرد ح) بخشی از یک کشور، شهر، روستا و مانند آن
۹. سیاست خ) ساختمانی در بین راه‌ها که کاروان‌ها شب‌ها در آن جا اقامت می‌کردند.

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - دادن - داشتن

نشان: مصرف: استراحت:

تهیه: قرار:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.....
- ۲.....
- ۳.....
- ۴.....
- ۵.....

ت) درباره‌ی بازار چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

کالاها - تجاری - جهانگردان - فرهنگ - مجموعه - سلیقه - ارتباط

۱.ی من با تو در خرید لباس، خیلی فرق دارد. من معمولاً لباس‌های رنگ روشن و

- گُشاد می خرم، ولی تو لباس‌های رنگ تیره و تنگ می خری.
۲. روابط این دو کشور خیلی زیاد شده است.
۳. از چیزهایی که مردم می خرنند یا می فروشند، می توانیم بخشی از آن مردم را بفهمیم.
۴. فروشندوها به خاطر خرید و فروش، بیشتری با مردم دارند.
۵. شما نمی توانید این را در این بازار پیدا کنید.
۶. تعداد ی که به این کشور مسافرت می کنند، کم کم زیاد می شود.
۷. این بازار ای از فروشگاه‌های مخصوص فروش انواع میز و صندلی است.

ج) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

تهیه کردن - مصرف کردن - نشان دادن - قرار داشتن

۱. فروشگاه مخصوص کالاهای الکتریکی در وسط بازار
۲. من می توانم همه ی بخش های این بازار را به شما
۳. شما می توانید این لباس ها را از فروشگاه های اول بازار
۴. لطفاً کالاهای خارجی کمتر

چ) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی گردند؟

۱. تقریباً در همه ی شهرهای قدیمی یک بازار بزرگ هست.
۲. این بازار هنوز هم مهم است
۳. بازار بزرگ تهران یکی از مهم ترین مرکزهای بازرگانی ایران است
۴. این بازار خیلی نزدیک است، بنابراین ما همه چیز را از آن جا تهیه می کنیم
۵. توریست ها حتماً برای دیدن بازارها، به آن جا می روند
۶. در این قسمت از بازار شما می توانید کالایان را تهیه کنید



بخش سوم: خواندن بیشتر

در زمان‌های قدیم، مردم همه چیز را خودشان تهیه می‌کردند. زمان زیادی گذشت تا این که انسان به وسایل بیشتری برای زندگی احتیاج پیدا کرد. بنابراین لازم بود که انسان وسایلی را که نیاز داشت، از جای دیگری تهیه کند. او احتیاج داشت از انسان‌های دیگر، وسایلی را بگیرد. مردم ابتدا برای گرفتن وسایلی که نیاز داشتند، چیزهایی را که خودشان داشتند، به افراد دیگر می‌دادند و از آنها وسایل و چیزهایی را که احتیاج داشتند، می‌گرفتند. اسم این کار، معامله‌ی کالا به کالا بود. این نوع خرید و فروش برای مردم خیلی خوب بود، اما مشکلات زیادی هم داشت. گاهی فردی چیزی را لازم داشت، ولی فرد دیگری حاضر نبود برای دادن جنس یا کالای خود، جنسی را از فرد اول بگیرد؛ چون یا به آن کالا نیازی نداشت یا نمی‌خواست با آن فرد معامله کند.

بنابراین انسان‌ها تصمیم گرفتند یک کالای مشترک برای خرید و فروش خودشان پیدا کنند. این کالای مشترک در هر منطقه‌ای با منطقه‌ی دیگر فرق داشت. مردم با ارزش‌ترین کالای منطقه را به عنوان کالای مشترک انتخاب می‌کردند؛ مثلاً کالای مشترک در منطقه‌های ساحلی، مروارید یا نمک دریایی و در مناطق جنگلی، چوب یا وسایل چوبی بود.



مردم بعدها از فلز، سنگ‌های قیمتی، طلا و نقره به عنوان کالای مشترک استفاده کردند، چون همه‌ی مردم به وسایل مشترکی برای خرید و فروش احتیاج نداشتند. اما گاهی جنس و اندازه‌ی نامناسب این سنگ‌های قیمتی باعث می‌شد در معامله‌ها مشکل پیش بیاید. در نتیجه مردم تصمیم گرفتند با اندازه‌ی مناسب و مشخصی از طلا، نقره

یا هر فلز دیگری معامله کنند. این اندازه‌ی مناسب از هر فلز، بعدها به سکه تبدیل شد. از آن به بعد، سکه وارد دنیای خرید و فروش شد.

بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.....؟

یعنی مردم چیزهایی را که خودشان داشتند، به دیگران می‌دادند و از آنها چیزهای مورد نیازشان را می‌گرفتند.

۲.....؟

مثلاً گاهی فردی چیزی را لازم داشت، ولی فرد دیگر حاضر نبود برای دادن کالای خود، جنسی را از فرد اول بگیرد.

۳.....؟

مردم با ارزش‌ترین کالای منطقه را به عنوان کالای مشترک انتخاب می‌کردند.

۴.....؟

چون گاهی جنس و اندازه‌ی نامناسب این سنگ‌های قیمتی باعث می‌شد در معامله‌ها مشکل پیش بیاید.





عمومی‌ترین رسانه



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما چه رسانه‌هایی را می‌شناسید؟
۲. به نظر شما قوی‌ترین رسانه کدام رسانه است؟
۳. شما کدام رسانه را بیشتر دوست دارید؟
۴. به نظر شما رسانه‌ها چه تأثیری در زندگی مردم دارند؟
۵. به نظر شما امروزه زندگی بدون رسانه چگونه خواهد بود؟

واژه‌های جدید

شبکه‌ی تلویزیونی	جعبه‌ی جادویی	بعدها	آداب
عمومی	چاپ	به وجود آمدن	آثر گذاشتن
کشاندن	دستگاه	به وجود آوردن	ارتباط داشتن
مُخترع	رابطه	پیشرفت	ارتباطات
مُسْتَد	رسانه	تبلیغات تلویزیونی	ارتباطی
ویژگی	شبکه	تلگراف	برنامه

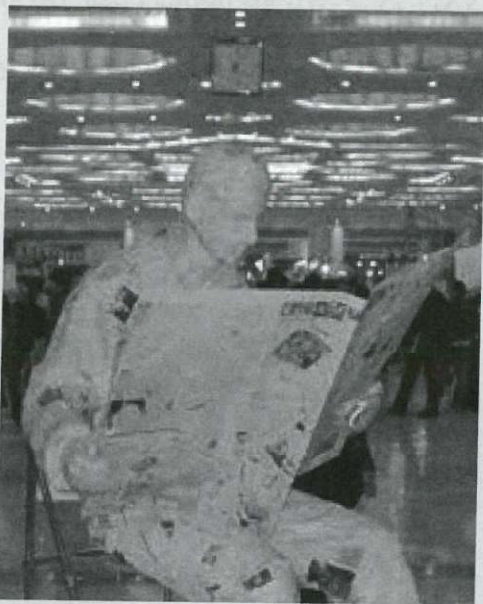
عمومی‌ترین رسانه

زمانی که مُخْتَرِعِ دَسْتگاهِ چاپ، این وسیله را اِخْتِرَاع کرد، نمی‌دانست که دُنْیای اِرتِباطات روزی مثلِ امروز می‌شود. اِخْتِرَاعِ دَسْتگاهِ چاپ، تِلْگراف، تِلْفُن و ... هر کدام اِخْتِرَاعِ بعدی را به‌وُجود آورد. در زَمَانِ قَدِیم، مَرْدُمُ فَقَط با روزنامه، با دُنْیای اَطراف اِرتِباط داشتند، اَمّا بَعْدها وقتی رادیو اِخْتِرَاع شد، تَغْییرِ بزرگی در اِرتِباطهای مَرْدُمُ به‌وُجود آمد؛ رادیو کم‌کم واردِ خانه‌ها شد و تَقْرِیباً همه‌جا را پُر کرد.

اِخْتِرَاعِ بعدی، تِلوِیزیون بود. این جَعَبی جادویی خیلی سَرِیع جای خود را در همه‌جا باز کرد و مَرْدُمُ زیادی از تِلوِیزیون به‌جای رادیو اِستِفاده کردند. اِرتِباطاتِ مَرْدُمُ با کِشورهای دیگر هم بیشتر و بیشتر شد. بَرنام‌ها و شَبْک‌های تِلوِیزیونی، فَرهنگ و آدابِ مَرْدُمِ کِشورهای دیگر را نِشان می‌دادند. فیلم‌های سِینمایی، مُسْتَنَد، بَرنام‌های عِلْمی، وَرزِشی، کارتون، مُسابقه‌های تِلوِیزیونی و اَخبار، اَفرادِ زیادی را با هر سِنّی در سَاعَت‌های مُخْتَلَف به سَمْتِ تِلوِیزیون می‌کِشاند. بعضی‌ها می‌گویند حَتّی تَبلیغاتِ تِلوِیزیونی، قَوی‌ترین تَبلیغات هستند و روی مَرْدُمُ اَثَرِ زیادی می‌گذارند.

امروزه وقتی از اِرتِباطاتِ حَرَف می‌زنیم، اَوّلین چیزی که همه دَر باره‌ی آن صُحبت می‌کنند، اِینْتِرِنْت است. اِینْتِرِنْت تَقْرِیباً در همه‌جای دُنْیا اِرتِباطاتِ مَرْدُمُ را بیشتر کرده

است. تِلوِیزیون، رادیو و روزنامه هرکدام هَنوز هم جای خود را دارند، اَمّا اِینْتِرِنْت، ساده و آرزان است، بنابراین مَرْدُمُ از آن به‌راحتی اِستِفاده می‌کنند.



پیشرفت و اِخْتِرَاعِ دَسْتگاه‌های کامپیوتری مُخْتَلَف، دُنْیای اِرتِباطات را هر روز عَوَض می‌کند. شاید روزی برسد که بگویند اِینْتِرِنْت، ساده‌ترین وسیله‌ی اِرتِباطی روز است و وسیله‌های جَدیدتری بسازند. به نَظَر شما اِخْتِرَاعِ مُهمّ بعدی دُنْیای اِرتِباطات چیست؟

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. وقتی دَسْتگاهِ چاپِ اِخْتِراع شد، دُنْیای اِرتِباطات وَسِیع بود.

۲. اوَّلین وَسِیلِهی اِرتِباط با دُنْیای اطراف، روزنامه بود.

۳. اِسْمِ دِیْگَرِ رادیو، جَعْبِهی جادویی است.

۴. اِمروزه اِیْنْتِرنِت، ساده‌ترین وَسِیلِهی اِرتِباطی است.

۵. وقتی از اِرتِباطات حرف می‌زنیم، اولین چیزی که همه درباره‌ی آن حرف

می‌زنند رادیو است.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. اِخْتِراعِ چه دَسْتگاه‌هایی در اِخْتِراعِ دَسْتگاه‌های اِرتِباطی جَدیدتر مُؤَثِّر بود؟

.....

۲. تِلویزیون چگونه اِرتِباطاتِ مَرْدَم را بیشتر کرد؟

.....

۳. چرا اِیْنْتِرنِت تَقْرِیباً در همه‌جای دُنْیا اِرتِباطات را بیشتر کرده است؟

.....

۴. دُنْیای اِرتِباطات چگونه هرروز عَوَض می‌شود؟

.....

۵. با توجّه به متن، در چه دوره‌ای اِیْنْتِرنِت ساده‌ترین ابزار اِرتِباطی خواهد بود؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

□ الف) جَذب کردن

۱. مُخْتِرع

□ ب) حَرکَت کردن به سوی جلو

۲. رِسانه



۳. پیشرفت □ پ) کسی که برای اولین بار چیزی را درست می‌کند.
۴. تغییر □ ت) مربوط به همه
۵. به سمت ... کشاندن □ ث) وسیله‌ی ارتباطی جمعی مثل تلویزیون و روزنامه
۶. عمومی □ ج) عوض شدن

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - کردن - آمدن - گذاشتن - شدن

به وجود: اختراع: عَوَض:

اثر: بیشتر: ارتباط:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.

ت) درباره‌ی رسانه، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی برنامه‌های تلویزیون، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی با واژه‌ی مناسب پر کنید.

تغییر - تبلیغات - مُخترِع - رسانه - پیشرفت - عمومی - آداب

۱. شما دستگاه چاپ را می‌شناسید؟ می‌دانید چه کسی این دستگاه را ساخته است؟
۲. تقریباً همه‌ی مردم از تلویزیون استفاده می‌کنند، بنابراین تلویزیون یک وسیله‌ی ارتباطی است.

۳. با وسایل ارتباطی، ارتباطات مردم بیشتر شده است.
۴. فرهنگ و مردم کشورهای دیگر را می‌توانید در تلویزیون ببینید.
۵. تلویزیونی روی فروش کالاها تأثیر زیادی دارد.
۶. در کشور ما راحت‌ترین و ارزان‌ترین، تلویزیون است.
۷. با برنامه‌های تلویزیون، از این به بعد می‌توانید اخبار را در ساعت هشت شب ببینید.

(د) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

به‌وجود آوردن - اثر گذاشتن - کشاندن - ارتباط داشتن - عوض کردن - به‌وجود آمدن

۱. اختراع وسایل ارتباطی جدید، مشکلاتی را هم برای مردم
۲. معمولاً فیلم‌های پلیسی بر رفتار کودکان
۳. تلویزیون با برنامه‌های جذاب و متنوعش، مردم را به سمت خودش
۴. خیلی از مردم هنوز هم از اینترنت استفاده نمی‌کنند و فقط به کمک تلویزیون با دنیای اطراف
۵. اختراع هر وسیله‌ی ارتباطی، زندگی مردم را
۶. تلویزیون قبل از رادیو

(ذ) در جمله‌های زیر، واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. کسی که اولین بار دستگاه چاپ را ساخت، تغییر بزرگی در دنیای ارتباطات به‌وجود آورد.....
۲. با اختراع تلویزیون، ارتباطات مردم هم خیلی زیادتر شد.....



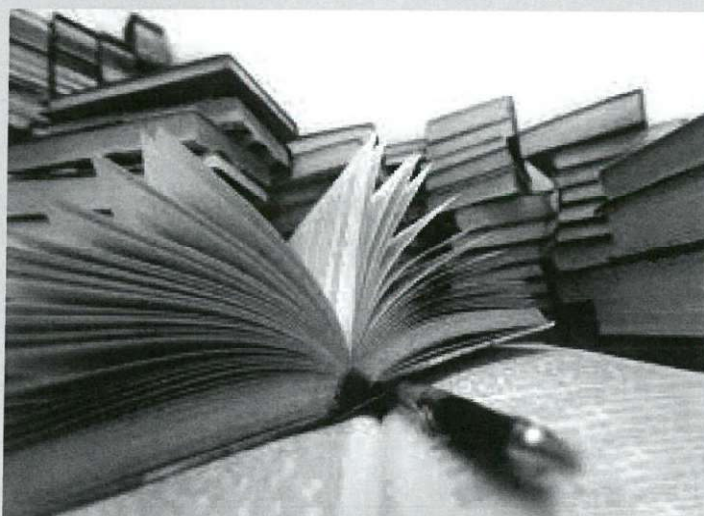
بخش سوم: خواندن بیشتر

زمان و ساعت خواندن کتاب و همچنین فرهنگ کتابخوانی برای مردم در کشورهای مختلف، فرق دارد. عواملی مانند سواد، تحصیلات و فرهنگ مردم در بیشتر یا کمتر کتاب خواندن آنان اثر دارد. بعضی از مردم می‌گویند چون کتاب گران است، نمی‌توانیم کتاب بخریم. بعضی‌ها می‌گویند وقت کافی برای خواندن کتاب نداریم و ترجیح می‌دهند از وقت خودشان برای نگاه کردن فیلم و برنامه‌های تلویزیونی استفاده کنند.

نوع کتاب‌هایی که مردم یک جامعه می‌خوانند، فکر و فرهنگ آنها را نشان می‌دهد. خواندن کتاب‌های تخیلی، علمی، رمان، اجتماعی و تاریخی هر کدام نشان می‌دهند که خوانندگان آن کتاب‌ها به چه چیزهایی فکر می‌کنند و به چه چیزهایی علاقه دارند.

معمولاً وقتی افراد هنوز دانشجو هستند، بیشتر کتاب می‌خوانند، اما بعداً معمولاً دوست دارند روزنامه بخوانند، یا تلویزیون تماشا کنند یا خودشان را با اینترنت سرگرم کنند. با این حال، بعضی از افراد هم هستند که به مطالعه علاقه دارند و همیشه کتاب می‌خوانند.

کتاب‌های جیبی و کوچک، برای مطالعه در محیط‌های بیرون از خانه مناسب هستند. بعضی از نویسندگان، کتاب‌های بزرگ زیادی را خلاصه کرده‌اند، بنابراین حتی اگر وقت زیادی برای خواندن کتاب‌های بزرگ دنیا نداریم، می‌توانیم از خلاصه و کوتاه‌شده‌ی این داستان‌ها استفاده کنیم. این کتاب‌ها برای مطالعه در محیط‌های عمومی، مانند مترو، اتوبوس و ... مناسب هستند.



بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.....؟

عواملی مانند سواد، تحصیلات و فرهنگ مردم در کتاب خواندن اثر دارند.

۲.....؟

گران بودن کتاب و نداشتن وقت کافی، از دلایلی هستند که باعث می‌شوند بعضی‌ها کمتر کتاب بخوانند.

۳.....؟

نوع کتاب‌هایی که مردم یک جامعه می‌خوانند، فرهنگ آن جامعه را نشان می‌دهد.

۴.....؟

برای مطالعه در محیط‌های بیرون از خانه مناسب هستند.





تکنولوژی و زندگیِ امروزی



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. آیا شما به پیشرفتِ تکنولوژی علاقه دارید؟
۲. به نظر شما زندگیِ گذشته با زندگیِ امروزی چه فرقی کرده است؟
۳. در گذشته مردم از چه چیزهایی در خانه استفاده می‌کردند؟
۴. امروزه مردم در یک زندگی معمولی از چه چیزهای جدیدی استفاده می‌کنند؟
۵. شما زندگی همراه با تکنولوژی جدید را دوست دارید یا زندگی سنتی را؟

واژه‌های جدید

آشپزخانه	پارکینگ	رابطه	فضا
اتاق پذیرایی	پول درآوردن	رایانه	ماشین ظرفشویی
به جلو رفتن	ترجیح دادن	سیاره	ماشین لباسشویی
به وجود آمدن	تکنولوژی	عوض کردن	مجبور بودن

تکنولوژی و زندگی امروزی

استفاده از وسایل جدید در خانه‌های امروزی زندگی مردم را عوض کرده‌است، در همه‌جای خانه از تکنولوژی جدید استفاده می‌کنیم؛ آشپزخانه، اتاق پذیرایی، حمام، دستشویی و حتی پارکینگ خانه‌ها. تکنولوژی و صنعت هرروز در دنیا پیشرفت می‌کند، در نتیجه زندگی ما هم آرام آرام عوض می‌شود.

بعضی‌ها فکر می‌کنند امروزه با تکنولوژی جدید مردم کمتر کار می‌کنند؛ یخچال، تلویزیون، مایکروفر، ماشین‌های لباسشویی و ظرفشویی و بقیه‌ی وسایل برقی دیگر زندگی مردم را آسان‌تر کرده‌است، اما درحقیقت، مردم مجبورند برای خریدن وسایل جدید برای خانه‌هایشان در بیرون از خانه بیشتر کار کنند و پول بیشتری دریاورند. همین کار زیاد رابطه‌ی مردم را باهم کمتر کرده‌است. در گذشته مردم بعد از کار روزانه پیش خانواده یا دوستان خود بودند، اما امروزه بیشتر مردم ترجیح می‌دهند وقتشان را در اتاق‌های خود و در کنار رایانه‌هایشان بگذرانند.

از طرفی سرعت پیشرفت تکنولوژی در دنیای امروز به قدری زیاد شده‌است که زندگی هر سال با سال گذشته فرق زیادی دارد. خیلی‌ها فکر می‌کنند انسان به زودی به بیشتر آرزوهای قبلی خود، مانند شناختن فضا و رفتن به آن سریع‌تر می‌رسد. شاید در آینده نزدیک، مردم برای تعطیلات خود سیاره‌های دیگر را انتخاب کنند. به نظر شما این تعطیلات به چه شکلی خواهد بود، مردم چه چیزهایی را خواهند دید و چه چیزهای جالبی در این سفرها وجود خواهند داشت؟



بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. تکنولوژیِ جَدیدِ زندگیِ مَرَدُم را عَوَض کرده است.

۲. مَرَدُم با اسْتِفاده از تِکنولوژیِ جَدیدِ بیشتر در خانه ها کار می کنند.

۳. در گُذشته مَرَدُم برای خریدنِ وسایلِ جَدیدِ بیشتر کار می کردند.

۴. در آئنده تَفْرِیح و گَرَدشِ مَرَدُم فَرَق خواهد کرد.

۵. اِمروزه مَرَدُم بیشتر دوست دارند کِنارِ خانِواده هایشان باشند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. تکنولوژی در زندگیِ اِمروزِ مَرَدُم چه آثری داشته است؟

.....

۲. تکنولوژی در چه بخش هایی از زندگیِ مَعْمولیِ ما وجود دارد؟

.....

۳. چرا مَرَدُمِ اِمروزِ مَجبورند بیشتر کار کنند؟

.....

۴. امروزه مردم چگونه وقتشان را می گذرانند؟

.....

۵. در آئنده تَعطیلاتِ مَرَدُم چگونه خواهد بود؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. تکنولوژی □ الف) اِنْتِخاب کردنِ کسی یا چیزی از بین چیزهای دیگر

۲. پیشرفت کردن □ ب) دَسْتگاهِی که لباس ها را می شوید.



- | | |
|--------------------|-----------------------------------------------------------------------------|
| ۳. ماشینِ لباسشویی | <input type="checkbox"/> پ) محیطِ خارج از زمین |
| ۴. ترجیح دادن | <input type="checkbox"/> ت) کالاهایی که با دست ساخته می‌شوند. |
| ۵. فضا | <input type="checkbox"/> ث) استفاده از علم و دانش در کارهای صنعتی و اقتصادی |
| ۶. صنایع دستی | <input type="checkbox"/> ج) ساختن و تولید کردن کالاها با استفاده از ماشین |
| ۷. صنعت | <input type="checkbox"/> چ) حرکت کردن به طرف جلو در زندگی و صنعت... |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - بودن - در آوردن - دادن - داشتن

- | | | |
|---------|-------|--------|
| پیشرفت: | عوض: | پول: |
| | | |
| ترجیح: | وجود: | مجبور: |
| | | |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.

ت) درباره‌ی وسایل خانه چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره‌ی تکنولوژی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

تکنولوژی - رابطه - رایانه - فضا - سیاره - تعطیلات - صنعت - آرزو

۱. در شهرهای بزرگی مردم باهم کم است.
۲. همه‌ی مردم دوست دارند در مسافرت از شان به خوبی استفاده کنند.
۳. وقتی بچه بودم، خیلی دوست داشتم به سفر کنم.
۴. به نظر شما آیا کسی درهای دیگر زندگی می‌کند؟
۵. بعضی از مردم می‌گویند: « جدید زندگی مردم را آسان کرده است».
۶.ها هر روز پیشرفت کرده و ارتباط‌های اینترنتی را آسان‌تر می‌کنند.
۷. تو فکر می‌کنی به همه‌ی خودت می‌رسی؟
۸. استفاده از تکنولوژی جدید به پیشرفت کمک زیادی کرده است.

(د) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

- پیشرفت کردن - عوض کردن - مجبور بودن - ترجیح دادن - در آوردن
۱. سال‌هاست که رایانه‌ها زندگی مردم را
 ۲. من تعطیلات در خانه بمانم و درس بخوانم.
 ۳. او دوست نداشت از شهر کوچکش خارج شود، ولی به خاطر ادامه تحصیل به تهران برود.
 ۴. بعضی از مردم خیلی کار می‌کنند، اما پول خوبی
 ۵. او روزی ۵ ساعت فارسی می‌خواند، برای همین خیلی زود

(ذ) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده به کدام واژه یا عبارت در متن بر

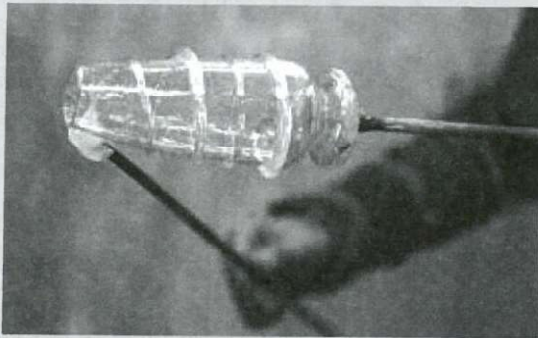
می‌گردند؟

۱. پدرم بیشتر دوست دارد تعطیلات به شیراز برود.....
۲. دنیای امروز هرروز به جلو حرکت می‌کند.....
۳. دیشب در تلویزیون برنامه‌ای درباره‌ی زندگی خارج از زمین دیدم.....
۴. نظر من با نظر دوستم خیلی تفاوت دارد.....
۵. دوست‌هایم باید هر هفته امتحان بدهند.....



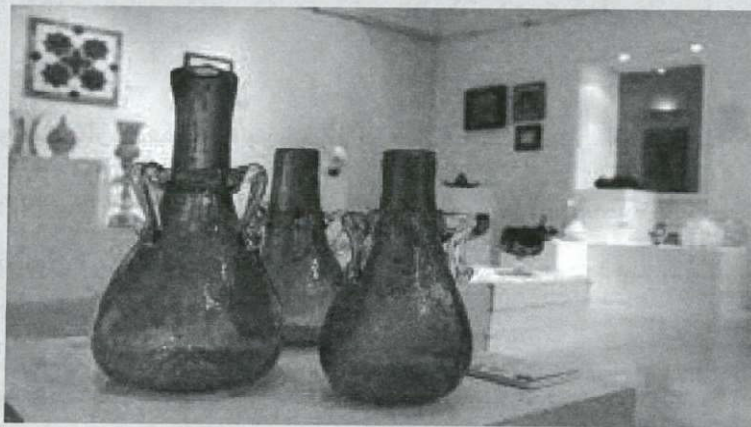
بخش سوم: خواندن بیشتر

صنعت شیشه‌سازی از زمان‌های قدیم در کشور ایران وجود داشته‌است. قدیمی‌ترین وسایل شیشه‌ای در ایران از چهار هزار سال پیش در منطقه جنوب ایران پیدا شده‌اند. قدیمی‌ترین شیشه‌های دنیا هم در حدود شش هزار سال پیش در مصر وجود داشتند. مردم در آن موقع از شیشه، گردنبند، دستبند و گوشواره می‌ساختند. در زمان‌های قدیم از شیشه برای ساختن وسایل تزئینی، مانند گلدان، ظرف، شیشه‌های عطر و ... استفاده می‌کردند. سال‌های زیادی در ایران قدیم هم همینطور بود، اما بعد از اسلام از شیشه برای ساختن چراغ‌ها و شیشه‌های مسجد‌ها هم استفاده می‌کردند. شیشه کم‌کم وارد زندگی مردم شد و تقریباً در همه‌جا از آن استفاده می‌کردند. خانه‌های قدیمی را با شیشه‌های رنگی تزئین می‌کردند و در منطقه‌های مختلف گرم و سرد، با رنگ‌های مختلفی که در شیشه‌ها استفاده می‌کردند، به گرم کردن یا خنک کردن خانه‌ها کمک بیشتری می‌کردند.



امروزه صنعت شیشه‌سازی یکی از مهم‌ترین صنایع دنیاست. استفاده از شیشه در وسایل تزئینی، پزشکی، مهندسی و ارتباطات خیلی مهم است. امروزه ارتباطات با استفاده از پیشرفت صنعت شیشه سرعت خیلی زیادی پیدا کرده‌است. در دنیای ارتباطات در ساختن وسایل الکترونیکی از شیشه استفاده می‌کنند. شیشه خیلی سبک است، بنابراین در صنعت زیاد از آن استفاده می‌کنند.

خیلی زیادی پیدا کرده‌است. در دنیای ارتباطات در ساختن وسایل الکترونیکی از شیشه استفاده می‌کنند. شیشه خیلی سبک است، بنابراین در صنعت زیاد از آن استفاده می‌کنند.



بخش اول

- الف) از روی متن درس روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (سه دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟
در چهار هزار سال پیش.
۲. ؟
شش هزار سال پیش در مصر.
۳. ؟
برای ساختن وسایل تزئینی و گردنبند و دستبند و ...
۴. ؟
چون شیشه‌های رنگی به گرم کردن و سرد کردن خانه‌ها کمک می‌کرد.
۵. ؟
در دنیای پزشکی، مهندسی و ارتباطات استفاده می‌شود.
۶. ؟
چون شیشه سبک است.



هنر در دنیا



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. شما به چه هنری علاقه دارید؟
۲. در کشور شما چه هنرهایی وجود دارد؟
۳. قدیمی‌ترین هنرها چه هنرهایی هستند؟
۴. به نظر شما شناختن کارهای هنری یک کشور چه اثری در شناخت آن کشور دارد؟
۵. پیشرفت تکنولوژی چه اثری در دنیای هنری گذاشته است؟

واژه‌های جدید

اقتصاد	صنایع دستی	قالی‌بافی	موسیقی
به وجود آوردن	طرفدار	قُطبی	وسایل تزئینی
تئاتر	ظرف‌های سفالی	قلم‌رَنی	هنرمند
خاتم‌کاری	عکاسی	کاشی‌سازی	
سفالگری	علاقه داشتن	لباس سنتی	
شیشه‌گری	فرهنگ	منطقه	

هنر در دنیا

از زمان‌های قدیم انسان دوست داشت از وسایل زیبا استفاده کند. او از سنگ‌های زیبا و رنگی برای خودش ظرف و وسایل تزئینی درست می‌کرد، در جاهای زیبا زندگی می‌کرد و به صیقل‌های زیبا در طبیعت گوش می‌داد.

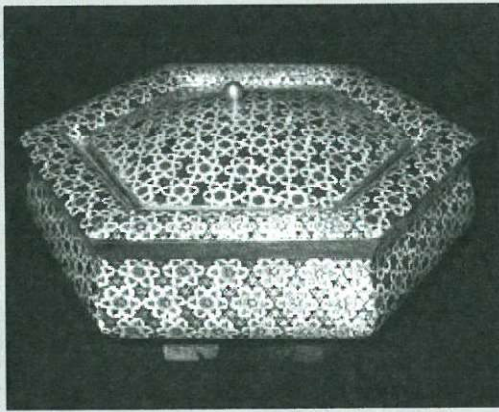


از گذشته‌های دور مردم هر منطقه‌ای از وسایل اطراف خودش برای درست کردن وسایل زیبا استفاده می‌کردند. در مناطق جنگلی، گرم، بیابانی و حتی قطبی هم مردم وسایل زیبا را دوست داشتند و از طبیعت اطرافشان وسایل تزئینی درست می‌کردند. معمولاً در مناطق جنگلی، چوب وسیله‌ی خوبی برای ساختن وسایل چوبی و در مناطق کوهستانی، سنگ وسیله‌ی مناسبی برای ساختن وسایل تزئینی مردم بود.

وسایلی که با دست درست می‌شوند، رنگ و شکل زیبایی دارند. فروشگاه‌های صنایع دستی همیشه به خاطر رنگ‌های مختلف و زیباییشان دیدنی هستند. در زمان‌های قدیم رنگ بیشتر صنایع دستی طبیعی بود. صنایع دستی فقط به خاطر زیبایی و رنگ‌شان مهم نیستند؛ بلکه توجه به بزرگ‌تر شدن بازار صنایع دستی، به اقتصاد کشور کمک زیادی می‌کند.



با صنایع دستی هر کشوری می‌توانیم فرهنگ مردم آن کشور را هم بهتر بشناسیم. رنگ‌ها و طرح‌های روی صنایع دستی از فرهنگ و آداب مردم گرفته شده‌است، بنابراین این رنگ‌ها و طرح‌ها به خوبی نشان می‌دهند که مردم آن منطقه چه سلیقه‌ای دارند و چگونه فکر می‌کنند.



پیشرفتِ هنر از زمان‌های قدیم تا حالا
هنرهای مختلفِ دیگری را به وجود آورده
است؛ نقاشی، قالی‌بافی، شیشه‌گری،
سفالگری، قلم‌زنی، خاتم‌کاری، کاشی‌سازی
و صنایع دستی مختلف. موسیقی و تئاتر هم
از هنرهای نمایشی قدیمی هستند که
آکنون نیز وجود دارند، اما سینما، عکاسی و
بعضی از هنرهای دیگر، جدید هستند. امروزه شاید سینما در دنیا مهم‌ترین و
پُرطرفدارترین هنر باشد، نظر شما چیست؟

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ درست را با حرف «د» و پاسخ نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. در گذشته انسان از وسایل طبیعی اطراف خودش وسایل تزئینی درست می‌کرد.
۲. همه‌ی مردم دنیا دوست دارند از وسایل زیبا استفاده کنند.
۳. وسایل تزئینی معمولاً فقط یک رنگ دارند.
۴. هنر هر کشوری فرهنگ آن کشور را نشان می‌دهد.
۵. قلم‌زنی و خاتم‌کاری هنرهای جدیدی هستند.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. در زمان قدیم مردم از چه چیزهایی وسایل تزئینی درست می‌کردند؟

.....

۲. چرا مغازه‌های هنرهای دستی زیبا هستند؟

.....

۳. چرا صنایع دستی مهم هستند؟

.....



۴. هنرهای قدیمی کدام هنرها هستند؟

.....

۵. هنرهای جدید کدام هنرها هستند؟

.....



بخش دوم: تمرین واژگان

الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|------------------|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۱. قالی بافی | <input type="checkbox"/> الف) وسایلی که با آن جایی یا چیزی را زیباتر می‌کنند. |
| ۲. فرهنگ | <input type="checkbox"/> ب) کسی که کارهای هنری می‌کند. |
| ۳. اقتصاد | <input type="checkbox"/> پ) کار بافتن قالی |
| ۴. وسایل تزئینی | <input type="checkbox"/> ت) کار مطالعه درباره‌ی پول و مصرف کالاها |
| ۵. ظرف‌های سفالی | <input type="checkbox"/> ث) ظرف‌هایی که با آب و خاک درست می‌کنند. |
| ۶. عکاسی | <input type="checkbox"/> ج) کار عکس گرفتن از چیزی یا جایی |
| ۷. هنرمند | <input type="checkbox"/> چ) رسم‌ها و عادت‌های یک کشور یا گروهی از مردم |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - آوردن - آوردن

- علاقه: به وجود: درست:
- وجود:

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.

۴.

ت) درباره‌ی هنر چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ث) درباره‌ی هنرهای دستی چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

وَسَائِلِ تَزْيِينِي - طَبِيعَت - مَنطَقَه‌ی قُطْبِي - ظَرْف‌هَای سُقَالِي - اِقْتِصَاد - فَرْهَنگ - عَكَاسِي - موسيقي

۱. هنوز هم بعضی از مردم دوست دارند غذایشان را در بخورند.
۲. صنایع دستی به پیشرفت کشور کمک می‌کند.
۳. خیلی از مردم برای تعطیلات به می‌روند.
۴. زندگی کردن در خیلی سخت است، چون هوای آنجا خیلی سرد است.
۵. من برای زیبا شدن خانه ام از استفاده می‌کنم.
۶. صنایع دستی نشان دهنده‌ی یک کشور هستند.
۷. گوش دادن به به انسان آرامش می‌دهد.
۸. آیا رشته‌ی تحصیلی شما است؟

چ) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

علاقه داشتن - به وجود آوردن - وجود داشتن - شناختن

۱. بچه‌ها بیشتر به بازی‌های کامپیوتری
۲. در زمان قدیم مردم وسایل تزئینی زیادی را و از آنها در زندگی خودشان استفاده کردند.
۳. در این شهر هیچ سینمایی تا مردم بتوانند فیلم‌های جدید را در آنجا ببینند.
۴. در گذشته کسی این هنرمند را ولی آلان همه او را می‌شناسند.

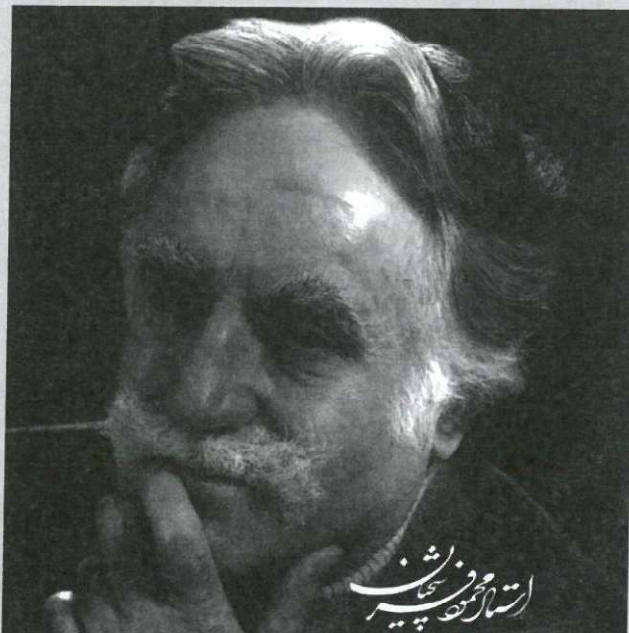
د) در جمله‌های زیر واژه‌ها یا عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده به کدام واژه یا عبارت در متن بر می‌گردند؟

۱. مردم همیشه دوست دارند از چیزهایی که خانه شان را زیبا می‌کند، استفاده کنند.....
۲. هر کشوری عادت‌ها و رسم‌های مخصوص خودش را دارد.....
۳. مردم از ظرف‌هایی که با آب و خاک درُست می‌شوند، هنوز هم استفاده می‌کنند.....
۴. وسیله‌هایی که با دست ساخته می‌شوند، به اِقتِصادِ کِشورِ کُماک می‌کند.....



بخش سوم: خواندن بیشتر

اُستاد مَحمودِ فَرشچیان یکی از معروف‌ترین هُنرمندانِ ایران است. او در سال ۱۳۰۸ در اِصفهان به دُنیا آمد. پَدَرش تاجرِ فَرش بود و قالی بافی هم می‌کرد. اُستاد فَرشچیان وقتی به مَدْرسه و دَبیرستان می‌رفت، پیش اُستادهای بزرگِ نَقاشیِ اِصفهان، هُنرِ نَقاشی را هم یاد می‌گرفت. یکی از اُستادهای او، اُستاد عیسی بَهادرِی در زندگی او خیلی تأثیر داشت.



اُستاد فَرشچیان در زَمانِ سَرِبازی هم نَقاشی می‌کرد. او در هُنرِ مینیاتور و نَقاشیِ ایرانی اُستادِ بزرگی است. هُنرِ مینیاتور خیلی دَقیق و ظَریف است. شِناختنِ رَنگ‌ها و اِستِفا‌ده‌ی دُرُست از قَلَمِ نَقاشی در این هُنرِ خیلی مُهم است.

در تِه‌ران موزه‌ای به اِسمِ موزه‌ی اُستاد فَرشچیان وُجود دارد. کارهای بزرگِ این اُستاد را در آن موزه گُذاشته‌اند. یک مَجَسَمه‌ی سفید رَنگ هم از ایشان جِلوی در موزه وُجود دارد.

اُستاد فرَشچیان اکنون در آمریکا زندگی می‌کند و در طول سال، چند بار به ایران می‌آید. تابلوهای معروفی از او در موزهی اُستاد فرَشچیان وجود دارند که بسیار بی‌نظیر و دیدنی هستند. موضوع اصلی این نقاشی‌ها عرفان و دین است.



بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده‌است).
ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید(دو دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده‌است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب‌های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱. ؟

در اصفهان و در سال ۱۳۰۸.

۲. ؟

او تاجر قرش بود و قالی بافی هم می‌کرد.

۳. ؟

اُستاد عیسی بهادری.

۴. ؟

او در هُنرِ مینیاتور و رشته‌ی نقّاشی اُستادِ معروفی است.

۵. ؟

دین و عرفان.



بخش اول

در جمله‌های زیر واژه‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده‌است، چه معنایی دارند؟ گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

۱. همه‌ی دانشجویان به طَرَفِ کلاس‌ها رفتند.
 الف) به سَمْتِ (ب) داخِلِ (ج) اطرافِ (ج)
۲. یک گُربه در خانه داریم که کارهای بامزه ای می‌کند.
 الف) عجیب (ب) جالبِ (ج) مَسخَره (ج)
۳. من برای تهیه‌ی کیکِ تَوَلَّد خیلی کار کردم.
 الف) خوردن (ب) آماده کردن (ج) زیبا شدن
۴. مَرْدُمُ مُشکِلَاتِ زندگی در گویر را قَبول کرده اند.
 الف) حل کرده اند (ب) می‌دانند (ج) پذیرفته اند
۵. من به خواندن افسانه‌های کشورهای مُختَلِفِ علاقه دارم.
 الف) دوست دارم (ب) عادت دارم (ج) ارتباط دارم
۶. خواهرم در مُسابقه‌ی کتاب خوانی اَوَّل شد.
 الف) ثبت نام کرد (ب) برنده شد (ج) شرکت کرد
۷. یکی از بچه‌هایی که در کوچه بازی می‌کرد، سَنگ را به طَرَفِ پَنجره پَرتاب کرد.
 الف) ریخت (ب) بُرد (ج) انداخت
۸. بازار تِهْران مَجْموعه ای از بازارهای مُختَلِفِ است.
 الف) بخش‌های زیاد ولی شبیه از یک چیز یا جا
 ب) ساختمان‌های بزرگ و شبیه به هم
 د) میدان‌های معروف و نزدیک به هم
۹. در تِهْران در هر مَنْطَقه یک مَرکَزِ خَرید وجود دارد.
 الف) جایی که از آنجا خرید می‌کنند
 ب) جایی که در آن خرید و فروش می‌کنند
 ج) جایی که در آن بیشتر کالاهای مورد نیاز را می‌خرند

۱۰. امروزه بیشتر مردم به جای کتاب از سی دی استفاده می‌کنند، ولی کتاب هنوز جای خود را دارد.
 الف) جای زیادی می‌گیرد (ب) با ارزش است (ج) خرید و فروش می‌شود
۱۱. همیشه جهانگردان زیادی به شهر اصفهان می‌روند.
 الف) کسانی که برای کار سفر می‌کنند
 ب) کسانی که تعطیلات زیادی دارند
 ج) کسانی که به کشورهای دیگر سفر می‌کنند
۱۲. یکی از راه‌های لاغر شدن، مصرف کردن آب زیاد در طول روز است.
 الف) استفاده کردن (ب) خرج کردن (ج) جمع کردن
۱۳. شما برای زندگی در این کشور پول احتیاج دارید.
 الف) استفاده می‌کنید (ب) خرج می‌کنید (ج) نیاز دارید
۱۴. چه کسی برق را اختراع کرد؟
 الف) برای اولین بار ساخت
 ب) برای اولین بار پیدا کرد
 ج) برای اولین بار استفاده کرد
۱۵. کالای خوب، احتیاجی به تبلیغات ندارد.
 الف) آگاه کردن دیگران از خوبی‌های یک کالا
 ب) تعمیر و بازسازی کردن چیزی برای دیگران
 ج) تمیز و مرتب کردن برای استفاده‌ی همه
۱۶. کتاب‌های جیبی برای مطالعه در اتوبوس و تاکسی خوب هستند.
 الف) کتاب‌هایی که جلد دارند
 ب) کتاب‌هایی که در جیب می‌گذارند
 ج) کتاب‌هایی که کوچک هستند و به راحتی حمل می‌شوند.
۱۷. امروز یک کتاب داستان خواندم و آن را خلاصه کردم.
 الف) در کتابخانه گذاشتم
 ب) کوتاه کردم
 ج) به دیگران دادم

۱۸. نمی دانم عینکم را کجا گذاشتم.

الف) پیدا کردم (ب) بُردم (ج) قَرار دادم

۱۹. پول دَر آوَرَدَن در زندگیِ امروزی خیلی سَخْت است.

الف) خَرَج کردنِ پول (ب) به دَسْت آوَرَدَن پول (ج) پَس آنداز کردنِ پول

۲۰. در این خانه وسایلِ بَرَقی زیاد است.

الف) چیزهایی که با بَرَق کار می‌کند

ب) چیزهایی که بَرَق می‌گیرد

ج) چیزهایی که بَرَق تولید می‌کند

۲۱. تِکَنولوژیِ جَدید، زندگیِ مَرَدُم را عَوَض کرده است.

الف) سَخْت کرده است (ب) آسان کرده است (ج) تَغییر داده است

۲۲. مُسافِرانِ خَارِجی وقتی به ایران می‌آیند دوست دارند صَنایعِ دَسْتی بخرند.

الف) چیزهایی که با دَسْت دُرُست می‌کنند

ب) چیزهایی که با دَسْتگاه دُرُست می‌کنند

د) چیزهایی که با دَسْت کار می‌کنند

۲۳. من در ایران مَجبور هستم زَبانِ فارسی یاد بگیرم.

الف) شاید (ب) می‌خواهم (ج) باید

۲۴. همه‌ی مَرَدُم در خانه هایشان وسایلِ تَزِیِنی دارند.

الف) چیزهایی که برای تَفْرِیح و سَرگرمی استفاده می‌کنند

ب) چیزهایی که برای زیباییِ جاییِ اِسْتِفاده می‌کنند

ج) چیزهایی که با دَسْت درست می‌کنند

۲۵. تابلوهای معروفی در این موزه وجود دارد.

الف) مشهور (ب) زیبا (ج) بی نظیر

بخش دوم

یکی از واژه‌ها در گروه خودش نیست. دور آن خط بکشید.

۱. یَخچال / دَسْتشویی / تِلویزیون / ماشینِ لِباسشویی وسایل خانه هستند.

۲. همه‌ی خانه‌ها آشپزخانه / اتاق پذیرایی / حمام / رایانه دارند.
۳. دیروز آنها به بازار رفتند و گردن بند / دست بند / گوشواره / کمر بند خریدند.
۴. خاتم کاری / قلم رنی / آهنگری / مینیاتور از هنرهای معروف ایرانی هستند.
۵. شیر / ببر / پلنگ / خروس از حیوانات وحشی هستند.
۶. مادرَم به هنرهای کشاورزی / خیاطی / گلدوزی / قالی بافی علاقه دارد.
۷. ما درخانه‌مان همه نوع حیوان مثل مار / گنجشک / سگ / خرگوش داریم.
۸. گردباد / سیل / زلزله / باران از اتفاق‌های طبیعی هستند.
۹. دوستم به ورزش‌های گروهی مثل والیبال / بسکتبال / فوتبال / کاراته علاقه دارد.
۱۰. اکنون در همه‌ی شهرهای ایران بازار / مرکز خرید / مرکز تجاری / کاروانسرا وجود دارد.

بخش سوم

جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

الف) خراب - خرابی - خراب کردن

۱. خانه‌های روستاییان به خاطر سیل بود.
۲. ساعت است، باید آن را تعمیر کنم.
۳. کارگران، خانه‌های قدیمی را و خانه‌های جدیدی ساختند.

ب) ناگهان - ناگهانی

۱. داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم که برق رفت.
۲. علی به خاطر خبر تصادف برادرش مریض شد.

ت) سرعت - سریع

۱. ماشین شما از ماشین من بیشتر است؟
۲. بعد از تمام شدن کلاس خیلی به خانه رفتند.

ث) پیشرفت - پیشرفت کردن

۱. سال گذشته دانشجویان این کلاس در یاد گرفتن زبان فارسی خیلی
۲. شما برای در این رشته باید خیلی درس بخوانید.

ج) احتیاج - احتیاج داشتن

۱. آن مرد به دلیل مالی دزدی می‌کرد.

۲. تو برای زندگی در یک کشور خارجی به کُمکِ پَدَر و مادَرَت ؟
- (چ) تزیین - تزیین کردن
۱. آنها شهر را برای عید نوروز
۲. چرا هیچ کس برای خانه به شما کُمک نمی‌کند؟
- (ح) عَلاقه - عَلاقه داشتن
۱. دُخترها به کارهای هُنری بیشتر از پسرهاست.
۲. شما به چه ورزشی بیشتر ؟
- (خ) عَکس - عَکس گرفتن - عَکاسی
۱. این موزههای باآرزش و زیبایی دارد.
۲. دیروز به رفتم و عَکس‌ها را ظاهر کردم.
۳. وقتی به مُسافِرَت می‌روم، دوست دارم از همه جا
- (د) زیبا - زیبایی
۱. این روستا از بالای کوه خیلی است.
۲. این اُتاق به خاطرِ تابلوهای جَدیدِ آن است.
- (ذ) دَقیق - دِقَّت - دِقَّت کردن
۱. چرا تو هِنگامِ رانندگی ؟
۲. خواهَرَم در انجامِ تَکلیفِ هایش خیلی است.
۳. شما موقعِ اِمْتِحانِ دادنِ خیلی کم است.
- (ر) هُنر - هُنرَمَند - هُنری
۴. من به کارهای خیلی عَلاقه دارم.
۵. کسی که این نَقاشی را کَشیده است خیلی است.
۶. زیبایی این ساختمان سازنده‌ی آن را نشان می‌دهد.

فهرست واژگان

آ- ۱

blue	آبی
apartment	آپارتمان
volcanic	آتشفشانی
nuts	آجیل
weekend	آخر هفته
etiquette	آداب
quiet, slow	آرام
gradually	آرام آرام
calm, quietness	آرامش
barber, heirdresser	آرایشگر
free	آزاد
degage	آزاد
laboratory	آزمایشگاه
travel agency	آژانس مسافرتی
easy	آسان
pottage	آش
cook, chef	آشپز
kitchen	آشپزخانه
familiar	آشنا
acquaintances	آشنایان
polluted	آلوده
injection, ampoule	آمپول
elementary	ابتدایی
silky	ابریشمی

waiting room	اتاق انتظار
living room	اتاق پذیرایی
occurrence, event	اتفاق
accident	اتفاق
bus	اتوبوس
social	اجتماعی
emotion, feeling	احساس
office	اداره
spice	ادویه
connection, link	ارتباط
communications	ارتباطات
links	ارتباطات
communicational	ارتباطی
citadel, castle	ارگ
horse	اسب
master, professor	استاد
rest	استراحت
mistaken, wrongly	اشتباهی
extra	اضافی
donkey	الاغ
individuals	افراد
legend, myth	افسانه
economy	اقتصاد
exam, test	امتحان
contemporary, present day	امروزی
this year	امسال
facilities	امکانات

omelette	املت
choice	انتخاب
essay, composition	انشا
individually	انفرادی
leisure time	اوقات فراغت
tame	اهلی
importance	اهمیت
tribe	ایل
balcony	ایوان
با	
experienced	باتجربه
rain	باران
market, bazaar	بازار
local market	بازار روز
commercial	بازرگانی
computer game	بازی کامپیوتری
in a hurry, hurriedly, in a rush	باعجله
zoo	باغ وحش
eventually, at last	بالاخره
babysitting	بچه داری
section	بخش
chapter	بخش
bodybuilding	بدنسازی
without	بدون
this because of this, for	برای همین
harvestto	برداشت
snow	برف

plan	برنامه
program	برنامه
goat	بز
thereafter, later	بعدها
hug	بغل
grocery	بقالی
long, high	بلند
blouse	بلوز
ticket	بلیت
so	بنابراین
purple	بنفش
odour, smell	بو
because of	به خاطر
in the direction of	به طرف
into, toward	به طرف
except	به غیر از
on time	به موقع
timely	به موقع
in the company of, with	به همراه
for this reason	به همین دلیل
spring	بهار
avalanche	بهمن
unique	بی نظیر
more	بیشتر
most of the time, often	بیشتر اوقات
hospital	بیمارستان

fabric	پارچه
drive way, parking lot	پارکینگ
overcoat	پالتو
autumn fall	پاییز
father in law	پدر شوهر
grandfather	پدر بزرگ
energetic	پرانرژی
populated	پر جمعیت
troublesome	پر دردسر
bird	پرنده
fly	پرواز
file	پرونده
physician	پزشک
medical	پزشکی
cousin	پسر دایی
cousin	پسر خاله
mohair	پشم بز
woolen	پشمی
bridge	پل
panther	پلنگ
cotton	پنبه ای
Thursday	پنجشنبه
cheese	پنیر
athlete, champion	پهلوان
athletic	پهلوانی
juggling	پیاده روی
onion	پیاز

shirt	پیراهن
growth, progress, development	پیشرفت
ت	
summer	تابستان
board	تابلو
merchant	تاجر
businessman	تاجر
date, history	تاریخ
historical	تاریخی
historic	تاریخی
to take taxi	تاکسی گرفتن
hall	تالار
commercials	تبلیغات تلویزیونی
trade	تجارت
commercial	تجاری
experience	تجربه
study, education	تحصیل
education	تحصیلات
fictional, imaginary	تخیلی
traffic jam	ترافیک
numbers	تعداد
quantity	تعداد
holidays	تعطیلات
difference	تفاوت
one, single	تک
repetitive	تکراری
technology	تکنولوژی

hail	تگرگ
bitter	تلخ
telegraph	تلگراف
viewer	تماشاچی
tonbak, tompak (percussion or drum)	تنبک
quick	تند
hot	تند
tight	تنگ
maze	تودرتو
birth	تولد
making, preparation	تهیه
T-shirt	تی شرت
theatre, play	تئاتر

ث

rich, aristocrat	ثروتمند
------------------	---------

ج

ripe, aged	جاافتاده
amazing, interesting	جالب
society	جامعه
new	جدید
magical box	جعبه جادویی
population	جمعیت
gender, material	جنس
south	جنوب
young	جوان
tourist	جهانگرد
tourism	جهانگردی

چ

print	چاپ
tent	چادر (مسافرتی)
chador	چادر (پوشش بعضی از خانم ایرانی)
flavour	چاشنی
light	چراغ
oily, greasy	چرب
sewing machine	چرخ خیاطی
leathern, leather	چرمی
boot	چکمه
baggage, suitcase	چمدان
months ago	چند ماه پیش
wood	چوب
intersection, junction	چهارراه
Wednesday	چهارشنبه

ح

grains	حبوبات
correct, logical	حسابی
pool	حوض
yard	حیات
animals	حیوانات

خ

inlay	خاتم کاری
suburb, countryside	خارج از شهر
foreigner	خارجی
memory, history	خاطره
aunt	خاله

domestic	خانگی
family	خانواده
house holder, housewife, househusmand, housekeeper	خانه دار
house holding, housekeeping	خانه داری
devastation, deterioration	خرابی
bunny, rabbit	خرگوش
rooster	خروس
purchase, shopping	خرید
buy and sell	خرید و فروش
tired	خسته
dry	خشک
drycleaning	خشک شویی
danger, hazard	خطرات
dangerous	خطرناک
summary	خلاصه
pilot	خلبان
flyboy	خلبان
laughter	خنده
funny	خنده دار
cool	خُنک
sleep	خواب
dormitory	خوابگاه
sister	خواهر
happy	خوشحال
tasty	خوشمزه
street	خیابان

tailor	خیاط
imagination	خیال
د	
drugstore, pharmacy	داروخانه
herbal medicine	داروی گیاهی
groom, son-in-law	داماد
student, pupil	دانش آموز
student	دانشجو
college	دانشکده
university	دانشگاه
uncle	دایی
high school	دبیرستان
cousin	دختر عمو
cousin	دختر خاله
long	دراز
earning	درآمد
en block	دربست (به معنی یکپارچه <<)
trouble, bother	دردسر
handcuff, bracelet	دستبند
device	دستگاه
dessert	دسر
desert	دشت
prayer	دعا
accurate	دقیق
again	دوباره
bicycle	دوچرخه
smoke	دود

together	دورهَم
friend	دوست
Monday	دوشنبه
to see	دیدن
attraction, attractive	دیدنی
late	دیر
ر	
connection, linkage	رابطه
driver	راننده
corridor, hallway	راهرو
computer	رایانه
medium	رسانه
restaurant	رستوران
to arrive	رسیدن
field	رشته
thunder and lightning	رعد و برق
welfare	رفاه
commuting	رفت و آمد
shower	رگبار
novel	رمان
colorful	رنگارنگ
opposite	رو به رو
river	رودخانه
next day	روز بعد
day to day, day by day	روز به روز
newspaper	روزنامه
village	روستا

orchestra leader	رهبر ارکستر
boss	رئیس
ز	
trash	زباله
giraffe	زرافه
yellow	زرد
earthquake	زلزله
winter	زمستان
soon	زود
basement	زیرزمین
س	
coastal	ساحلی
instrument	ساز
organization	سازمان
constructor	سازنده
clock	ساعت
salad	سالاد
vegetable	سبزی
light, style	سبک (هر دو معنی)
hard	سخت
be busy	سر ... شلوغ بودن
military service	سربازی
headache	سردرد
cancer (cancerous)	سرطانی
speed	سرعت
serum	سِرْم
pottery	سفالگری

tablecloth	سفره
tea shop, coffee shop	سفره خانه (در انگلیسی چای خانه یا قهوه خانه)
ceiling	سقف
coin	سکه
dog	سگ
health	سلامتی
style, taste	سلیقه
traditional	سنتی
gems	سنگ‌های قیمتی
literacy	سواد
dark blue	سورمه‌ای
setar	سه تار
Thursday	سه شنبه
planet	سیاره
politics	سیاست
black	سیاه
garlic	سیر
flood	سیل
ش	
poet	شاعر
shawl	شال
dinner	شام
net	شبهه
channel	شبکه تلویزیونی
alike, similar	شبهه
syrup, juice	شربت
east	شرق

factory, company	شرکت
poem	شعر
occupation	شغل
self employment	شغل آزاد
civil servant	شغل دولتی
pants	شلوار
Bermuda shorts	شلوارک
north	شمال
to count	شمردن
candle	شمع
Saturday	شنبه
city	شهر
mayor	شهردار
city hall, municipality	شهرداری
cow milk	شیر گاو
milk	شیر (شیر نوشیدنی)
faucet, tap	شیر (آب)
lion	شیر (شیر جنگل)
sweet	شیرین
glass	شیشه
ص	
morning	صبح
breakfast	صبحانه
class	طبقه
desert	صحرا
intimate, close	صمیمی
handicrafts	صنایع دستی

industry صنعت

ض

beat ضربان

loss ضرر

ط

nature طبیعت

fan طرفدار

gold طلا

storm طوفان

ظ

apparently ظاهراً

potteries ظرف های سفالی

delicate ظریف

ع

strange عجیب

lentil عدس

mysticism, Sufism عرفان

bride عروس

angry عصبانی

photography عکاسی

photo, picture عکس

scientific علمی

uncle عمو

public عمومی

aunt عمه

Nowruz (celebration) عید نوروز

غ

food	غذا
ready foods	غذاهای آماده
homemade food	غذاهای خانگی
fast food	غذای حاضری
soul's need	غذای روح
sunset	غروب

ف

fortune	فال
relative	فامیل
benefit	فایده
tomorrow	فردا
child	فرزند
foreign	فرنگی
airport	فرودگاه
salesman	فروشنده
culture	فرهنگ
community center, cultural centre	فرهنگسرا
blood pressure	فشار خون
season	فصل
seasonal	فصلی
space	فضا
active	فعال
poverty	فقر
to think	فکر کردن
metal	فلز
elephant	فیل

ق

don't mention it	قابل ندارد (در فرهنگ انگلیسی نداریم، نزدیکترین معادل <<)
Qajar (Qajariyeh)	قاجار
carpet weaving	قالی بافی
boat	قایق
old	قدیمی
pill, tablet	قرص
story, tale	قصه
polar	قطبی
cage	قفس
castle	قلعه
etching	قلم زنی
brown	قهوه ای

ک

coat	کاپشن
palace	کاخ
job, work	کار
personal stuff or job	کار شخصی
workshop	کارگاه
worker	کارگر
employee	کارمند
caravansary, caravanserai	کاروانسرا
daily affairs	کارهای روزانه
tile making	کاشی سازی
enough	کافی
product	کالا

barter, (exchange of commodities)	کالا به کالا
pocketbooks	کتاب های جیبی
library	کتابخانه
trainers	کتانی
fare	کرایه
korsi	کرسی قدیمی ایرانی
butter	کره
whey	کشک
alley	کوچه
mountain	کوه
mountaineer	کوهنورد
mountain climbing	کوهنوردی
desert	کویر
گ	
cow	گاو
sometimes	گاهی اوقات
expensive	گران
tornado	گردباد
excursion, jaunt	گردش
necklace	گردنبند
wolf	گرگ
group	گروه
in group	گروهی
loose	گشاد
conversation, debate, dialog	گفتگو
vase	گلدان
herd, pack	گله

dome	گنبد
sheep	گوسفند
to listen	گوش کردن
earring	گوشواره

ل

traditional clothes	لباس سنتی
beans	لوبیا
accent	لهجه

م

mother in law	مادر شوهر
grandmother	مادر بزرگ
yogurt	ماست
dishwasher	ماشین ظرفشویی
washing machine	ماشین لباسشویی
to stay	ماندن
married	متاهل
pediatrician	متخصص کودکان
subway, underground	مترو
different	متفاوت
varied, diverse	متنوع
single	مجرد
statue	مجسمه
collection	مجموعه
area, district	محله
environment, periphery	محیط
public places	محیط های عمومی
inovator	مخترع

disparate, different	مختلف
special	مخصوص
mode	مُد
period	مدت
ceremony	مراسم
jam	مرتباً
humid	مرطوب
hen (chicken)	مرغ
center	مرکز
shopping center, mall	مرکز خرید
pearl	مروارید
sick, ill	مریض
taste	مزه
competition, match	مسابقه
passenger	مسافر
documentary	مستند
mosque	مسجد
subscribe, mutual	مشترک
problem	مشکل
problems	مشکلات
clinic	مطب
matter, subject	مطلب
trade	معامله
mild	معتدل
teacher	معلم
shop	مغازه
useful, beneficial	مفید

holy	مقدس
useful, proper	مناسب
war areas	مناطق جنگلی
secretary	منشی
district	منطقه
coast line, coastal area	منطقه ساحلی
careful	مواظب
museum	موزه
music	موسیقی
subject	موضوع
successful	موفق
guest	مهمان
hospitable	مهمان نواز
host, (flight attendant)	مهماندار
engineer	مهندس
engineering	مهندسی
bar	میله
monkey	میمون

ن

upset, unhappy	ناراحت
fasting	ناشتا
suddenly	ناگهان
untidy	نامرتب
launch	ناهار
nylon	نایلون
pulse	نبض
carpenter	نجار

pea	نخود
threaded	نخی
near, close	نزدیک
half	نصف
mint	نعنا
silver	نقره
worried	نگران
mark	نمره
sea salt	نمک دریایی
teenage	نوجوانی
beverage	نوشابه
beverage	نوشیدنی
grandchild	نوه
writer	نویسنده

و

really	واقعاً
wild	وحشی
traditional sport	ورزش باستانی
equipment	وسایل
sport equipment	وسایل ورزشی
middle	وسط
extra time, additional time	وقت اضافی
attorney, solicitor	وکیل
feature	ویژگی

ه

hotel	هتل
everyday	هر روز

roommate	هم اتاقی
classmate	هم کلاسی
each other	همدیگر
everything	همه چیز
always	همیشه
art	هنر
artist	هنرمند

ی

diary	یادداشت روزانه
a single bed	یک تخته
Sunday	یکشنبه



مصدرها

آ- ۱

To catch fire	آتش گرفتن
To quiet / calm (someone) down	آرام کردن
To be quiet / calm	آرام شدن
To be examined	آزمایش دادن
To cook	آشپزی کردن
To familiarize	آشنا شدن
To acquaint	آشنا کردن
To make ready	آماده کردن
To get ready	آماده شدن
To rain	باران آمدن
To have influence on, To affect	اثر گذاشتن
To become needy	احتیاج پیدا کردن
To need	احتیاج داشتن
To manage, To run	اداره کردن
To hurt, To tease	اذیت کردن
To communicate with	ارتباط داشتن
To pass a way	از دنیا رفتن
To marry	با کسی ازدواج کردن
To rest	استراحت کردن
To use, To make use of	استفاده کردن
To have an appetite for	اشتها داشتن
To insist on	اصرار کردن

To correct, To revise	اصلاح کردن
To add	اضافه کردن
To be added	اضافه شدن
To be sure	اطمینان داشتن
To trust somebody	(به کسی) اعتماد داشتن
To hope	امید داشتن
To choose	انتخاب کردن
To measure	اندازه گرفتن
To stand	ایستادن
To stop	ایستاندن

ب

To make experienced	با تجربه کردن
To rain	باریدن
To rebuild, To renovate	بازسازی کردن
To open	باز کردن
To play	بازی کردن
To cause	باعث (... شدن)
To weave	چیزی را بافتن
To be over the moon, To be walking/ floating on air	از خوشحالی بال درآوردن
To believe	باور کردن
To care for children	بچه داری کردن
To pick up	برداشتن
To carry, To take	بردن
To return	برگشتن
To be confined To bed	بستری شدن
To hug	بغل کردن

To know	بلد بودن
To kiss	بوسیدن
To go forward	به جلو رفتن
To be born	به دنیا آمدن
To think about	به فکر بودن
To travel, To take a trip	به مسافرت رفتن
To come in To existence, To be created	به وجود آمدن
To existence, To create	به وجود آوردن
To clutter , To disarrange, To disorganize,	به هم ریختن
To wake up	بیدار شدن
To wake up someone	بیدار کردن
To come out	بیرون آمدن
To go out, To exit	بیرون رفتن

پ

To clean	پاک کردن
To whisper	پچ پچ کردن
To cook	پختن
To fill	پر کردن
To take back	پس گرفتن
To wear, To put on	پوشیدن
To make/ earn money	پول درآوردن
To happen	پیش آمدن
To get off	پیاده شدن
To find	پیدا کردن
To progress	پیشرفته کردن
To suggest	پیشنهاد دادن

ت

To influence	بر چیزی / بر کسی تأثیر داشتن
To take taxi	تاکسی گرفتن
To delay	تأخیر داشتن
To have a fever	تب داشتن
To turn into	چیزی را به چیزی تبدیل کردن / شدن
To prefer	ترجیح دادن
To fear	ترسیدن
To decorate	تزئین کردن
To thank	تشکر کردن
To decide	تصمیم گرفتن
To offer	تعارف کردن
To be surprised	تعجب کردن
To be closed	تعطیل شدن
To have fun	تفریح کردن
To watch	تماشا کردن
To be finished	تمام شدن
To notice, To pay attention	توجه کردن
To prepare	تهیه کردن

ث

ج

To boil gently	جا افتادن (غذا)
To operate	جراحی کردن
To celebrate	جشن گرفتن
To come together	دور هم جمع شدن
To collect	جمع کردن

چ

To stick	چسبیدن
To check	چک کردن
To drip	چک چک کردن

ح

To be ready	حاضر بودن
To talk	حرف زدن
To solve	حل کردن (مسئله)

خ

To become ruined	خراب شدن
To snore	خُر خُر کردن
To smash	خرد کردن
To spend(money)	خرج کردن
To shop	خرید کردن
To trade	خرید و فروش کردن
To get tired	خسته شدن
To dry	خشک کردن
To be dangerous	خطر داشتن
To summarize	خلاصه کردن
To bend	خم کردن / شدن
To laugh	خندیدن
To eat	خوردن
To welcome a person	به کسی خوشامد گفتن
To make tasty	چیزی را خوشمزه کردن

د

To lie down	دراز کشیدن
To make	درست کردن

To study	درس خواندن
To teach	درس دادن
To cure, To give medical treatment	درمان کردن
To steal	دزدیدن
To say prayers	دعا کردن
To fight	دعوا کردن
To go after, follow	دنبال ... رفتن
To like	دوست داشتن
To take shower	دوش گرفتن
To milk	دوشیدن
To see	دیدن
ذ	
To walk	راه رفتن
To reserve	رزرو کردن
To arrive	رسیدن
To commute	رفت و آمد کردن (بین خانه و محل کار)
ز	
To live	زندگی کردن
To stay alive, To survive	زنده ماندن
To beautify	زیبا کردن
ژ	
س	
To make	ساختن
To fry	سرخ کردن
To cough	سرفه کردن
To be busy	سرکسی شلوغ بودن

To amuse, To entertain	سرگرم کردن
To travel	سفر کردن
To ask question	سؤال کردن

ش

To be similar	شبيه بودن
To take part	شرکت کردن
To begin	شروع کردن / شدن
To wash	شستن
To hunt	شکار کردن
To be busy	شلوغ بودن (سر کسی)
To count	شمردن
To know	شناختن

ص

To talk	صحبت کردن
---------	-----------

ض

ط

To last, To take time	طول کشیدن
-----------------------	-----------

ظ

To develop (a film)	ظاهر کردن (فیلم)
---------------------	------------------

ع

To be used to	عادت داشتن
To get used to	عادت کردن
To hurry, be in rush	عجله کردن
To take photo	عکس گرفتن
To be interested in	علاقه داشتن
To change	عوض کردن

غ	
To faint	غش کردن
ف	
To graduate	فارغ التحصیل شدن
To tell fortunes	فال گرفتن
To differ	فرق داشتن
To think	فکر کردن
To understand	فهمیدن
ق	
To weave carpet	قالی بافی کردن
To accept	قبول کردن
To be situated in	قرار داشتن (در)
To have an appoinyment	قرار داشتن
ک	
To plant	کاشتن
To complete	کامل کردن
To pull	کشاندن
To help	کمک کردن
To cancel	کنسل کردن / لغو کردن
گ	
To put	گذاشتن
To pass	گذشتن
To take a walk	گردش کردن
To get, To take	گرفتن
To call a taxi	گرفتن (تاکسی)
To heat	گرم کردن
To cry	گریه کردن

To tell story	گفتن (قصه)
To listen	گوش دادن / کردن
To feel dizzy	گیج رفتن (سر کسی)

ل

To be necessary	لازم بودن
To enjoy	لذت بردن

م

To stay	ماندن
To be different	متفاوت بودن
To notice	متوجه شدن
To have to	مجبور بودن
To disagree	مخالفت کردن
To be released	مرخص شدن
To ridicule	مسخره کردن
To consume	مصرف کردن
To study	مطالعه کردن
To trade	معامله کردن
To examine	معاینه کردن
To introduce	معرفی کردن
To suit. To be fit	مناسب بودن
To wait	منتظر بودن
To take care	مواظب بودن

ن

To be sad	ناراحت بودن
To sadden somebody	ناراحت کردن
To show	نشان دادن
To sit	نشستن

To draw, To paint	نقاشی کردن
To look at	نگاه کردن
To keep, To hold	نگه داشتن
To be worried	نگران بودن
To need, To require	نیاز داشتن

و

To enter	وارد شدن
To exist	وجود داشتن
To exercise	ورزش کردن
To take time, To make an appointment	وقت گرفتن

ه

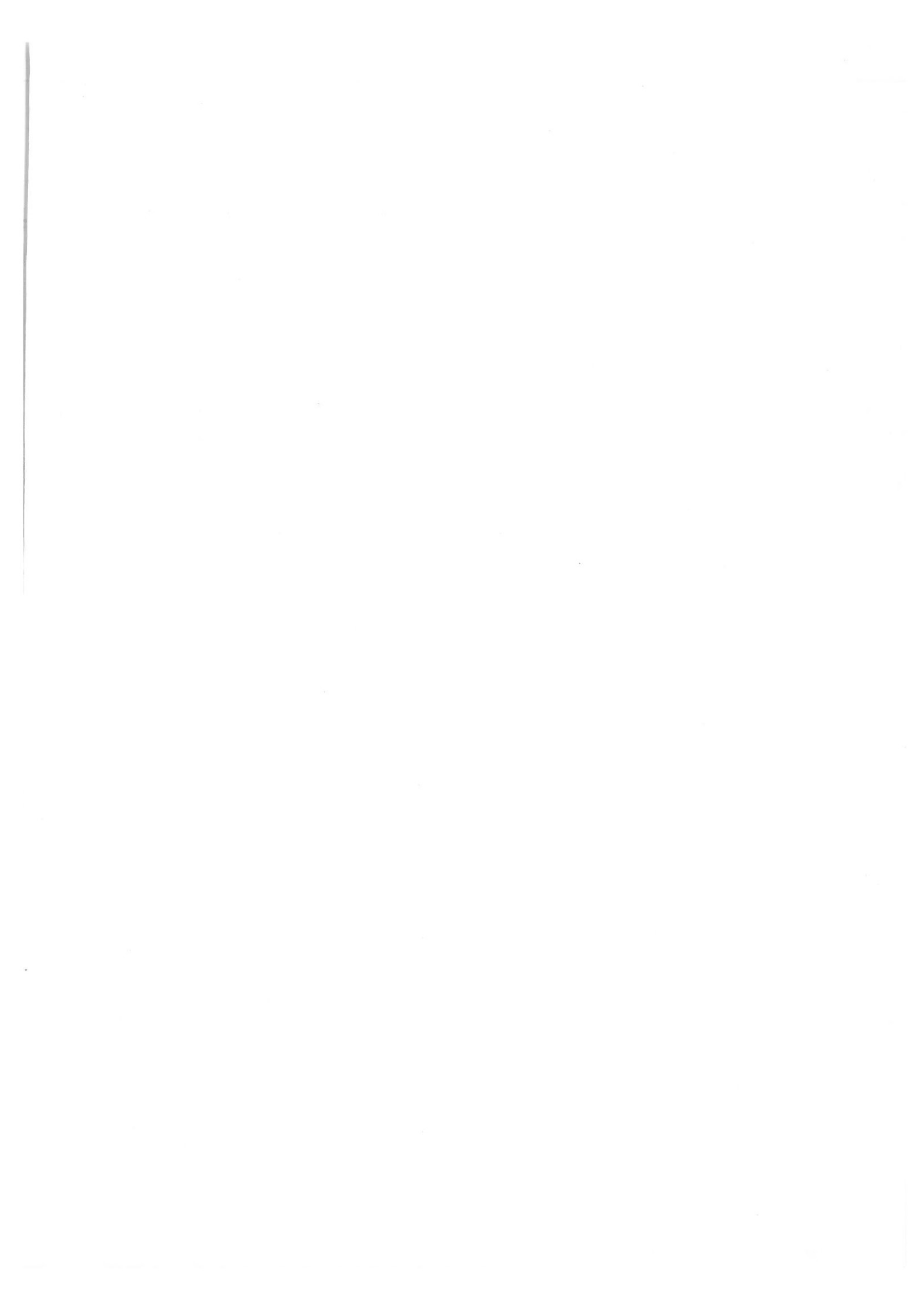
ی

To learn	یاد گرفتن
----------	-----------

فهرست منابع و مآخذ

۱. فرهنگ فارسی امروز، تألیف دکتر صدری افشار
۲. کتاب خاطرات پراکنده، گلی ترقی
۳. داستان باغ وحش، هوشنگ مرادی کرمانی





Symbols Used for this Manuscript



Comprehension



Vocabulary exercises



Reading plus



Review

comprehension skill may take a while, the language learner can reread the text to answer the relevant question(s).

Exercising vocabularies: this section consists of a series of exercises whereby the learner can practise the new words and understand their application in different contexts. The repetition of words and their varying meanings and applications will enhance the process of learning.

Further reading: the purpose of this section is to provide additional information on the topic of the lesson. Compared to the main body text, this section is culturally richer. That is, the further reading text contains myths, life stories, rituals, and feasts that are common to the Persianate society. In most cases the topic of the text correlates to the main text. Consequently, as a result of exposure to more words, the learner's vocabulary scope will be further extended. Since the aim of this book is to enhance learners' reading comprehension skill, the grammar section is confined to explaining compound verbs and verb conjugations.

Review: after every six lessons, a series of exercises will review the previous lessons. This section consists of three parts...

Other features:

The books in this series have other characteristics which are explained below:

1. The books have audio CDs. These audio companions will undoubtedly enable language learners to better practise and learn pronunciation and intonation.
2. The books are pictorial. Since pictures speak for themselves, the visual illustrations will help to transfer the cultural meanings embedded in the texts more effectively. For instance, pictures of feasts and rituals will better convey their nature and cultural meanings for those who are little or unfamiliar with them.
3. To support language learners to master their knowledge of Farsi verbs, the verbs used throughout the book appear in the end of the book along with their English meanings.

Whilst we hope that this book will be of interest and help to both learners and instructors of Farsi as a foreign language, we remain open to constructive comments from the audience.

Fatemeh Jafari
Azamossadat Navvabi
Hamid Ebrahimi

Preface

Reading comprehension is an understanding skill which requires the language learner to recognise written signs (i.e., letters, words, and sentences) and comprehend the meaning(s) and message(s) conveyed in their combinations. As one may appreciate, reading is not just about correct pronunciation and intonation as it necessitates understanding of the meaning of the text in hand. Mastering this skill, just like any other skill, requires practice. Language learners, therefore, need to improve their reading comprehension skill by constant practice and reading an ample amount of suitable texts, preferably with relevant exercises.

However, a glance at the existing resources reveals that there is a relative scarcity of suitable teaching materials in the realm of Teaching Farsi as a Foreign Language (TFFL) in general and reading comprehension in particular. Given the pivotal importance of reading comprehension to language learning, the timely launch of this book series addresses a significant need in the field, for both learners and teachers of Farsi as a foreign language. Concern over this dearth of suitable teaching materials prompted the authors of this book series to leverage their long established experience in TFFL to provide the field with useful and suitable materials.

This book series covers three levels of preliminary, intermediary and advanced. The first volume, which is at preliminary level, includes eighteen texts with various topics. Texts are presented logically, progressing from easy to difficult. Topics also correspond to the learners' need for better understanding of the socio-cultural context of contemporary Farsi-speaking society. Likewise, diction is meticulously tailored to meet this objective; that is, the texts include the essential terms language learners need to understand modern Farsi. Similarly, maximum effort has been put into supplying a series of grammar explanations and exercises whereby language learners can improve and hopefully master their knowledge of the rules of Farsi syntax.

The book is designed for those who have undertaken at least 80 hours of classroom training and are well capable of pronouncing simple words and understanding their meanings. Such learners are also expected to have sufficient grammar knowledge so that they can easily read simple sentences. However, in order to facilitate reading, diacritics (vowel pointing system) has been used for a majority of words.

The overall structure of the book

Pre-reading questions: each lesson is preceded by a series of questions around the topic of the lesson which familiarise the reader with the topic as well as the terminology of the given lesson.

New words: these follow the pre-reading questions and prepare the reader for reading the text. Some of these words may have multiple meanings, but the reader is expected to extract the right meaning of the word in the context and understand its meaning in relation to the text.

Main body: as mentioned earlier, the topics correspond to the learners' need for better understanding of the socio-cultural context of contemporary Farsi-speaking society. Such topics will facilitate the learners' familiarity with the real application of the words.

Reading comprehension exercises: these questions aim to improve the learner's reading comprehension skill. After purposefully reading, and of course understanding, the text, the learner should normally be able to answer the questions. However, as improving one's reading

Acknowledgements

The authors wish to thank Dehkhoda Lexicon's officials whose recognition of the worth of useful pedagogical resources and faith in the project, helped and encouraged to make the book what it is. We would like to express our gratitude to Dr. Ali Afkhami, Director of Dehkhoda Lexicon Institute & International Center for Persian Studies of University of Tehran, for supporting the publication of these series. We are also thankful to ICPS Vice-presidents, Mr. Hossein Akhondi and Mr. Abbas Pahlevani for their help and support.

We would like to offer special thanks to Dr. Iraj Shahbazi for his invaluable advice and comments which have had a great influence on the final manuscript.

We have also received great feedback from the ICPS professors and teachers; in particular we would like to thank Ms. Sara Siyavoushi, Ms. Sara Kiyani and Ms. Mina Mosmer who reviewed and piloted the material throughout the development.

In the name of Allah

Introduction

The International Centre for Persian Studies (ICPS) – affiliated to Loghatnameh Dekhoda Institute – has been engaged in Teaching Farsi as a Foreign Language (TFFL) for more than twenty years. During this period, and thanks to our enthusiastic and dedicated academics' growing expertise and experience, our learning resources have gradually developed to address Farsi language learners' varying educational needs. However, and despite such efforts to enhance both quantity and quality of educational materials in the realm of TFFL, and also given the rapid advancements in theoretical and applied linguistics, still there is a dearth of suitable learning materials in the field. Although a variety of books have already been published both inside and outside of Iran, these resources have not been adequately comprehensive to address the varying needs of language learners' pursuit of knowledge. As one may appreciate, this scarcity of educational materials can highly influence the learning and teaching experience for learners and teachers respectively. Our concern over this dearth of suitable educational materials prompted us to think about filling the gap. Given our established experience as a leading institute in the field, we decided to utilise our own resources and realise the idea of supplying high quality materials for TFFL. As part of this plan, Ms Fatemeh Jafari, our esteemed colleague and experienced teacher, took the initiative to write "Applied Grammar" in two volumes, published by ICPS, the University of Tehran. Following the successful launch of the book in 2011, ICPS is very pleased to publish the present book series in three volumes by Ms Fatemeh Jafari, Ms Azamossadat Navvabi, and Mr Hamid Ebrahimi. It is hoped that learners of Farsi and enthusiasts of the Farsi literature will enjoy these books.

Ali Afkhami

Director

The International Centre for Persian Studies

The University of Tehran



Reading Comprehension

For learners of Farsi as a foreign language
(Elementary)

Fatemeh Jafari
Azamossadat Navvabi
Hamid Ebrahimi